

۵۶

گوشه‌های علمی

فصلنامه
آموزشی
تحلیلی و
اطلاع‌رسانی

رشد



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

● دوره پنزدهم ● شماره ۱ ● پاییز ۱۳۹۱ ● ۶۴ صفحه ● ۶۵۰۰ ریال

● www.roshdmag.ir

تحول معلم گام اول
کار و سرمایه فرهنگی ایرانیان
رویکرد علوم اجتماعی در سند تحول بنیادین
بهشت در اردیبهشت
چه کسی مقصر است؟



بسم الله الرحمن الرحيم



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

رشد آموزش علوم اجتماعی

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش
دوره: پانزدهم • پاییز ۱۳۹۱
شماره: بی‌دری ۵۶

● هیئت تحریریه: دکتر فضیله خانی، دکتر مسعود فرهانیان مقدم
● مدیر داخلي: دکتر احمد کلاه مال همدانی
● دکتر ناهید فلاحیان، فریبرز بیات، ابوالفضل نفر
● طراح گرافیک و طرح جلد: پریسا سندیسی
● نشانی دفتر مجله: تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
● صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹
● تلفن: ۸۸۳۴۴۷۵۷
● وبگاه: ۸۸۳۰۱۴۸۷
● ایمانامه: www.roshdmag.ir
● تلفن پیام گیر نشریات رشد: ejtemaie@roshdmag.ir

● که مدیر مسئول: ۱۰۲ کد مشتری کین: ۱۱۴
● نشانی امور مشتری کین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
● تلفن امور مشتری کین: ۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۶۶۵۵
● شمارگان: ۹۰۰۰ نسخه
● چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

تحويل معلم گام اول / سردبیر
کار و سرمایه فرهنگی ایرانین / دکتر اکبر حمیدی
آغاز بیداری آفریقا / فاطمه سلیمی
تحويل تنها در روش / الناز خمایی زاده
رویکرد علوم اجتماعی در سند تحول بنیادین / فاطمه شهرزاد بخشایش

جامعه‌شناسی ایلات و عشایر کهگیلویه و بویراحمد
دکتر احمد کلاه‌مال همدانی
بهبشت در اردیبهشت / محمد دشتی
چه کسی مقصر است؟ / زهرا رضایی
برنامه‌ریزی ضرورت حیات کوچ روها / محمود اردوخانی

معرفی کتاب کوچ کوچ
فصل بهار را توضیح دهید / محسن درفش
مطالب کتاب گنگ است / فاطمه خرقانیان
دانش‌آموزی که معلم را شرم‌نده کرد / وهاب رزم آهنگ

چرا معلم او را کتک زد؟ / سید حشمت‌الله مرتضوی‌زاده، مریم الهی‌زاده
سیاوش قبادپور
آشنایی با روزهای ملی / زهرا صادقی

- قابل توجه
همکاران محترم:
۱. سعی شود مطالب ارسالی پیش‌تر جنبه‌ی کاربردی داشته باشد و از پرداختن درمجمه می‌فرستید، با آموزش علوم اجتماعی مرتبط باشد و در جای دیگری هم چاپ نشده باشد.
 ۲. مطالب ترجمه شده با متن اصلی ارسال شود.
 ۳. بهتر است متن را از طریق پست الکترونیکی (E-mail) برای ما بفرستید.
 ۴. نثر مطالب روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
 ۵. مجله در رد، قبول، اصلاح و تلخیص مطالب رسیده مجاز است.
 ۶. در ابتدای مطالب ارسال شده، واژه‌های کلیدی نوشته شود.
 ۷. شماره تلفن تماس و نشانی دقیق پستی حتماً نوشته شود.

تحول و عدل گام اول است

سرمقاله



در استقبال از اولین سال اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

هر سال مهر ماه، سر آغاز مهر تازه‌ای است که به گونه‌ای چند وجهی در جامعه آموزشی کشور رخ می‌نماید و بهاری را نوید می‌دهد که در آن بالندگی، رشد و پیشرفت اجتماعی به عنوان سرمنزل مقصود خودنمایی می‌کند. شور و شغف دانش آموزان و امیدهای نو شده در دل معلمان خردروز و دلسوز، مه‌ری را نوید می‌دهد که در آن احسن حال مورد توجه قرار می‌گیرد اما به راستی این احسن حال در حیطه آموزشی چیست؟ به گمان ما در یک کلمه «اجرای آموزش و پرورش اسلامی» است. همواره یکی از بزرگ‌ترین آرزوهای ملت مسلمان ما بر خورداری از آموزش و پرورش بوده است که بر مبنای اندیشه‌ها و فلسفه تربیتی - اجتماعی اسلام شکل گرفته باشد. در این خصوص و در مرداد ماه ۱۳۸۶، مقام معظم رهبری فرمودند: «آموزش و پرورش کنونی کشور ساخته و پرداخته فکر ما و برنامه‌های ما و فلسفه ما نیست. بنای کار بر آن فلسفه‌ای نبود که ما امروز دنبال آن فلسفه هستیم.»

این سخنان بیانگر آرزوی ملتی بود که انقلاب اسلامی را با زیر ساخت فرهنگ اسلامی به پیروزی رسانده اما هنوز نتوانسته بود آموزش و پرورش را به وجود آورد که در آن فلسفه انسان گرایی و غیر الهی (اومانیستی) غربی در جان و دل همه و به ویژه اندیشمندان تعلیم و تربیت رسوخ کرده باشد. این امر بارها مورد تأکید ایشان قرار گرفت. در نهایت «شورای عالی انقلاب فرهنگی» و «وزارت آموزش و پرورش» تلاش کردند تا اسناد بالادستی تحول در آموزش و پرورش را تنظیم کنند و اکنون این اسناد به قانون تبدیل شده است.



از نظر ما این اسناد باید به سرعت و با دقت تمام به اجرا در آید اما آن چه مهم است و در گام‌های نخست باید به اجرا در آید، اصلاح رفتارهای اجتماعی در وهله اول و کسب مهارت‌های اجتماعی در گام بعدی است. رفتارهای اجتماعی ما به خصوص در مدارس با آن چه که اسلام از ما انتظار دارد منطبق نیستند و به دلیل رسوخ فرهنگ غلط اومانیستی غرب، این رفتارها آسیب‌های فراوانی به مردم وارد کرده‌اند. اینجاست که ضرورت تبیین الگوی اخلاق اجتماعی اسلامی و کار بست آن در حوزه تبیین الگوی اخلاق اجتماعی از فرهنگ غنی اسلام، اعم از مسئولان، مدیران، دبیران، مدارس در تمامی سطوح، لازم است این الگوها در کارکنان و دانش‌آموزان، به اجرا در آید. پس از چندی با شاخص‌های تعیین شده آموزان، به اصلاح شوند.

واضح است که بازگشت به رفتارهای اجتماعی اسلامی به معنای نفی همه رفتارهای کنونی، حتی آنها که ریشه در اندیشه‌های دنیای غرب دارند، نیست. رفتارهای کنونی ناسبدان جا که با عرف اجتماعی ما سازگاری دارند باید به کار گرفته شوند؛ یعنی، رفتارهای اجتماعی عرفی باز کردن زنگارهای ناشی از سلطه اخلاق نسبی گریانه غرب و صیقل دادن به آنها، باید در نظام اجتماعی اسلام تحلیل شوند و به اجرا در آیند.

نکته بعدی آن که باید هم چون دیگر زمینه‌های علمی و فناوری که کشور در آن‌ها با جهش‌های باورنکردنی در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای پیشرفت کرده است، به پیشرفت نظام آموزش و پرورش اندیشید و آن را محقق ساخت. دنیای غرب درست از همین منافع در فرهنگ ما رسوخ کرده است. اگر این منافع به سرعت بسته نشوند، طرح تحول با شکست روبه‌رو خواهد شد. می‌دانیم که سرعت در امر فرهنگی چندان مقبول نیست اما ما در بستری قرار گرفته‌ایم که اگر عزمی ملی پشت سر آموزش و پرورش ما نباشد، در درازمدت نمی‌توانیم آن‌چه را که بیش از ۳۰ سال برایشان زحمات جان‌فرسایی کشیده‌ایم، به ثمر رسانیم و از آنها بهره ببریم.

توصیه ما نخست به معلمان و آموزان بار دیگر آغاز شده، دانش‌آموزان این است که درباره مسائل اجتماعی الگوهای مطالعات فراوانی داشته باشند، رفتارهای اجتماعی اسلام به الگوهای رفتاری خود تبدیل کنند و در سه سطح خانواده، مدرسه و جامعه آنها را به اجرا در آورند. در این زمینه با توجه به زحمات زیادی که برای «طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش» کشیده شده، توصیه اکید ما آن است که این طرح به عنوان مرجع اصلی رفتارهای اجتماعی، مدنظر دبیران و معلمان قرار گیرد و آنها با مطالعه جدی آن، در این تحول بزرگ فرهنگی اجتماعی مشارکت کنند.

سر دبیر



مقاله

کار و سرمایه فرهنگی ایرانیان

نگاهی به پیام‌های نوروزی مقام معظم رهبری

دکتر اکبر حمیدی - مدرس دانشگاه

مقدمه

ملت ایران ملتی سرافراز و هوشمند و سربلند است. علت تامه آن بهره‌گیری و اطاعت از ولی فقیه آگاه مدیر و مدبری است که در نظام فکری آنان وجود دارد. تا زمانی که پشتیبان این اندیشه باشیم، آسیب جدی به کشور وارد نمی‌شود و کشور به سرمنزل مقصود خواهد رسید. این تدبیر سبب شده است که ما در طول نوزده سال گذشته از پیام‌های مقام معظم رهبری بهره‌مند شویم. به یقین هر انسان، سازمان و نهادی که توانسته باشد این پیام‌ها را به درستی به کار گیرد، برنده این میدان شده است. به روال گذشته، مقام معظم رهبری نوروز امسال هم پیام جامعی ارائه دادند که در عین کوتاهی، نتیجه سال‌ها تلاش ملت و مسئولان ایرانی بود که به حمد الهی، با توفیق ملت و پیروزی در مقابل چالش‌هایی قرین بود که دشمنان ایران اسلامی به وجود آورده بودند.

کلیدواژه‌ها: تولید ملی، ترویج دانش، سرمایه فرهنگی، مقام معظم رهبری، پیام‌های نوروزی

ویژگی‌های پیام‌های نوروزی

اصولاً پیام‌های مقام معظم رهبری در ایام نوروز دارای ویژگی‌های عامی بدین شرح است:

• این پیام‌ها معمولاً حامل یک اندیشه محوری و راهبردی کلان هستند که می‌توانند در زمره راهبردها، سیاست‌ها و دستورالعمل اجرایی ملت‌های بزرگ جهان به ویژه کشورهای اسلامی قرار گیرند تا به هویت واقعی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی خود دست یابند و به سوی تعالی آن در خدمت واقعی به بشریت گام بردارند.

• در این پیام‌ها یک محور به عنوان محور اصلی تلقی می‌شود و ابعاد دیگر مقوم آن هستند. به عبارت دیگر، نگاهی نظام‌مند بر آنها حاکم است که تأثیرات متغیرهای مستقل بر آن محور مد نظر قرار گرفته است. برای مثال، امسال که سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نام گذاری شده، محصور اصلی و مهم‌ترین چالش، چالش اقتصادی است. اما این منوط به مصرف کالاهای ایرانی به عنوان یک فرهنگ عمومی است و در واقع، اجتماعیات و امور فرهنگی بر این امر بسیار اثرگذار خواهند بود.

• نکته سوم در این رابطه بعد «فرهنگ عمومی» این پیام‌هاست. معمولاً رهبر معظم انقلاب مهم‌ترین مخاطب خود را مردم می‌دانند و در پیام‌هایی که ارائه می‌کنند، سهم مردم را مهم‌تر از سایرین، از جمله دولت و مسئولان، می‌دانند. این به واسطه آن است که رهبری بیشتر می‌خواهند این موضوع در اذهان تثبیت شود. به فرهنگ عمومی جامعه بپیوندند و برای آینده ذخیره شود. در واقع ارزش‌های انقلاب اسلامی در اذهان مردم متمرکز شود تا عمیق‌تر بدان بیندیشند و عمل کنند.

دستگاه‌های فرهنگی در مقابل پیام‌های نوروزی مقام معظم رهبری به مراتب کارهای بیشتر و در عین حال عمیق‌تر و حساس‌تری دارند. زیرا آنها باید به تثبیت ارزش‌های اسلامی در اذهان مردم بیندیشند و راهبردها و راهکارهای شفاف‌تری را ارائه کنند. از این منظر وجه غالب وظیفه مسئولان دستگاه‌های

فرهنگی کشور در قبال پیام‌های نوروزی مقام معظم رهبری، ترویج و تعمیق ارزش‌های اسلامی و زدودن زنگارها از ارزش‌های اجتماعی است. به عبارت دیگر، دستگاه‌های فرهنگی هم باید جنبه سلبی و فرهنگی ارزش‌ها را در نظر بگیرند و با منهیات و منفیات مبارزه کنند و هم جنبه ایجابی آنها را مدنظر قرار دهند و به ترویج و تعمیق ارزش‌های محوری سال اقدام کنند. با توجه به ویژگی‌های ذکر شده و بدون هیچ توضیحی، صرفاً توجه شما را به عنوان‌های پیام‌های نوروزی مقام معظم رهبری در طول هیجده سال اخیر جلب می‌کنیم.

جدول عنوان‌ها به خوبی نشان می‌دهد که مسائل اجتماعی - اقتصادی عمده‌ترین مسائل جامعه ما هستند که انتظار می‌رفته است مسئولان طی این سال‌ها بدان پرداخته باشند. هفت مورد ماهیت اقتصادی، پنج مورد ماهیت اجتماعی، چهار مورد ماهیت دینی و سه مورد نیز ماهیت سیاسی داشته است. اگر مسائل اقتصادی - اجتماعی را در مجموع محاسبه کنیم، چیزی در حدود ۶۳ درصد موارد را در بر می‌گیرند. بر این مبنا می‌توان دو نکته را در نظر گرفت:

نکته اول اینکه رویکرد اصلی ایشان رویکردی توسعه‌گراست و به همین سبب هم ایشان الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی را مطرح کردند.

نکته دوم اینکه مبانی دینی این رویکرد در اولویت قرار دارد و با نگرش توسعه‌گرای غربی کاملاً متفاوت است. این همان چیزی است که دائماً در بیانات ایشان بدان اشارت رفته است. توضیح آنکه باید بدانیم در تمامی زمینه‌ها، اسلام نیاز ما را برطرف می‌کند و نیاز چندانی به نظریه‌های غیر خودی و انسان‌گرایانه دنیای غرب نداریم. اگر در متون اسلامی جست‌وجو کنیم، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اصلی این رویکرد را به خوبی می‌یابیم (در شماره ۵۴ «رشد آموزش علوم اجتماعی» به این مؤلفه‌ها پرداخته شده است) و آنگاه قضاوت خواهیم کرد که مبانی اندیشه‌ای توسعه در دیدگاه دینی و دیدگاه غربی کاملاً متفاوت و حتی متضاد با یکدیگرند. از این منظر چنین

ردیف	سال	عنوان سال	محور سال
۱	۱۳۷۳	وجدان کاری، انضباط اجتماعی	اجتماعی - اقتصادی
۲	۱۳۷۴	انضباط اقتصادی و مالی	اقتصادی
۳	۱۳۷۵	کار سازنده	اجتماعی - اقتصادی
۴	۱۳۷۶	صرفه‌جویی	اقتصادی
۵	۱۳۷۷	پرهیز از اسراف و رعایت صرفه‌جویی	اقتصادی - دینی
۶	۱۳۷۸	امام خمینی(ره)	سیاسی - دینی
۷	۱۳۷۹	امیرالمؤمنین حضرت علی (ع)	دینی - سیاسی
۸	۱۳۸۰	رفتار علوی	دینی - اجتماعی
۹	۱۳۸۱	عزت و افتخار حسینی(ع)	دینی - اجتماعی
۱۰	۱۳۸۲	نهضت خدمت‌گذاری	اجتماعی
۱۱	۱۳۸۳	پاسخ‌گویی سه قوه به ملت ایران	سیاسی - اجتماعی
۱۲	۱۳۸۴	هم‌بستگی و مشارکت عمومی	اجتماعی - سیاسی
۱۳	۱۳۸۵	پیامبر اعظم(ص)	دینی - سیاسی
۱۴	۱۳۸۶	اتحاد ملی و انسجام اسلامی	سیاسی - اجتماعی
۱۵	۱۳۸۷	نوآوری و شکوفایی	اقتصادی - اجتماعی
۱۶	۱۳۸۸	اصلاح الگوی مصرف	اقتصادی
۱۷	۱۳۸۹	همت مضاعف، کار مضاعف	اجتماعی - اقتصادی
۱۸	۱۳۹۰	جهاد اقتصادی	اقتصادی
۱۹	۱۳۹۱	تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی	اقتصادی

جدول عنوان‌های پیام‌های نوروزی مقام معظم رهبری از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۹۱

می‌توان برداشت کرد که نگرش مقام معظم رهبری نگرشی نظام‌مند (سیستمی) و توسعه‌گرا با مبانی دینی است که دارای «زیرنظام»‌هایی^۱ عمدتاً فرهنگی است. این زیرنظام‌ها بر محور اصلی نظام بسیار تأثیرگذارند. بنابراین، نگرش ایشان گرچه ماهیتی اقتصادی دارد، اما با نگاه دینی و فرهنگی قابل تبیین است.

چرا تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی الف) شرایط ویژه جهانی

عامل اول شرایط ویژه جهانی و ترفندها و توطئه‌هایی است

با پیش فرض فوق در حیطه فرهنگ و آموزش و پرورش،

که صحنه گردانان دنیای استکبار رقم می‌زنند. در ایران نیز شرایط اقتصادی پیچیده است و این مسائل مشاهده می‌شود: تلاطم بازارهای جهانی؛ پدیدار شدن انتظارات تورمی و رفتارهای موج‌گونه در بازارهای دارایی؛ مداخله قابل توجه در بازارهای طلا و ارز، آثار اجرای فاز نخست قانون هدفمندسازی یارانه‌ها؛ تأثیر تحولات و سیاست‌های اقتصاد کلان بر بازارهای مالی؛ تأثیر عوامل غیراقتصادی مؤثر بر تلاطم بازارهای طلا و ارز و بازنگری در سیاست‌های ارزی؛ بهبود وضعیت تولید و ارتقای شاخص‌های رفاهی؛ مساعدت به اقشار نیازمند در تأمین مسکن؛ ایجاد فضای نامساعد کسب و کار که به سبب آن، برخی از تولیدکنندگان به سفته بازی و بازار طلا و ارز روی آوردند. رهبر انقلاب اسلامی با توجه به تسلط بر شرایط و مشاوره با کارشناسان بسیار مورد اعتماد و کاملاً متخصص و افراد مطلع و آگاه، شرایط اقتصادی و نیاز کشور را به گونه‌ای بسیار تخصصی و عالمانه تشخیص دادند و امسال را نامگذاری کردند. مقام معظم رهبری در پیام امسال فرمودند: «ما امسال سال دیگری را در پیش داریم که به امید خدا و با توکل بر پروردگار، باز ملت ایران با فعالیت خود، با تلاش خود، با هوشمندی خود در این سال خواهد توانست پیشرفت‌های زیادی را برای خود به ارمغان بیاورد. به تشخیص من، طبق گزارش‌ها و مشاوره با افراد مطلع و آگاه، به این نتیجه می‌رسیم که عرصه چالش مهم در همین سال جاری - که این سال، امروز و از این ساعت شروع می‌شود - عرصه اقتصادی است. جهاد اقتصادی چیزی نیست که تمام شدنی باشد. مجاهدت اقتصادی، حضور جهادگونه در عرصه‌های اقتصادی، برای ملت ایران یک ضرورت است.

من امسال تقسیم می‌کنم مسائل مربوط به جهاد اقتصادی را. یک بخش مهم از مسائل اقتصادی بر می‌گردد به مسئله تولید داخلی. اگر به توفیق الهی و با اراده و عزم راسخ ملت و با تلاش مسئولان، ما بتوانیم مسئله تولید داخلی را، آن چنان که شایسته آن است، رونق ببخشیم و پیش ببریم، بدون تردید بخش عمده‌ای از تلاش‌های دشمن ناکام خواهد ماند. پس بخش مهمی از جهاد اقتصادی، مسئله تولید ملی است. اگر ملت ایران با همت خود، با عزم خود، با آگاهی و هوشمندی خود، با همراهی و کمک مسئولان، با برنامه ریزی درست بتواند مشکل تولید داخلی را حل کند و در این میدان پیش برود، بدون تردید بر چالش‌هایی که دشمن آن را فراهم کرده است، غلبه کامل و جدی پیدا خواهد کرد. بنابراین مسئله تولید ملی، مسئله مهمی است.»

یعنی چالش ما با دنیای غرب و استکبار چالش اقتصادی است و باید با جهاد اقتصادی این تهدید را به فرصت تبدیل کرد.

ب هدفمند کردن یارانه‌ها

عامل دوم طرح هدفمند کردن یارانه هاست که در سال گذشته فاز اول آن با شجاعت و درایت دولت خدمت گزار و مسئولان نظام به اجرا درآمد اما طبیعت هدفمند کردن یارانه‌ها در همه کشورهای چنین است که تورم، گرانی، بی‌کاری و در یک کلام آسیب‌های اقتصادی فراوانی ایجاد می‌کند. چه بسا اجرای آن در برخی از کشورها موجب سقوط دولت شود. اما اگر به درستی و با منطق علمی و درایت و بصیرت دینی به اجرا درآید، هر چند در گام‌های نخست همان عارضه‌ها را خواهد داشت ولی در نهایت جامعه و دولت را به هدف عدالت اقتصادی بسیار نزدیک‌تر می‌سازد.

در مرحله دوم، با کار دقیق و کارشناسانه واقعی و علمی، باید به ارزیابی اجرای طرح پرداخت تا با شناخت دقیق آسیب‌های موجود و به ویژه آفات اجتماعی تولید، بتوان آن را با موفقیت بیشتری اجرا کرد. در مرحله اول شاید به دلیل کمبود زمان، کار علمی و کارشناسانه دقیقی صورت نگرفته باشد اما به هر حال این طرح به اجرا درآمد و در روند خود توانست مسائل و مشکلات را بازنمایی کند. اکنون نوبت آن است که با اجرای دقیق‌تر و منطبق با قانون، از آسیب‌های احتمالی بعدی پیش‌گیری کرد.

اما یکی از آفات موجود اجتماعی که ریشه آن، میراث دوران طاغوت و دوران ظلمانی گذشته است، دل بستگی برخی از افراد به تولیدات بیگانه است. شاید دلیل آن هم این بوده است که ما یا تولید داخلی نداشتیم یا تولیداتمان کیفیت چندانی نداشته و غیرقابل مصرف بوده‌اند؛ اما امروز این گونه نیست. امروز تولیدات داخلی، تولیدات مرغوب و مطلوبی محسوب می‌شوند.

در عین حال، عده‌ای نیز از وجود فلان نشان خارجی روی لباسشان خوششان می‌آید یا دوست دارند روی خوراکی شان مارک خارجی باشد. این بیماری را باید علاج کرد. این کار در واقع واریز کردن سرمایه ملی ما به جیب خارجی‌هاست که طبیعتاً به ضرر تولیدکننده داخلی اوست.

ترک این عادت بد تنها با جهاد اقتصادی و تولید داخلی میسر می‌شود. روشن است که کالای داخلی نیز باید قدرت رقابت با کالاهای مشابه خارجی را داشته باشد تا بتواند در بازار و اقتصاد کشور دوام بیاورد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «کالای ساخت داخل بایستی قانع‌کننده باشد. بایستی دوامش، استحکامش، مرغوبیتش جوری باشد که مشتری را قانع کند. این هر دو در کنار هم، یک کار لازم و واجبی است.»

ایشان در جایی دیگر «فرمود: رحم‌الله امرا عمل عملا فاتقنه» رحمت خدا بر آن انسانی که کاری را انجام بدهد و آن را متقن انجام بدهد؛ درست انجام بدهد. این آینده نگری است، غیر از امروز. شما امروز ببینید در دنیا کمپانی‌هایی هستند صد

یکی از آفات
موجود اجتماعی
که ریشه آن،
میراث دوران
طاغوت و دوران
ظلمانی گذشته
است، دل بستگی
برخی از افراد به
تولیدات بیگانه
است. شاید دلیل
آن هم این بوده
است که ما یا تولید
داخلی نداشتیم
یا تولیداتمان
کیفیت چندانی
نداشته و غیرقابل
مصرف بوده‌اند؛
اما امروز این گونه
نیست. امروزه
تولیدات داخلی،
تولیدات مرغوب و
مطلوبی محسوب
می‌شوند

سرمایه‌داران و ثروتمندان می‌باید سرمایه‌های خود را در داخل کشور به کار گیرند. به تولیدکنندگان و به خلاقیت‌ها و ابتکارات آنها اطمینان کنند و سرمایه خود را در راه ارتقای کیفیت به کار گیرند. آنگاه خواهند توانست سود سرشاری نیز نصیب خود کنند و در کنار آن باعث پیشرفت و تعالی جامعه شوند. این نگاه می‌تواند به کاستن آسیب‌های اجتماعی بسیار کمک کند

سال است اینها دارند کار می‌کنند، صد و پنجاه سال است دارند کار می‌کنند و محصولاتشان در دنیا فروش می‌رود. اسم اینها کافی است که جنس را تو بازار رایج کنی؛ به خاطر اینکه درست کار کردند، خوب کار کردند، مشتری مطمئن است به اینها. شما می‌گویید که ما سفارش کنیم به مردم که تولیدات داخلی را مصرف کنند. من که خب چند سال است دارم سفارش می‌کنم، بنده که بارها گفته‌ام، منتها این با شعار درست نمی‌شود. خب، بله یک مقداری مردم حالا یک اعتمادی بکنند، یک اعتنایی بکنند به حرف ما. این یک بخشی از قضیه است. یک بخش دیگر هم مربوط به کیفیت است. خب کیفیت را باید بالا برد؛ کیفیت‌ها را باید بالا برد» (بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور).

آفات اجتماعی تولید

در هدمند کردن یارانه‌ها باید آفات اجتماعی تولید مدنظر قرار گیرد. اکنون متوجه می‌شویم که نقش تولیدکننده داخلی تا چه حد اهمیت دارد. اگر تولیدکننده تسهیلات مورد نیاز خود را نداشته باشد، نمی‌تواند با رقیب رقابت کند و به شکست می‌خورد. بدیهی است که همه تولیدکنندگان به حمایت دولت و ملت نیاز دارند؛ هر کدام به یک شکل. دولت با ایجاد تسهیلات سازمان دهی شده و معقول و ملت با حمایت و خرید کالا و شکل دادن اصناف و تشکل‌های مردمی. به عبارت دیگر، حمایت از تولیدکننده باید به عزم ملی تبدیل شود تا این عادت ناپسند، یعنی گرایش به کالاهای خارجی، کم رنگ شود. البته نه اینکه باب مراودات بازرگانی با خارج از کشور بسته شود بلکه لازم است رقابتی عادلانه در تولیدات و تجارت کالا به وجود آید.

مقام معظم رهبری به برخی از مسئولان می‌گویند: «اگر فلسفه شما، منطق شما برای افزایش واردات و تسهیل واردات ساخته‌های صنعتی این است که می‌گویید کیفیت مصنوعات داخلی باید بالا برود، خب فشار را روی این بخش بگذارید. سیاست‌هایی وجود دارد که می‌شود وادار کرد، مجبور کرد تولیدکننده داخلی را به اینکه کیفیت را ارتقا بدهد. بدترین گزینه برای بالا بردن کیفیت داخلی این است که ما راه را برای مصنوعات خارجی باز کنیم؛ این بدترین گزینه است. گزینه‌های بهتری وجود دارد برای اینکه ما کیفیت را بالا ببریم.»

حمایت از کار و سرمایه ایرانی

اما برای حمایت از کار و سرمایه ایرانی نیز راهی طولانی در پیش داریم. نخست آن که سرمایه‌داران و ثروتمندان می‌باید سرمایه‌های خود را در داخل کشور به کار گیرند. به تولیدکنندگان و به خلاقیت‌ها و ابتکارات آنها اطمینان کنند و سرمایه خود را در راه ارتقای کیفیت به کار گیرند. آنگاه خواهند

توانست سود سرشاری نیز نصیب خود کنند و در کنار آن باعث پیشرفت و تعالی جامعه شوند. این نگاه می‌تواند به کاستن آسیب‌های اجتماعی ناشی از بیکاری بسیار کمک کند.

در این زمینه مقام رهبری می‌فرمایند: «سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی در کشور عمومیت پیدا کند. امروز ثروتمندان زیادی در کشور ما هستند که برخوردار از ثروت‌اند. این ثروت را می‌توانند در سرمایه‌گذاری‌های سودمند و افتخارآفرین به کار بزنند؛ هم برای خودشان سود دارد، هم برای مردم سود دارد و هم مایه رضای خدا می‌شود. سرمایه‌گذاری ثروتمندان در کارهایی که به تولید کشور و به افزایش محصول در درون کشور - با بهره دهی بالا - منتهی می‌شود، یک عبادت و یک ثواب است. این راه باز است. می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند، تولید ثروت کنند. مدیریت کشور هم مراقبت کند که همه طبقات برخوردار بشوند و طبقات ضعیف هم بتوانند از فرصت‌ها استفاده کنند تا از ضعف خارج بشوند. همه توانایی پیدا کنند.»

همچنین ایشان در پیام نوروزی امسال می‌گویند: «ما باید بتوانیم از کار کارگر ایرانی حمایت کنیم، از سرمایه سرمایه‌دار ایرانی حمایت کنیم، و این فقط با تقویت تولید ملی امکان‌پذیر خواهد شد. سهم دولت در این کار، پشتیبانی از تولیدات داخلی صنعتی و کشاورزی است. سهم سرمایه‌داران و کارگران، تقویت چرخه تولید و اتقان در کار تولید است و سهم مردم - که به نظر من از همه اینها مهم‌تر است - مصرف تولیدات داخلی است. ما باید عادت کنیم، برای خودمان فرهنگ کنیم، برای خودمان یک فریضه بدانیم که هر کالایی که مشابه داخلی آن وجود دارد و تولید داخلی متوجه به آن است، آن کالا را از تولید داخلی مصرف کنیم و از مصرف تولیدات خارجی به جد پرهیز کنیم.»

ترویج دانش و پژوهش ایرانی

در دستیابی به پیشرفت و حمایت از تولید و سرمایه ایرانی، بی‌شک زمینه‌های علمی و پژوهشی باید جدی گرفته شوند. در صحبت‌های مقام معظم رهبری در پیام نوروزی، اشارات متعددی به پیشرفت‌های علمی کشور شده است. این پیشرفت‌ها سطح دانش و معرفت جامعه را افزایش خواهند داد. برای همه قابل تصور است که نداشتن پیشرفت علمی چه آسیب‌هایی را در همه عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به کشور وارد می‌آورد.

اما مقصود از علم، علم نافع، هدایتگر و توانمندساز است که می‌تواند به پیشرفت حقیقی و واقعی منتهی شود. وقتی چنین شود، طبعاً مردم مثل یک آینه حقیقت را به نمایش می‌گذارند. آنچه در جامعه به خصوص در آموزش و پرورش و آموزش عالی بیش از اینها باید مورد تأکید قرار گیرد، پژوهش و «مدیریت دانش» است. متأسفانه هنوز پژوهش در کشور ما به درستی

جایگاه خود را نیافته است. به ویژه در حوزه آموزش و پرورش این امر نمود بیشتری دارد و هر گاه که از پژوهش صحبت می‌شود، نوعی سطحی‌نگری در آن دیده می‌شود که نمی‌تواند نتایج خوبی به بار آورد. امید بسیار می‌رود که با توجه به «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» - که به توسعه ظرفیت پژوهش و نوآوری از طریق چهار راهکار هم چون «تدوین نظام جامع حمایت از پژوهشگران آموزش و پرورش» و هم چنین «استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود برای گسترش فرهنگ تفکر و پژوهش بین مدیران و مربیان» (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فصل ششم: ۳۱) پرداخته است - این امر موجب تولید دانش بومی در میان معلمان و مسئولان آموزش و پرورش شود و سرمایه فرهنگی کشور را ارتقا دهد.

فرهنگ عمومی و جلب سرمایه‌های فرهنگی

به منظور جلب سرمایه‌های فرهنگی باید کوشید که از فرهنگ عمومی و فرهنگ اقوام و ملل متفاوت استفاده بسیاری کرد. در فرهنگ ما ارزش‌ها و اصولی وجود دارند که می‌تواند عامل بهروزی، نشاط و موفقیت باشند. اگر این اصول و ارزش‌ها به درستی شناسانده شوند، ظرفیت‌های جدیدی کشف خواهند شد که مانع از حرص و طمع و آز مستکبران می‌شوند. با به کارگیری چنین ظرفیت‌هایی می‌توانیم بی‌نیاز از دشمنان و به‌طور مستقل به تولید علم و اندیشه، متناسب با ویژگی‌های اقوام گوناگون بپردازیم. این امر ظرفیت‌های مهمی ایجاد می‌کند که به امیدواری سرمایه‌گذاران در بستر علم، اندیشه و فرهنگ منتهی می‌شود.

اصولاً سرمایه‌گذاری در بستر فرهنگ دیربازده است اما اگر این ظرفیت‌های قومی و تمدنی شناخته شوند، زمان کوتاه‌تری صرف می‌شود و در نتیجه، تمایل سرمایه‌گذار ایرانی به سرمایه‌گذاری در بستر فرهنگ افزایش می‌یابد. این موضوع در آموزش و پرورش نیز بسیار اهمیت دارد. سنت دیرینه ما آن بوده است که مردم در حوزه آموزش و پرورش خود دست به اقدام بزنند. مردم ما بنیادهایی را تأسیس می‌کرده‌اند که گاه شهرت جهانی می‌یافت و از درون آن بزرگانی شکل می‌گرفتند که تحول عظیمی در بستر جامعه و فرهنگ آن ایجاد می‌کردند.

سرمایه ایرانی بیشترین اثرگذاری را در طول زمان و در محور فرهنگ داشته و آن را ماندگار ساخته است. از این منظر می‌توان چنین پنداشت که تولید ملی در بستر دانش از پایین‌ترین سطوح تا عالی‌ترین مدارج باید به رویکرد اصلی کشور در حوزه آموزش و فرهنگ تبدیل شود و حمایت از کار معلمان و مربیان، اندیشمندان حوزه آموزش و پرورش، مدیران و مسئولان آموزش و پرورش، به سبب فداکاری‌ها و

روحیه جهادی که در آنها نهفته و موجب پیشرفت واقعی و سریع کشور می‌شود، جزو باور قلبی همه جامعه و ملاک عمل مسئولان قرار گیرد. با این پیش‌فرض‌ها، خود مردم و مشارکت آنها پیش‌نیاز اصلی این پیشرفت و برون‌رفت از فشارهای عظیمی است که دشمنان انقلاب در قالب‌های گوناگون نرم‌افزاری بر ما تحمیل می‌کنند. در اینجا دو نکته مهم قابل ذکر است:

ترویج تبلیغات عالمانه

ترویج فرهنگ به تبلیغ عالمانه و آگاهانه نیاز دارد. در غیر این صورت در همان حوزه و محدوده باقی می‌ماند و دچار سکون خواهد شد. تبلیغات غلط نیز فرهنگ را از درون می‌پوساند و موجب فروپاشی و از هم گسستگی نظام فرهنگی می‌شود. در واقع نظام ناموزونی را شکل خواهد داد که هر روز یک سلسله مسئله و مشکل پیچیده ایجاد می‌کند. اینها همه در اثر شکل‌گیری تبلیغات غلط اتفاق می‌افتد. از این روی کار دستگاه‌های تبلیغ هم چون صداوسیما حساسیتی مضاعف می‌یابد. باید در این حوزه دقت بیشتری مبذول دارند و از تولیدات تبلیغی و کار و سرمایه ایرانی به‌طور جدی حمایت کنند. عدم پخش و حمایت از تبلیغاتی که با فرهنگ ایرانی سازگاری و انطباق ندارد، خود باعث خواهد شد که سرمایه ایرانی و سرمایه‌گذار ایرانی بستری بیابد که بتواند بین اندیشه و توان ایرانی رقابت ایجاد کند. روشن است آنکه فرهنگ ایرانی را بهتر بشناسد و از موقعیت‌ها بهتر بتواند استفاده کند، برنده این رقابت خواهد بود.

سرمایه‌گذاری در تولیدات تبلیغی

آخرین نکته اینکه ادوات و ابزارهای تبلیغاتی ما هم باید ایرانی - اسلامی شوند و دیگر عروسک‌هایی چون باربی روی کیف مدرسه دختران ما شکل نگیرد. تأکید می‌کنم ما به قدری در هنر ایرانی - اسلامی ظرفیت‌های زیبانشناختی داریم که اگر آنها را به کار ببریم، دنیای استکبار در حوزه تبلیغات فلج می‌شود. ما باید با اندیشه عمیق و نه با سطحی‌نگری به تولید ادوات و بسته‌های تبلیغاتی ویژه‌ای بپردازیم که مقوم فرهنگ ما باشند. خدا را شکر که این زمینه در فرهنگ ایرانی - اسلامی موجود است.

در پایان تأکید می‌کنیم که در آموزش و پرورش، عمل به پیام نوروزی مقام معظم رهبری، تحقق عملی و هوشمندانه اسناد ملی آموزش و پرورش هم چون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است.

پی‌نوشت

۱. Subsystem

به منظور جلب سرمایه‌های فرهنگی باید کوشید که از فرهنگ عمومی و فرهنگ اقوام و ملل متفاوت استفاده بسیاری کرد. در فرهنگ ما ارزش‌ها و اصولی وجود دارند که می‌تواند عامل بهروزی، نشاط و موفقیت باشند. اگر این اصول و ارزش‌ها به درستی شناسانده شوند، ظرفیت‌های جدیدی کشف خواهند شد که مانع از حرص و طمع و آز مستکبران می‌شوند

مقاله

چکیده

قرن حاضر قرن اسلام و معنویت است. اسلام، عقلانیت، معنویت و عدالت را همراه یکدیگر به ملت‌ها هدیه می‌دهد. تعالیم پروردگار بر اسلام عقلانیت و تفکر و تدبیر، کار و اقدام تأکید دارد. استکبار برای جبران تونس، لیبی و دیگر کشورهای اسلامی، مشغول طراحی و توطئه است. ملت‌های اسلامی به خصوص جوانان امت اسلامی که موتور بیداری اسلامی هستند، باید با هوشیاری، مراقبت کامل و استفاده از تجربیات دیگران، اجازه ندهند شبکه استبداد جهانی، انقلاب‌ها را از آنها برباید و راه‌های حال و آینده را منحرف کند.

کلمه «بیداری اسلامی» مترادف با بازگشت به اسلام و احیای ارزش‌های اسلامی است. در قرن‌های گذشته، نظام غرب با اقدامات نظامی و فرهنگی خود توانست کشورهای اسلامی را زیر سلطه خود در آورد. این موضوع باعث شد که مسلمانان نیز دست به مقابله به مثل بزنند. در دوره معاصر که شاهد خیزش ملت‌های منطقه هستیم، غربی‌ها با مشاهده به خطر افتادن منافعشان، در مقابل بیداری ملت‌ها ایستاده‌اند و با هم متحد شده‌اند. جهان بعد از جهان دو قطبی نظام سرمایه داری و نظام کمونیسم هنوز شکل نهایی خود را نگرفته است. این فرصتی است که جهان اسلام بیدار شود و خود را به عنوان یک قدرت بزرگ در جهان نشان دهد.

کلیدواژه‌ها:

فرهنگ، بیداری اسلامی، انقلاب اسلامی، استکبار، تونس.

مروری
جامعه‌شناختی
بر نهضت
بیداری
اسلامی
تونس

کارشناس مطالعات اجتماعی و دبیر منطقه ۱۳ آموزش و پرورش
فاطمه سلیمی

(مجله تونسی علوم اجتماعی، دوره ۱۵، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱)



مقدمه

بیداری اول راه است!

زندگی هر روزه ما از لحظه بیدار شدنمان آغاز می‌شود؛ از لحظه‌ای که چشم‌هایمان رو به مسیر پیش رو باز می‌شود. این بیداری بسیار مهم است، ولی نکته‌ای که نباید فراموش کرد، اهمیت شناختن مسیر پیش رو بعد از بیداری است. به کجا خواهیم رفت؟ مقاصد بعدی کجا قرار گرفته‌اند؟ آیا مقصد ما همین بیداری بوده است؟ اکنون «بیداری اسلامی» در رسانه‌های داخلی «انقلاب اعراب» و «بهار عربی» در رسانه‌های خارجی، در ردیف اخبار اصلی قرار گرفته است. آن چه ما از آن به بیداری اسلامی و رسانه‌های غربی به انقلاب اعراب یاد می‌کنیم، حداقل کم‌کم، شاخصه‌های مهم اشتراک دارند: جان‌سپاسی قدم به مرحله حساسی از دوران تاریخ خود گذاشته است. آنچه در کلام رهبر معظم انقلاب به دوراهی دورانی تیره و تار و دوران اقتدار تعبیر شد. با وجود این، سؤال اصلی این است که بدنه مردمی این انقلاب‌ها چه نگاه و نظری نسبت به مراحل بعدی کار خود دارد.

آشنایی با کشور تونس

تونس کشوری در شمال آفریقا و در کنار دریای مدیترانه است. با الجزایر و لیبی هم مرز است و در اصل، شمالی‌ترین کشور آفریقا محسوب می‌شود. تونس از نظر تاریخی سابقه طولانی دارد و قدمت آن به دوران باستان می‌رسد. امروزه این کشور روابط وسیعی با اتحادیه اروپا و همچنین جهان عرب دارد و اقتصاد آن تا حد زیادی بر صادرات استوار است.

تاریخ تونس

تونس برای اولین بار توسط «فنیقی‌ها» در قرن ۱۲ پیش از میلاد مسکون شد. پس از آن در قرن پنجم پیش از میلاد، شهر - دولت کارتاژ منطقه‌ای را که امروز تونس و همچنین بخش عمده‌ای از منطقه مدیترانه را شامل می‌شود، تحت تسلط خود در آورد. در سال ۱۴۶ پیش از میلاد، منطقه مدیترانه توسط امپراتوری روم تصرف شد و از آن پس تونس تا سقوط امپراتوری در قرن پنجم بخشی از امپراتوری روم بود. پس از سقوط امپراتوری روم، تونس



۱۲ رشد آموزش علوم اجتماعی / دوره ۱۵۵ / شماره ۱ / پاییز ۱۳۹۱

مورد تاخت و تاز قدرت‌های مختلف اروپایی قرار گرفت اما نهایتاً در قرن هفتم میلادی به استیلای مسلمانان درآمد. از آن پس مهاجرت‌های زیادی از جهان عرب و عثمانی به تونس انجام پذیرفت.

در قرن ۱۵ میلادی، مسلمانان اسپانیا و تعدادی از یهودیان به تونس مهاجرت کردند. در اوایل دهه ۱۵۷۰، تونس، بخشی از امپراتوری عثمانی شد. در سال ۱۸۸۱ به اشغال فرانسه درآمد و تحت‌الحمایه این کشور شد. تونس تحت کنترل فرانسه ماند تا در سال ۱۹۵۶ به استقلال رسید. حبیب بورقبیه اولین رئیس‌جمهور و حاکم منطقه این کشور بود. در زمان او، تونس از نظر اقتصادی و سیاسی نزدیک به فرانسه باقی ماند و روابط نزدیکی نیز با کشورهای غربی، از جمله ایالات متحده برقرار کرد. حبیب بورقبیه اصلاحات اساسی اجتماعی و اقتصادی را در این کشور آغاز کرد و به رشد چشم‌گیر اقتصادی این کشور در دهه ۱۹۹۰ کمک کرد. او آموزش نوین را در این کشور بنیاد نهاد، آموزش عالی را بسط داد و به ایجاد یک طبقه متوسط وسیع و روشن فکر تحصیل کرده کمک کرد. در زمان او روابط تونس با کشورهای غربی و دنیای عرب هرچه بیشتر مستحکم شد اما نبود آزادی‌های سیاسی و عدم توازن میان توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی باعث شد، حکومت وی پس از ۳۱ سال استبداد سیاسی، در سال ۱۹۸۷ به دست زین‌العابدین بن علی، افسر عالی‌رتبه پلیس، سرنگون شود. بن علی نیز کماکان همان سیاست‌های حبیب بورقبیه را دنبال کرد و هم‌چنان شیوه حکومت استبدادی را ادامه داد. سرانجام



حکومت وی نیز پس از ۲۳ سال دیکتاتوری، خودکامگی و اختناق در شرایطی مشابه، در نیمه ژانویه ۲۰۱۱ (۲۴ دی ۱۳۸۹) سرنگون شد و خود او به عربستان سعودی گریخت. نام اعتراضات خیابانی مردم در این دوره به «انقلاب گل یاسمن» شهرت یافت. الغنوشی، نخست‌وزیر، بلافاصله اعلام کرد که سکان اداره کشور را در دست گرفته است.

۲ ساختار دولت

حکومت جمهوری تونس از سال ۱۹۸۷ تا ژانویه ۲۰۱۱ توسط رییس‌جمهور آن، زین‌العابدین بن علی، اداره شده است. تونس همچنین دارای نخست‌وزیری است که همراه با رئیس‌جمهور قوه مجریه را اداره می‌کنند. قوه مقننه این کشور دو مجلس دارد که از مجلس نمایندگان و شورای مشاوران تشکیل شده است. قوه قضایی کشور نیز با نظارت دیوان عالی کشور فعالیت می‌کند. کشور به ۲۴ فرمانداری به مثابه دولت‌های محلی تقسیم شده است.

۳ اقتصاد

تونس اقتصادی متنوع و در حال رشد دارد که بر کشاورزی، معدن، گردشگری و صنایع ساخت متمرکز شده است. صنایع اصلی این کشور عبارت‌اند از: نفت، فراوری معادن فسفات و سنگ آهن، منسوجات، کفش، فراوری محصولات کشاورزی، و آشامیدنی. از آنجا که گردشگری نیز یک صنعت بزرگ در تونس است، بخش خدمات نیز رونق فراوان یافته است. محصولات اصلی تونس در زمینه کشاورزی، زیتون و روغن زیتون، غلات، گوجه فرنگی، مرکبات، چغندرقد، خرما، بادام، گوشت گاو و فراورده‌های لبنی را شامل می‌شود.

در سال‌های اخیر، به‌رغم جهش در خور توجه اقتصادی و به ویژه رونق گردشگری، بی‌کاری به علت رکود اقتصاد جهانی و توسعه ناهنجار اقتصاد افزایش یافت و در سال ۲۰۱۰ به ۱۴ درصد رسید ولی نرخ تورم در این کشور پایین است، به طوری که در سال ۲۰۱۰ این نرخ ۴/۵ درصد بوده است.

در سال ۲۰۱۰ میزان تولید ناخالص داخلی این کشور (براساس نرخ برابری خرید) معادل ۱۰۰/۳ میلیارد دلار بوده و درآمد سرانه نیز ۹۵۰۰ دلار گزارش شده است.

۱ زی‌ساخت‌های بیداری اسلامی در تونس

شواهد و قرائن حکایت از آن دارد که علاوه بر هزاران تهدید و مشکل قبلی مطرح برای رژیم خودساخته اسرائیل، اینک بحران هویت، آشکارا و به‌طور جدی تداوم حیات این رژیم را غیرممکن ساخته است. رژیمی که با توسل

به هزاران ترفند، تمام تلاش خود را به کار برد تا با جذب و کوچاندن معدود صهیونیست‌های متعصب و پراکنده در سطح جهان، کشوری مجعول را بنا کند، هم‌اکنون چنان از اصول اعتقادی دین یهود فاصله گرفته و در بحران بی‌هویتی ناشی از بی‌دینی و تنوع قومیت‌ها و نژادهای متفاوت گرفتار شده که از حل مسائل و مشکلات داخلی عاجز مانده است. شواهد نشان می‌دهد که پس از سال‌ها حضور تجاوزکارانه این رژیم در سرزمین فلسطین، اصول و مبانی شیطانی این فرقه ضاله نتوانسته است بر گرایش‌های قومیتی و سرزمینی افراد حاضر در آن که از اقصا نقاط دنیا گرد هم آمده‌اند، غلبه کند. به‌رغم شعارهای فریبکارانه، تبعیض نژادی و ایجاد طبقات برتر در واگذاری مناصب دولتی و توزیع تسهیلات و امکانات و همچنین اختلاف‌نظرهای شدید سیاسیون و حاکمان این رژیم، به اوضاع آشفته آن دامن زده‌اند. برنامه‌های تدوین شده حول محور مبانی فرقه‌ای و حزبی نیز که برای مسخ افکار و تربیت انسان‌هایی کاملاً مطیع و گوش به فرمان اجرا شده، نتوانسته‌اند از سهم‌خواهی طیف‌های مختلف ممانعت به عمل آورند.

از سوی دیگر، هم‌زمان با مشکلات اقتصادی و اجتماعی فراوان داخلی، انعکاس ابعاد مختلف رفتارهای خشونت‌بار صهیونیست‌ها علیه مردم مظلوم و بی‌دفاع فلسطین از یک سو و نزدیک شدن دامنه امواج نهضت بیداری اسلامی به نقاط مرزی این کشور جعلی از سوی دیگر، چنان وحشتی در دل ساکنان غاصب و فریب‌خورده آن به وجود آورده که نه تنها مهاجرت معکوس را تشدید کرده، بلکه حتی مدافعان غربی و شرقی، سازشکاران و حامیان منطقه‌ای آنها را نیز نگران کرده و باعث شده است برای در امان ماندن از آثار مخرب این امواج خروشان، تا حد ممکن خود را از مواجهه با آن دور کنند. همین موضوع باعث شده است مظلوم‌نمایی‌های رژیم اشغالگر قدس نیز کارایی خود را از دست بدهد و ماهیت واقعی این رژیم هر روز بیش از پیش نزد مردم دنیا برملا شود.

مجموعه این عوامل و ده‌ها عامل پنهان و آشکار دیگر کافی است تا به‌رغم اصلاحات ظاهری که احتمالاً به زودی از سوی دولت اسرائیل برای همراهی مجدد ساکنان غاصب فلسطین اشغالی و فریب افکار عمومی جهان انجام خواهد شد، حداقل انزوای شدید رژیم صهیونیستی در جریان یک همراهی گسترده در سطح دنیا و با اتحادی فراگیر در جهان اسلام (حتی در حد بروز جنگی مانند جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل)، به یکی از پیش‌بینی‌های قریب‌الوقوع مبدل شود.

طبیعی است که در این فرایند، بروز هرگونه عمل جنایتکارانه توسط رژیم ضدبشری اسرائیل برای برون رفت از این اوضاع آشفته، دور از انتظار نیست اما بی‌تردید هیچ





اقدامی برای نجات از غرق شدن در این گرداب خودساخته، نتیجه‌بخش نخواهد بود. اما اجماع جهانی برای محکومیت و منزوی ساختن این رژیم جعلی مؤثر خواهد بود.

۲ فراگیری موج بیداری اسلامی

اگرچه غرب و به خصوص آمریکا، به دنبال از دست دادن سرسپردگی حاکمان دیکتاتوری هم‌چون بن علی، مبارک، علی عبدالله صالح، قذافی و دیگر کسانی که آخرین روزهای حکومت خود را طی می‌کنند، تمام تلاش خود را برای تجهیز و حفظ سایر رژیم‌های حکومتی اعراب و به خصوص آل سعود به عنوان آخرین و به ظاهر مطمئن‌ترین پایگاه خود در منطقه، به کار برده‌اند، وجود تبعیض در رفتار و عملکرد چند ده ساله حاکمان این کشورها موجودیت آنها را به خطر انداخته است. جانشین‌داری و همراهی علنی آنان با دولت‌های فاسد غربی، به ویژه دولت‌های آمریکا و اسرائیل که همواره به عنوان اصلی‌ترین دشمنان مسلمانان مطرح بوده‌اند از یک سو و گسترده‌گی فساد در تار و پود نظام حکومتی آنها از سوی دیگر، شرایطی را به وجود آورده که تغییر در ساختار سیاسی و اجتماعی این کشورها را اجتناب‌ناپذیر و قطعی کرده است. تداوم شرایط کنونی می‌تواند به سرنگونی کامل تمام حکومت‌های دیکتاتور فعلی بینجامد.

در این میان، شاید دولت‌مردان عربستان با اتکا به ثروت‌های بادآورده و حمایت‌های مصلحت‌طلبانه غرب، خود را از بروز چنین حوادثی مصون بدانند اما در مورد این کشور علاوه بر مشکلات فوق باید به نارضایتی‌های مردم ناشی از خفقان حاکم بر جامعه شیعیان و حتی سنی‌های غیروهابی، آثار سوء دخالت‌های چندساله حاکم در امور دیگر کشورهای منطقه، و نقش وهابیون افراطی برای تسلط بر ارکان حکومتی و تأثیر حضور آنان بر تشدید بحران‌هایی، که به مثابه آتش زیر خاکستر آماده اشتعال‌اند، نیز اشاره کرد.

بنابراین، پیامدها و آثار رو به گسترش موج بیداری اسلامی حکایت از آن دارد که در صورت تداوم این منع در کشورهای درگیر، نه تنها تسلیحات و تجهیزاتی که برای حفظ تاج و تخت آنها در اختیارشان قرار گرفته است کارساز نخواهد بود بلکه حمایت‌های سیاسی و مشورتی اروپا و آمریکا نیز، نتیجه‌ای برای نجات آنها از موج عدالت‌خواهی و آتش خشم ملت‌های انقلابی در بر نخواهد داشت. چه بسا همین اقدامات با تأثیرگذاری بر چرخه تحولات بتواند به ابزاری برای سرعت بخشیدن به مبارزه علیه خود آنها و اربابانشان تبدیل شود و حکومتی مانند آل سعود را با شدت بیشتری سرنگون کند.

۳ تأثیر انقلاب‌های مردمی

با اینکه برای اکثر مردم جوامع غربی، تصور وجود نظامی کارآمدتر از نظام‌های سرمایه‌داری، دور از ذهن به نظر می‌رسید و اگرچه در حال حاضر موج بیداری محرومان و کسانی که مورد بی‌عدالتی و تحت ظلم و ستم قرار گرفته‌اند به برخی از کشورهای خاص محدود می‌شود اما قطعاً با آشکار شدن دستاوردهای مثبت تحولات جاری در سطح دنیا، دامنه این امواج به سایر نقاط جهان نیز گسترش خواهد یافت. همان‌گونه که مقام معظم رهبری نیز پیش‌بینی کرده‌اند، نه تنها خاورمیانه و آفریقا، بلکه اروپا نیز از نتایج بیداری و قهر انقلابی ملت‌های تحت ستم در امان نخواهند بود.

ارتباط دولت‌های سلطه‌گر و سلطه‌پذیر، غالباً به روابط بین حاکمان محدود و از پایگاه و جایگاه مردمی بی‌بهره است. به همین دلیل، شاید در گذشته دولت‌های استکباری توانسته باشند در تعاملات سیاسی، اقتصادی یا نظامی با سایر دولت‌های سرسپرده، منافع و موقعیت خود را حفظ کنند اما از آنجا که حضور آنها در نقاط گوناگون جهان همواره با جنگ‌افروزی، حمایت از دولت‌های غرب‌گرا و دیکتاتور برای چپاول و غارت منابع و امکانات این کشورها، و تحمیل و ترویج فرهنگ منحط غربی همراه بوده است، این حضور نمی‌تواند در درازمدت با ثبات و پایدار باشد.

این عملکرد وضعیتی را ایجاد کرده است که علاوه بر مردم کشورهای مستضعف و محروم اقصا نقاط دنیا، مردم کشورهای غربی و اروپایی نیز با تاسی از فریاد عدالت‌طلبی مردم سایر کشورها، از ظلم و ستمی که سال از سوی حاکمان بر آنها روا می‌دارند، به خشم آمده‌اند و نابودی و تغییر حکومت‌های خود را فریاد می‌زنند. به این ترتیب، احتمال فراگیری شدن بیداری عمومی ملت‌های تحت ستم در مخالفت با استثمار و استکبار و نظام سست و در عین حال پرزرق و برق و فریبکارانه سرمایه‌داری در سراسر دنیا و تبدیل این حرکت مردمی و خودجوش به یک نهضت جهانی و عمومی، سخن‌گرافی نخواهد بود. البته در مورد کشورهای بی‌ثبات که فاقد شرایط لازم، از جمله «وحدت رهبری» در انقلاب باشند، احتمال تداوم حرکت‌های قهرآمیز در قالب جنگ‌های داخلی نیز وجود دارد.

۴ منزوی شدن دنیای غرب

معرفی اکثر کشورهای اروپایی و نیز آمریکا به عنوان مقروض‌ترین کشورهای دنیا، سقوط ارزش دلار در برابر سایر ارزهای رایج، سقوط ارزش سهام شرکت‌ها و کاهش معاملات بازار بورس در کشورهای غربی، ورشکستگی ده‌ها بانک و تعطیلی صدها شرکت اروپایی و آمریکایی،

۵ جنگ سرد جدید بین غرب و شرق

آمریکایی‌ها که زمانی به دور از تبعات جنگ‌های جهانی، تمام تلاش خود را معطوف تسلط تدریجی بر جهان و اعمال نفوذ بر ساختار سیاسی و اجتماعی کشورهای گوناگون در جهت کسب منافع نامشروع کرده بودند و به خصوص در چند سال اخیر با اتکا به ثروت‌های بادآورده و قدرت بی حد و حصر نظامی، خود را حاکم بلامنازع جهان می‌پنداشتند و با وقاحت تمام، دخالت در تمام امور بین‌المللی و حتی داخلی کشورها را حق خود می‌دانستند، اکنون به علت عوارض ناشی از مشکلات داخلی و خارجی، در وضعی قرار گرفته‌اند که دیگر قادر نیستند به راحتی و با اتکا به قدرت اقتصادی یا نظامی، نظر خود را به رقبای راهبردی خود و حتی کشورهایی که قبلاً مستعمره آنها به حساب می‌آمدند، تحمیل کنند.

ضعف ساختار حکومتی، آشکار شدن ناکارآمدی نظام سرمایه‌داری، بروز مشکلات عظیم اقتصادی، تشدید بحران‌های اجتماعی، جنگ‌افروزی و آثار نامطلوب حضور آمریکا در نقاط متفاوت جهان از یک طرف و دخالت در امور گوناگون کشورها، تحقیر ملت‌ها، تحریک و حمایت مستقیم و غیرمستقیم مخالفان، زیاده‌خواهی و تداوم رفتار مستکبرانه دولت‌مردان آمریکایی برای اعمال نفوذ بر تصمیم‌های سازمان ملل تنزل شدید جایگاه بین‌المللی آمریکا در میان افکار عمومی جهان، بیداری ملت‌ها و ده‌ها دلیل دیگر از طرف دیگر، سبب شده است که این کشور به تدریج موقعیت راهبردی خود را به عنوان یک شریک مطمئن برای حکومت‌های وابسته از دست بدهد. هم‌اکنون رقبای شرقی آمریکا و هم‌پیمانان او نیز به خوبی دریافته‌اند که معدود همراهی‌های صورت گرفته از سوی آمریکا و غرب در چالش‌های جهانی، تنها رفتاری کذب برای کسب فرصت‌های بهتر در جهت سلطه بیشتر بر جهان بوده است. این وضعیت سبب شده است که بار دیگر زمینه‌ها برای احیای مجدد جنگ سرد که سال‌ها بر روابط آمریکا و شوروی سابق حاکم بود، فراهم شود اما آنچه در مورد آینده جهان معاصر قطعی به نظر می‌رسد، این است که دنیا دیگر شاهد جهانی تک‌قطبی یا دوقطبی نخواهد بود.

ثمره بیداری اسلامی در تونس

تونس نخستین کشوری بود که طلوع انقلاب مردمی جهان عرب را مشاهده کرد. در اولین انتخاباتی که پس از فرار بن علی، دیکتاتور تونس، در این کشور برگزار شد، بین ۸۰ تا ۱۰۰ حزب و گروه سیاسی و بیش از ۱۱ هزار نفر در این انتخابات نامزد شدند. از جمعیت بیش از ۱۰ میلیونی تونس، حدود ۷ میلیون نفر واجد شرایط رأی دادن بودند که

افزایش هزینه‌ها و کاهش شدید نقدینگی آمریکا و غرب و افزایش نرخ بی‌کاری در این کشورها از مواردی هستند که به روایت تحلیلگران بین‌المللی، فروپاشی قریب‌الوقوع نظام سرمایه‌داری را در آینده‌ای نه چندان دور محتمل ساخته‌اند. صرف نظر از اطلاعات و آمار مورد اشاره و کارکردهای اقلیت‌نگران و ظالمانه نظام سرمایه‌داری در جوامع غربی، پیدایش نظام برده‌داری نوین و ایجاد یک طبقه محدود فوق‌العاده متمول و ثروتمند و متقابلاً اکثریتی برخوردار از درآمد و امکاناتی محدود و نسبی و بعضاً در حد فقر را در این کشورها در پی داشته است. به این ترتیب، نقاط ضعف این حکومت‌ها برای مردم آنها و سایر جهانیان معلوم می‌شود و با ایجاد تزلزل در پایه و اساس نظام سرمایه‌داری، شرایط برای طغیان جوامع غربی و متلاشی شدن غده چرکینی که سال‌ها راه تنفس ملت‌های مسخ شده و تحت استثمار این بخش از کره خاکی را سد کرده بود، فراهم می‌آید.

امروزه سؤال مشترک شهروندان آمریکایی و اروپایی این است که «با چه منطقی و تا چه زمانی باید هزینه سیاست‌های جنگ‌افروزان سردمداران و حضور غیرقانونی و غیرمنطقی ارتش‌های خود را در نقاط گوناگون دنیا بپردازیم؟ چه کسی به آنها اجازه داده است برای فروش بیشتر تسلیحات و تأمین منافع صاحبان شرکت‌ها، شهروندان خود را قربانی کنند؟ چرا باید مالیات شهروندان اروپایی صرف برنامه‌های غیرانسانی رژیم غاصبی شود که حمایت از آن دستاوردی غیر از تصاحب مناصب کلیدی کشورهایشان و استثمار شهروندان درجه دو و سه اروپایی و آمریکایی و تحمیل هزینه‌های سنگین و در نهایت کاهش محبوبیت غرب نزد افکار عمومی جهان را برای آنها در پی نداشته است؟»

اگرچه جنبه‌های مثبت قابل توجهی از زندگی مدرن را نیز می‌توان در این کشورها ملاحظه کرد، اما اینک مردم کشورهایی که همواره سرزمینشان به دروغ برای دیگران الگویی نوین از تمدن و آزادی، و مدینه فاضله‌ای عاری از هرگونه مشکل برای یک زندگی عادلانه و ایده‌آل معرفی شده است، به ناکارآمدی این نظام در ایجاد یک زندگی انسانی و مطلوب پی برده‌اند. به همین دلیل هم به هر بهانه‌ای می‌کوشند ناراضی‌تی خود را از انبوه تبعیض‌ها، نژادپرستی‌ها و فریب‌کاری‌های دولت‌مردان خود بروز دهند. به علاوه، با گسترش دامنه بیداری مسلمانان، و محرومان و مستضعفان جهان که روز به روز بر شدت آن افزوده می‌شود، به تدریج امکان حضور غرب در خاورمیانه و سایر کشورهای جهان کاهش می‌یابد و شمارش معکوس برای انزوا و در نهایت فروپاشی نظام سلطه آغاز می‌شود.

سیطره این دیکتاتوری خطرناک رها می‌شود. این تحول عظیم براساس وعده صادق پروردگار، به آزادی ملت‌ها و حاکمیت ارزش‌های معنوی و الهی منجر خواهد شد. کسانی که ممکن است پیروزی بر شبکه دیکتاتوری جهانی صهیونیست‌ها را غیرممکن بدانند، روزگاری اگر پیش‌بینی پیروزی جوانان مؤمن حزب‌الله بر ارتش رژیم صهیونیستی یا ذلت طاغوت مصر و تحولات عجیب شمال آفریقا را می‌شنیدند، باور نمی‌کردند. همچنان که استقامت، پیروزی و پیشرفت جمهوری اسلامی نیز برای برخی‌ها قابل باور نبود اما قدرت فائقه پروردگار، خود را در این پیروزی‌ها و تحولات شگفت نشان داد.

حضور هوشیارانه و استقامت ملت‌ها در میدان، زمینه‌ساز تحقق بدون تردید نصرت‌های الهی است. در پرتو تحقق وعده‌های پروردگار، صهیونیست‌ها، شیطان بزرگ آمریکا و قدرت‌های غربی امروز در مقابل بیداری اسلامی احساس ناتوانی می‌کنند و این احساس ضعف و شکست هر روز بیشتر خواهد شد. تحولات کشورهای اسلامی «آغاز راه نجات و سعادت» است. مهم این است که پیروزی‌های به دست آمده را پایان راه ندانیم و با ادامه مجاهدت، تکیه بر عزم و اراده ملت‌ها و اتکا و حسن ظن به خدای قادر متعال، مبارزه با زورگویان جهانی و عوامل آنها را ادامه دهیم.

مستبدان جهانی می‌کوشند دو باور غلط را به افکار عمومی ملت‌های مسلمانان تلقین کنند: ۱. ملت‌های مسلمان ناتوان‌اند؛ ۲. قدرت‌های جهانی را نمی‌توان شکست داد. حدود دو قرن است که ملت‌های مسلمان را عقب نگه داشته‌اند اما امت اسلامی امروز بیدار شده و درک کرده است که هر دو تصور فوق‌صده‌صده غلط هستند. ملت‌های مسلمان قادرند مجد و عظمت تمدن اسلامی را بار دیگر احیا کنند. ایجاد اختلاف میان امت اسلامی از جمله مکابده دشمنان است. نهضت بیداری اسلامی، شیعه و سنی نمی‌شناسد. پیروان همه مذاهب اسلامی، با وحدت و همدلی در میدان مبارزه حضور دارند. ملت‌های مسلمان با یکدیگر تمایزاتی نیز دارند و با توجه به تفاوت‌های جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی، هیچ‌الگوی واحدی برای همه کشورهای اسلامی وجود ندارد اما مهم این است که همه با سیطره شیطانی صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها مخالف‌اند و وجود غده سرطانی اسرائیلی را بر نمی‌تابند. هر جا فعالیت یا طرحی به نفع اسرائیل و آمریکا است، باید هوشیارانه با آن برخورد کنیم و آن را حرکتی بیگانه و مخالف منافع ملت‌ها بدانیم. همچنین هر جا حرکتی اسلامی، ضد صهیونیستی، ضد استکباری، ضد استبدادی و ضد فساد هست، همه ملت‌های مسلمان در تأیید و تقویت آن، همراه و همدل خواهند بود.

اکنون سؤال این است که: چطور در مصر، قانون اساسی



براساس گزارش‌ها، بیش از ۹۰ درصد از این افراد در انتخابات شرکت کردند تا ۲۱۷ عضو مجلس مؤسسان را انتخاب کنند. این نامزدها از طیف‌های مختلف بودند؛ از لیبرال‌ها گرفته تا احزاب افراطی و گروه‌هایی با ریشه‌های مارکسیستی و سوسیالیستی، اما حزب اسلام‌گرای «النهضة» بیشترین رأی را به خود اختصاص داد.

نهضت بیداری اسلامی، شیعه و سنی نمی‌شناسد

قیام مسلمانان چند کشور اسلامی بر ضد دیکتاتوری‌های وابسته، پدیده‌ای بسیار مبارک و بسیار مهم و مقدمه قیام علیه «دیکتاتوری جهانی شبکه فاسد و خبیث صهیونیستی و استکباری» است. در آفاق روشن این حرکت مبارک، امت اسلامی به حول و قوه الهی بار دیگر در اوج عزت، استقلال و اقتدار قرار خواهد گرفت. مقام معظم رهبری جوانان کشورهای اسلامی را حاملان بشارت‌های بزرگ برای آینده امت اسلامی می‌دانند. بیداری جوانان سراسر جهان اسلام، امید به بیداری عمومی ملت‌های مسلمان را افزایش می‌دهد. تاریخ بشر بر سر یک پیچ بزرگ تاریخی و در آستانه تحولی عظیم است. بشریت از همه مکاتب و ایدئولوژی‌های مادی، اعم از مارکسیسم، لیبرال دموکراسی و ناسیونالیسم سکولار عبور کرده و در آغاز دوران جدیدی است که بزرگ‌ترین نشانه آن، توجه ملت‌ها به خدای متعال، استمداد آنها از قدرت لایزال الهی و اتکای ملت‌ها به وحی است.

تسلط شبکه دیکتاتوری پیچیده، خطرناک، فاسد و شیطانی صهیونیست‌ها و قدرت‌های استکباری و قیام ملت‌های منطقه علیه دیکتاتورهای وابسته، جزئی از مبارزه بشریت با دیکتاتوری جهانی صهیونیست‌هاست. بی‌شک جامعه بشری با پشت سر گذاشتن پیچ بزرگ تاریخی، از

مستبدان جهانی می‌کوشند دو باور غلط را به افکار عمومی ملت‌های مسلمان تلقین کنند:

۱. ملت‌های مسلمان ناتوان‌اند؛
۲. قدرت‌های جهانی را نمی‌توان شکست داد

نتیجه

در بیداری اسلامی در منطقه، غربی‌ها می‌خواهند طرفداران خود را به قدرت برسانند و این یکی از انحرافات است که بیداری اسلامی در منطقه را تهدید می‌کند. یعنی غربی‌ها می‌خواهند حکومت‌های ضعیف یا کشورهایی بدون حکومت درست کنند. در این برهه تاریخی، پیروزی قیام مسلمانان منطقه مهم است اما مهم‌تر از آن، مراقبت از دستاوردهاست و این سخت‌تر از پیروزی در انقلاب‌های منطقه است. تکلیف مسلمانان این است که نگذارند سلسله مقاومت در برابر صهیونیست‌ها از هم گسیخته شود. امروز کل دنیا در کشاکش جدیدی قرار گرفته و منافع کشورهای غربی در خاورمیانه به خطر افتاده است. آنها هم دست به دست هم داده‌اند تا جلوی این سیل خروشان را بگیرند. در مقابل، کشورهایمانند روسیه و چین نیز اهداف غربی‌ها را فهمیده‌اند و در مقابل آنها ایستاده‌اند. هر قدر پیش برویم کار مشکل‌تر خواهد شد و ما باید پایداری بیشتری از خود نشان دهیم. در طول ۲۰۰ سال اخیر دو حرکت و جریان در مقابل هم قرار گرفته‌اند: حرکت اول، جبهه استکبار و استعمار است که تلاش دارد بر جهان اسلام مسلط شود و حرکت دوم، فعالیت‌های رهبران و نخبگان دینی در جهان اسلام در راستای بیداری اسلامی است.

تاکنون استکبار توطئه‌های زیادی برای رسیدن به اهداف خود داشته که از جمله آنها تلاش برای تجزیه کشورهای اسلامی و تبدیل آنها به کشورهایی کوچک است. مذهب‌سازی، رهبرسازی، ایجاد جنگ‌های مذهبی و تأسیس رژیم صهیونیستی از دیگر فعالیت‌های جبهه استکبار بوده است. در تقابل این دو جریان در دو قرن اخیر، در ۱۵۰ سال اول جبهه استکبار موفقیت‌های زیادی به دست آورد و نهضت مقابله اندیشمندان اسلامی با آنها توفیق چندانی نداشت. از علل ناکارآمدی بیداری اسلامی، عدم درک درست از اسلام، قدرت اطلاعاتی و نظامی بولک غرب، یأس و ناامیدی در جهان اسلام، و وجود رهبران دست‌نشانده اشاره کرد.

حضرت امام خمینی (ره) با طرح نظریه ولایت فقیه و فعالیت سایر علما و بزرگان علیه جبهه استکبار، طغیان کرد و اسلام را فراتر از یک دین شخصی، به عنوان «آیین‌نامه حکومت» به بشر ارائه داد. از اینجا بود که غربی‌ها در مقابل این نظریه احساس خطر کردند. تئوری‌های دهکده جهانی، پایان تاریخ و جنگ تمدن‌ها برای مقابله با این طرح ارائه شدند.

※ منابع در دفتر مجله محفوظ است.

را شورای نظامی تدوین کرد اما در تونس برای تدوین قانون اساسی، انتخابات مجلس مؤسسان برگزار شده است؟» این موضوع به تفاوت میان جوامع و نظام‌های سیاسی مصر و تونس برمی‌گردد. ساختار سیاسی و ژئوپلیتیک مصر و تونس متفاوت است. نظامیان آن قدر که در مصر قدرت دارند، در تونس قدرتمند نیستند.

به خاطر موقعیت جغرافیایی و سیاسی و جنگ‌هایی که مصر با اسرائیل داشته است، نظامیان همیشه در ساختار سیاسی این کشور حضور خواهند داشت. به همین دلیل حتی بعد از حذف مبارک از نظام سیاسی مصر، در این کشور شورای نظامیان به قدرت رسید و خودشان هم قانون اساسی را نوشتند. از طرف دیگر، بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند که تحولات اخیر منطقه و انقلاب‌های عربی به این دلیل از تونس شروع شد که این کشور می‌تواند به الگویی برای کشورهای دیگر تبدیل شود. نخستین انتخابات بیداری اسلامی هم در تونس برگزار شد اما پیروزی حزب «النهضة» در انتخابات تونس چه تأثیری بر منطقه و بر کشورهای درگیر بیداری اسلامی می‌گذارد؟ آقای راشد الغنوشی، رهبر حزب النهضة چند ماهی است که در مصاحبه‌هایش اعلام و تأکید می‌کند که اسلام مورد نظر او، اسلام طالبانی نیست؛ بلکه اسلامی مبتنی بر دموکراسی خواهد بود. این پیامی است به غرب و به گروه‌های مبلغ اسلام‌هراسی و جلوی تبلیغات آنها را می‌گیرد. به قدرت رسیدن این حزب در تونس، هم به نفع اسلام است و هم به نفع کشورهای اسلامی. اکنون هم دین اسلام و هم کشورها و گروه‌های اسلامی در منطقه تقویت شده‌اند. اسلام‌هراسان دیگر نمی‌توانند با تبلیغ روی طالبان و القاعده علیه اسلام تبلیغ کنند. و سرانجام، دلیل گرایش مردم تونس به حب النهضة چیست؟

در تونس هم مانند کشورهای دیگری که در ماه‌های گذشته شاهد انقلاب بودند، گروه‌های اسلام‌گرا سال‌ها سرکوب شدند و فعالیت آنها ممنوع بود. این گروه‌ها سال‌ها با حکومت‌های حاکم مبارزه کرده‌اند و بر احیای هویت مردم منطقه، که هویتی اسلامی است، تأکید ورزیده‌اند. همان‌طور که در انتخابات تونس شاهد بودیم، گروه‌ها و احزاب گوناگون با گرایش‌های مختلف حضور داشتند اما مردم به حزب اسلام‌گرا رأی دادند. اکنون مردم منطقه بر این باورند که هویت و نیازشان را اسلام‌گرایان تأمین می‌کنند. البته در تونس حرف‌های معتدل آقای غنوشی هم بی‌تأثیر نبوده است. وی از همان ابتدای ورود به تونس، بارها اسلام طالبانی را محکوم و بر اعتدال تأکید کرده است. او بر دموکراسی و رفاه عمومی هم تأکید دارد و در این باره به مردم اطمینان داده است. غنوشی مدل حکومتی مورد نظر حزبش را به خوبی برای مردم تشریح کرده است.

پیش‌تر در میان کتاب‌های درسی مدارس امارات، خطاهای نوشتاری و حتی مفهومی به شکل‌های متفاوت موج می‌زد. حتی بعضی از این کتاب‌ها حاوی اطلاعاتی بسیار قدیمی بودند. بخشی از خطاهای موجود در این کتاب‌ها هم به ترجمه‌های غیرصحیحی بازمی‌گشت که عمدتاً حاصل کار مترجمان مؤسسات ترجمه خصوصی بود. برای اشاره به معضلی که شاید نمونه‌هایی از آن همچنان در کتاب‌های درسی امارات موجود باشد، ذکر مثالی خالی از لطف نیست. در یکی از این کتاب‌های درسی، از **شیخ زاید**، بنیان‌گذار کشور امارات متحده عربی در حالی سخن به میان می‌آید که از تاریخ مرگ این شخصیت مهم و اثرگذار در کشور امارات هفت سال گذشته است، ولی در متن کتاب به این حقیقت که شیخ زاید در قید حیات نیست، هیچ اشاره‌ای نشده است. همین خطاهای فاحش، یکی از روزنامه‌های محلی امارات را به نگارش نقدی علیه آموزش و پرورش این کشور وا داشت. نویسنده این روزنامه در بخشی از نوشتار خود پیرامون خطاهای موجود در کتاب‌های درسی امارات نوشت: «نشر مطالب قدیمی، نادرست و بنجل در کتاب‌های درسی مدارس امارات قابل قبول نیست. حتی اگر وزارت آموزش و پرورش همچنان بعد از ۴۰ سال فاقد مهارت‌های لازم برای تولید مطالب آموزشی با کیفیت باشد، کوتاهی‌اش در به روز رسانی حقایق موجود در کتاب‌ها باز هم قابل توجیه نیست. از زبان معلمانی که در مدارس خصوصی و دولتی امارات مشغول به کارند، بارها شنیده‌ام که برای آموزش دانش‌آموزان خود، سال‌ها به دنبال منابع درسی بهتر و کامل‌تر می‌گشته‌اند. اگر این کتاب - اشاره نویسنده به کتابی است که در آن به مرگ شیخ زاید اشاره‌ای نشده بود - نمونه‌ای از کتاب‌های درسی تجویز شده از سوی آموزش و پرورش باشد، آن‌گاه بروز معضل فقر اطلاعاتی دانش‌آموزان اماراتی نسبت به کشورشان چندان هم عجیب نیست.»

آیا نظام آموزشی K-12 نظیر این مشکلات و نواقص موجود در نظام آموزشی امارات متحده عربی را برطرف کرده است یا خواهد کرد؟

براساس گزارش سایت اینترنتی سفارت امارات متحده عربی، آموزش همواره یکی از دغدغه‌های اولیه امارات متحده عربی بوده است. به گفته شیخ زاید بن سلطان آل نهيان، امیر پیشین و بنیان‌گذار کشور تازه‌پای امارات: «سرمایه‌گذاری در زمینه پرورش نسلی تحصیل کرده و آموزش دیده، بهترین بهره‌وری از ثروت است.»

آموزش و پرورش امارات متحده عربی در آموزش مردان و زنان این کشور اهتمام ویژه‌ای دارد. آمارهای سال ۱۹۷۵ نشان می‌دهند که قریب ۵۴ درصد از مردان و نیز ۳۱ درصد از زنان اماراتی با سوادند. امروزه گفته می‌شود که نرخ سوادآموزی در هر دو جنس قریب ۹۰ درصد است؛ رشدی که شاید بتوان آن را مدیون

اشاره

آشنایی با نظام‌های آموزشی کشور جهان و شیوه‌های حاکم بر تدریس و مدیریت آموزشی از جمله مواردی است که می‌تواند دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و از جمله معلمان عزیز را یاری رساند. رشد آموزش علوم اجتماعی درصدد است تا این مسیر را باز کرده و بتواند با ترجمه و تألیف متون مورد نیاز این خدمت را نیز ارائه کند.

کلیدواژه‌ها: سیستم K-12، یادگیری و تعامل، پرورش نسلی

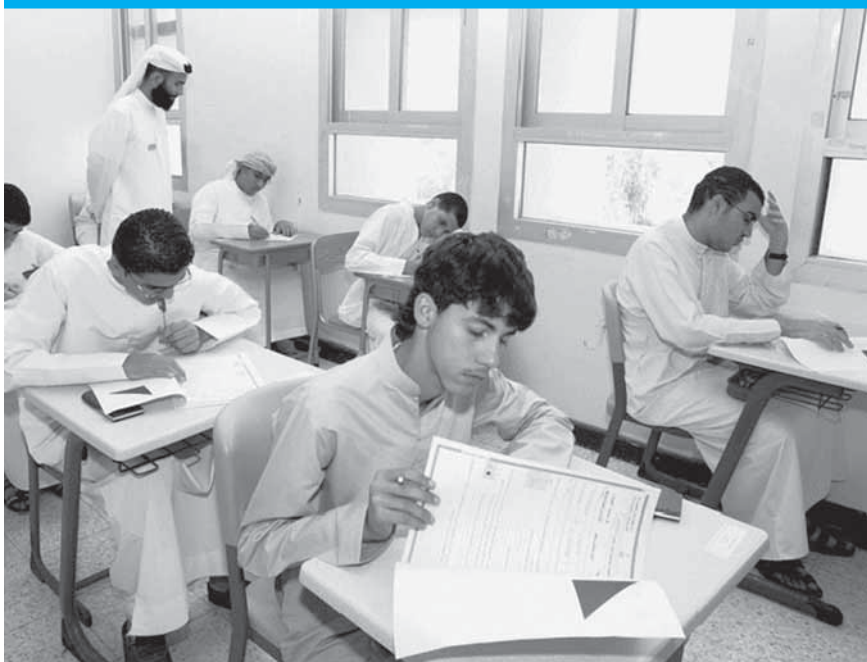
نظام آموزش و پرورش کشور امارات متحده عربی به نسبت سن کم این کشور کوچک نظام تقریباً جدیدی است، کشوری که چهره‌اش در سال‌های اخیر با تأثیرپذیری از الگوهای معماری غرب دگرگون شده و به آینه تمام‌نمای معماری غربی و اروپایی تبدیل شده است. در بخش علمی نیز سعی در تقلید و الگوپذیری از شیوه‌های رایج در غرب دارد. در حالی که تاریخ استقلال امارات متحده عربی به سال ۱۹۷۱ بازمی‌گردد، اماراتی‌ها اصلاح نظام آموزشی خود را به دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ منتسب می‌دانند؛ طرحتی که گفته می‌شود نظام آموزش و پرورش این کشور کوچک ساحلی را بر مدل جهانی منطبق کرده است و بیش از هر چیز بر آماده‌سازی بهتر دانش‌آموزان، مسئولیت‌پذیری بیشتر، ارتقای سطح استانداردهای کیفی و نیز حرفه‌ای‌گرایی تأکید و تمرکز دارد.

نظام «K-12» عنوان برنامه و طرحتی است که در سطح مدارس امارات متحده عربی در حال اجراست. علاوه بر این، مسئولان امارات نگاه ویژه‌ای به اجرای برخی اصلاحات آموزشی دارند. سیستم K-12 چیست و چگونه عمل می‌کند؟ آیا به خاطر اجرای این سیستم و نیز انجام اصلاحات آموزشی در سطح مدارس امارات، چهره علمی و فضای کسب و کار این کشور در سال‌های آینده متفاوت خواهد بود؟

ترجمه تحولات در روش

ترجمه و تألیف: الناز خمایی زاده

از K-12 تا اصلاح نظام آموزشی امارات



الگوپذیری نظام آموزشی امارات از یک مدل جهانی دانست. در حال حاضر سطوح متفاوت نظام آموزشی امارات طرح‌های آموزشی و ابتکارات جدیدی را پشت سر می‌گذارند. از جمله نقاط عطف این طرح‌ها، طرح تحصیل از مرحله K تا کلاس ۱۲ است؛ طرحی که به «K-۱۲» موسوم است. مسئولان آموزش و پرورش امارات از طریق این طرح اطمینان حاصل می‌کنند که دانش‌آموزان اماراتی برای حضور در دانشگاه‌های سراسر جهان آمادگی کامل دارند و توانایی رقابت در بازار جهانی را کسب کرده‌اند. از سوی دیگر، برخی از بهترین دانشگاه‌های جهان در حال برنامه‌ریزی در امارات متحده عربی هستند و در طرح‌های خود، دانش‌آموزان با استعداد جهان عرب و سایر کشورهای جهان را شناسایی و جذب می‌کنند.

نگاهی به نظام آموزشی K-۱۲

مراد از نظام «K-۱۲» این است که دانش‌آموزان اماراتی تحصیل خود را از مرحله K (مخفف Kindergarten) یا «مهد کودک» آغاز می‌کنند و تا کلاس دوازدهم پیش می‌روند. در واقع K-۱۲ اصطلاحی است که برای مجموع پایه‌های تحصیلی اول ابتدایی تا پایان متوسطه به کار می‌رود. منظور از K و ۱۲، اولین و آخرین مرحله تحصیلی در دوره‌های آموزشی امارات است. این نظام هم‌اکنون در کشورهایی چون ایالات متحده آمریکا، کانادا و استرالیا اجرا می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، نظام آموزش و پرورش کشور امارات متحده عربی، نظامی تقریباً جدید است. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بود که یک برنامه آموزشی جدید در نظام آموزشی امارات به اجرا گذاشته شد. امروز بر پایه این نظام جدید، آموزش سطوح ابتدایی و متوسطه امارات بر پایه مدل جهانی است.

در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۷ تقریباً ۶۵۰ هزار دانش‌آموز در ۱۲۵۶ مدرسه دولتی و خصوصی امارات ثبت‌نام کردند. از این تعداد ۶۰ درصد از دانش‌آموزان وارد مدارس دولتی شدند؛ مدارسی که دولت از نظر مالی آنها را تأمین می‌کند. برنامه‌های آموزشی مدارس دولتی به شکلی طراحی می‌شوند که با ارزش‌ها و اهداف توسعه امارات متحده عربی هم‌خوانی و مطابقت داشته باشند. زبان آموزشی در مدارس دولتی امارات عربی است. البته زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم نیز مورد تأکید نظام آموزشی این کشور قرار دارد. علاوه بر مدارس دولتی، مدارس خصوصی امارات نیز از دانش‌آموزان استقبال می‌کند. مدارس خصوصی عمدتاً در سطوح بین‌المللی نیز از اعتبار بسیاری برخوردارند. دانش‌آموزان اماراتی می‌توانند به صورت رایگان در مدارس

دولتی این کشور ثبت‌نام کنند اما برای ثبت‌نام در مدارس خصوصی و غیرانتفاعی این کشور باید هزینه آن را بپردازند که برحسب مورد متفاوت است.

در برنامه اصلاحی نظام آموزش و پرورش امارات، شکل‌های تعاملی‌تر در نحوه یادگیری، جای‌گزین شکل‌های سابق آموزشی شده‌اند. به علاوه، آموزش زبان انگلیسی با سایر درس‌ها اعم از ریاضی و علوم ادغام شده است. با تکیه بر این برنامه اصلاحی، آموزش سطوح ابتدایی و متوسطه تا پیش از کلاس نهم در امارات اجباری است. این مدل جهانی شامل فرایندی چهار مرحله‌ای است که ۱۴ سال طول می‌کشد. به عبارت دیگر، یک دوره آموزشی ۱۴ ساله را به این ترتیب در بر می‌گیرد:

۱. از چهار تا پنج سالگی: حضور در مهدکودک؛

۲. از ۶ تا ۱۱ سالگی: دوره ابتدایی؛

۳. از ۱۲ تا ۱۴ سالگی: مرحله مقدماتی؛

۴. از ۱۵ تا ۱۷ سالگی: دوره متوسطه.

حدود ۴۰ درصد از دانش‌آموزان کشور امارات در مدارس غیرانتفاعی این کشور مشغول به تحصیل هستند. در برخی از این مدارس آموزش زبان خارجی به روش‌های رایج در جوامع خارجی سمت و سو پیدا می‌کند. در واقع این مدارس با تأکید بر اصل حفظ فرهنگ خودی، برنامه‌های درسی دانش‌آموزان کشورهای مقصد را دنبال می‌کنند.

وزارت آموزش و پرورش امارات متحده عربی به صورت مستمر به راهبردهای آموزشی خود نظارت دقیق دارد تا اطمینان حاصل کند که برنامه‌های آموزشی در سطح مدارس این کشور با استانداردهای جهانی، به ویژه فناوری‌های پیشرفته اطلاعات روز، مطابقت کامل دارند. برای

در برنامه اصلاحی نظام آموزش و پرورش امارات، شکل‌های تعاملی‌تر در نحوه یادگیری، جای‌گزین شکل‌های سابق آموزشی شده‌اند. به علاوه، آموزش زبان انگلیسی با سایر درس‌ها اعم از ریاضی و علوم ادغام شده است. با تکیه بر این برنامه اصلاحی، آموزش سطوح ابتدایی و متوسطه تا پیش از کلاس نهم در امارات اجباری است

گذاشت تا این نهاد آموزش را در سرتاسر امارات توسعه دهد. کنگره مذکور با رویکرد توسعه کارآفرینی، نگاه ویژه‌ای به بخش‌های خصوصی دارد و در عین حال می‌کوشد، در جهت توسعه و نوسازی امکانات، کاهش بوروکراسی و به روزرسانی برنامه‌های درسی، فناوری اطلاعات را در نظام آموزشی این کشور به کار گیرد. کنگره آموزش و پرورش ابوظبی، در جهت توسعه مهارت‌های زبان انگلیسی دانش‌آموزان دوره ابتدایی در چهار الگوی خود در سطح مدارس، از «دانشگاه زاید امارات» درخواست هم‌فکری و مساعدت کرد. بر این اساس مقرر شد که ۳۰ تن از اعضای هیئت علمی این دانشگاه بر آموزش و پرورش دانش‌آموزان کلاس اول و چهارم ابتدایی این مدارس نظارت داشته باشند، روش‌های آموزشی زبان انگلیسی در این مدارس را بررسی و ارزیابی کنند و در نهایت برنامه‌های پیشرفته دانشگاهی را طراحی کنند تا در مراحل بعدی، این ابتکار در مدارس سرتاسر کشور امارات به اجرا گذاشته شود.

شورای آموزش و پرورش دوبی در صدد دستیابی به استانداردهای جهانی و تمرکز بر برنامه‌های جامع تضمین کیفیت است. در این راستا آخرین اقدام آن؛ طراحی ابتکاری برای جذب مدارس بین‌المللی دوره‌های ابتدایی و متوسطه به دوبی و تأسیس شعبات آنها در این کشور بوده است. وزارت آموزش و پرورش امارات با تمرکز بر آموزش و پرورش مبتنی بر استانداردهای دانش‌آموز محوری، اصلاحات صورت گرفته در این نظام را توسعه می‌دهد و در عین حال بر آن نظارت می‌کند. فعالیت‌های این وزارتخانه با همراهی «انجمن ملی مدیران مدارس ابتدایی ایالات متحده آمریکا» شامل موارد زیر می‌شود:

- نظارت بر تمام مدارس دولتی امارات؛
- بررسی و ارزیابی نظام از سطح مدارس تا خود وزارتخانه؛

- آموزش حرفه‌ای و مداوم معلمان و مدیران مدارس. امارات کشوری مملو از دانشگاه‌های دولتی و خصوصی است. شهروندان اماراتی می‌توانند به صورت رایگان در مؤسسات دولتی این کشور تحصیل کنند. از این حیث، درصد حضور و مشارکت تحصیلی در امارات بسیار بالاست. گفته می‌شود که ۹۵ درصد از دختران و ۸۰ درصد از پسران اماراتی برای ورود به مؤسسات آموزش عالی این کشور در سال آخر دوره متوسطه ثبت‌نام کرده‌اند.

دولت امارات متحده عربی با اطلاع از نیاز دانش‌آموزان اماراتی به برخورداری از حمایت‌های خاص، در این راستا نیز اقدام کرده است. امارات پروتکل اختیاری کنوانسیون



مثال، یکی از اهداف وزارت آموزش و پرورش امارات این است که به هر ۱۰ کودک در سطح مهدها، هر ۵ دانش‌آموز در سطح مدارس ابتدایی و هر دو دانش‌آموز در سطح مدارس مقدماتی یک سیستم رایانه اختصاص دهد.

اینکه آموزش بر پایه فناوری اطلاعات به یکی از اولویت‌های اصلی نظام آموزشی امارات تبدیل شده است، ریشه در موفقیت «طرح آموزشی فناوری اطلاعات» (ITEP) شیخ محمد بن راشد دارد؛ طرحی که از سال ۲۰۰۰ به اجرا درآمده است. در این طرح، علاوه بر تأسیس لابراتوارهای کامپیوتر در سطح تمام مدارس الگو و نیز ایجاد و پی‌گیری یک برنامه آموزشی جامع در این مدارس، یک منبع ارزشمند آموزشی آنلاین نیز از طریق سایت «www.itep.ae» راه‌اندازی شد. اکنون ITEP دوره‌های آموزشی خود را در سطح ۴۰ دبیرستان کشور امارات برگزار می‌کند (۲۰ دبیرستان در دوبی و ۲۰ دبیرستان در ابوظبی) و بیش از ۱۳ هزار دانش‌آموز هر ساله این دوره آموزشی را با موفقیت پشت‌سر می‌گذارند. دولت امارات متحده عربی در جهت تعالی آموزشی این کشور، برای تمام شهروندان خود از سطح مدرسه تا دانشگاه امکان تحصیل رایگان فراهم آورده است.

طرح اصلاح نظام آموزشی امارات و نیز اجرای مدل جهانی آموزشی در سطح مدارس این کشور برنامه‌ای نیست که تنها به همت و پشتوانه یک نهاد عملی شود. «کنگره آموزش و پرورش ابوظبی» (ADEC) در کنار «کنگره آموزش و پرورش دوبی» (DEC) و نیز وزارت آموزش و پرورش امارات متحده عربی، هم‌چنان که در قبال حفظ سنت‌های بومی، اصول و هویت فرهنگی امارات مسئولیت دارند، هر یک در جهت اصلاح نظام آموزشی امارات نیز نقش خود را ایفا می‌کنند.

بن زاید، کنگره آموزش و پرورش ابوظبی را در سال ۲۰۰۵ بنیان

«سازمان ملل متحد» را در زمینه حقوق معلولین و نیز قانون فدرال ۲۹/۲۰۰۶ در خصوص تضمین دادرسی حقوقی معلولان را به امضا رسانده است. هم‌اکنون مراکز فنی و حرفه‌ای و نیز مراکز توانبخشی در سرتاسر امارات دایر شده و توسعه پیدا کرده‌اند. علاوه بر این، نظام آموزش و پرورش امارات در صدد آن است که دانش‌آموزان خاص یا معلول را وارد جریان اصلی نظام آموزشی خود کند.

از سوی دیگر، کارشناسان اماراتی معتقد هستند که آموزش کیفی کلید موفقیت‌های مداوم امارات متحده عربی است. اماراتی‌ها باید مهارت‌هایی را کسب کنند تا بتوانند با استفاده از آنها در سطح این کشور کوچک عربی و حتی سطح جهان به رقابت بپردازند.

براساس گزارش روزنامه «گلف نیوز»، امارات متحده عربی تا رسیدن به اهداف بزرگ و بلندپروازانه خود راه درازی در پیش دارد؛ اهدافی که رسیدن به آنها نیازمند اجماع تمام استعداد‌های انسانی این کشور است. مسئولان امارات باید بپذیرند که جمعیت اندک کشورشان کلید توسعه این کشور است. حتی اگر همواره برای کارآفرینان خارج از کشور امارات فضا برای کار در داخل این کشور وجود داشته باشد، اقتصاد امارات نمی‌تواند تا ابد بر نیروی کار خارجی و مهارت‌های وارداتی تکیه کند. رهبران امارات به شدت در تلاش هستند طرز تفکر خاصی را که در ذهن مردم این کشور ریشه دوانده است، تغییر دهند. این طرز تفکر جامعه امارات را یک جامعه «رانتی» می‌بیند که می‌توانند با بهره‌وری از ثروت نفت تا ابد در آسایش زندگی کنند. کشور امارات به مهارت‌های گوناگون مردم کشورش نیاز دارد.

از سوی دیگر، جمعیت جوان این کشور که روز به روز افزایش می‌یابد، به زودی وارد بازار کار می‌شود و در جست‌وجوی شغلی مناسب، همه فضاهای کسب و کار را زیر پا می‌گذارد. هم‌اکنون طیف گسترده‌ای از شهروندان اماراتی در بخش دولتی مشغول به کار هستند و به همین خاطر، نسل بعدی اماراتی‌ها ناگزیر از زیر و رو کردن بازار مشاغل بخش خصوصی برای یافتن شغل آتی خود خواهد بود. یعنی، نسل بعدی امارات باید برای پیدا کردن شغلی مناسب به بازار کاری بسیار رقابتی‌تر از گذشته وارد شود و در این راه باید مهارت‌های منحصر به فرد و نیز اخلاق‌مداری خاصی را در محیط کار از خود به نمایش بگذارد تا بتواند در آینده کاری خود رشد کند و با ترفیع درجه شغلی مواجه شود.

دولت امارات متحده عربی، آموزش کیفی را در سطوح منطقه‌ای و فدرالی به اجرا گذاشته است. برای مثال، حدود دو سال پیش بود که شیخ حمدان بن زاید النهمیان، نماینده

ناحیه غربی امارات، خواستار بهبود کیفی در آموزش و پرورش و زیرساخت‌های مدارس این ناحیه شد. این در حالی است که تا پیش از آن ناحیه غربی امارات هرگز با مشکل کمبود مدرسه در این منطقه مواجه نبود اما کمبود زیرساخت برنامه‌های آموزشی مدرسه و معلم در این منطقه احساس می‌شد. در واقع دولت امارات در تلاش است که نظام آموزشی کشور را اصلاح کند. برنامه‌های درسی قدیم امارات بیش از اندازه بر یادگیری خشک و انتزاعی متمرکز هستند و نمی‌تواند در دست‌یابی به ظرفیت‌های واقعی فردی به مردم امارات کمک کنند.

شاه‌کلید اصلاح آموزشی در امارات این است که به هر نحو ممکن از تعریف آموزش به عنوان یادگیری ساده حقایق تکراری اجتناب شود. بیان این هدف آسان است اما برخلاف انتظار، انتقال این مفهوم به مدارس امارات چندان هم آسان نیست. برنامه «آل‌قد» از جمله طرح‌های آموزشی در راستای این هدف است که در برخی مدارس امارات اجرا می‌شود. این برنامه به معلمان روش‌های جدیدی را ارائه می‌دهد که بر پایه تشویق دانش‌آموز به یادگیری مستقل طراحی شده‌اند. هدف مهم دیگر برنامه مذکور تشویق پژوهش در سطوح دانشگاهی است. پژوهش برای رفاه و سلامتی نظام آموزشی کشور و نیز توانایی‌سازمانی آن برای اجرای طرح‌های از پیش برنامه‌ریزی شده، ضروری است؛ به ویژه که بخشی از پژوهش با فناوری‌های آینده پیوند خورده است.

علاوه بر این، دولت امارات بخش‌های خصوصی فعال در زمینه آموزش را، به فعالیت زیر نظر «کمیسیون آموزشی» کشور تشویق می‌کند. رشد و جهانی‌سازی آموزش و پرورش در کشور امارات، به رشد چشم‌گیری در کمیّت و کیفیت عملکرد بخش خصوصی فعال در زمینه آموزش و نیز ورود مؤسسات آموزشی بین‌المللی به این کشور منجر شده است؛ مؤسساتی که هر یک در پیچه‌ای از ایدئولوژی‌ها و روش‌های آموزشی غرب را به روی امارات می‌گشایند. هنوز مشخص نیست که الگوپذیری اماراتی‌ها از روش‌های آموزشی رایج در غرب و اجرای مدل‌هایی در نظام آموزشی این کشور که پیش‌تر در کشورهای دیگر با موفقیت به اجرا در آمده‌اند، برای آینده علمی امارات تا چه حد مثمر خواهد بود و برای دیدن نتایج آن باید به سال‌های آینده چشم دوخت.

رویکرد علوم اجتماعی در سند تحول بنیادین

فاطمه شهرزاد بخشایش
کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

مقدمه

دوران نوین در جهان آن‌چنان با شتاب به سمت پیشرفت، تغییر و تحول در عرصه‌های گوناگون در حرکت است که زندگی انسان‌ها و مناسبات بین آنها را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده است. یکی از بنیادی‌ترین اقدامات دولت‌های جهان در هم‌گامی با پیشرفت و توسعه جهانی، تغییر نگرش به آموزش کشور در سطوح متفاوت و تربیت نسلی جدید و نواندیش برای جامعه است. امروزه تربیت نیروی انسانی توانمند و مؤثر با مختصات و بستر خاص فرهنگی و اجتماعی و هنجارها و ارزش‌های حاکم بر هر جامعه‌ای، از زیرساخت‌های مهم توسعه و پیشرفت محسوب می‌شود.

نظام آموزش کشور ما نیز برای هماهنگی با این دگرگونی‌ها و مواجهه با چالش‌های برآمده از آنها نیازمند نوآوری، تغییر و تحول است. نظام آموزش در تکیه برای ایفای نقش مؤثر و اجرای مأموریت‌های کلیدی خود، باید الگوهای جدید را جای‌گزین الگوهایی کند که تجربه و برون‌دادهای نظام آموزش کنونی نشان داده است که کارایی لازم را ندارند. بهبود نظام آموزشی مستلزم تحول است و روند تحول، حداقل به دو مرحله متمایز نیاز دارد: نخست، طراحی نوآوری مناسب؛ یعنی تولید، دوم، جای‌گزین کردن نوآوری‌های تولید شده با الگوهای قدیمی؛ یعنی اشاعه.

در مرحله نخست، انطباق فنی نوآوری صورت می‌گیرد. یعنی لازم است نوآوری مطابق با دانش روز و مبتنی بر دیدگاه کارشناسان و صاحب‌نظران طراحی و تولید شود. مرحله دوم، مرحله انطباق اجتماعی نوآوری است. یعنی نوآوری باید به نحوی انتشار یابد که در بدنه نظام اجتماعی نفوذ کند و توسط کارگزاران پذیرفته و به کار گرفته شود؛ یعنی از آهنگ پذیرش برخوردار باشد. [محسنی، ۱۳۸۵: ۱۵۴].

در حال حاضر در کشور ما، مرحله اول یعنی طراحی

نوآوری صورت گرفته است. سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش پس از پنج سال (۸۹ - ۸۶) فعالیت مستمر با استفاده از منابع ارزشمندی همچون قرآن کریم، سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین، رهنمودهای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، و دیدگاه‌های بزرگان عرصه تعلیم و تربیت، در آذرماه سال ۱۳۹۰ رونمایی شد. اکنون مرحله اشاعه نوآوری است. لذا به منظور تحقق این هدف در این مقاله با نگاهی موجز به تحلیل سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش با رویکرد علوم اجتماعی می‌پردازیم.

ضرورت تحول در نظام آموزش و پرورش کشور را می‌توان از زوایای متفاوت بررسی و تحلیل کرد. یکی از مهم‌ترین دلایل تحول، ویژگی‌های آموزش و پرورش موجود و درواقع کاستی‌ها و ضعف‌های نظام کنونی است.

برخی از این ضعف‌ها عبارت‌اند از:

- عدم ابتنا بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی؛
 - کاستی در هم‌پایی با تحولات محیطی و اجتماعی؛
 - کاستی در تأمین و تربیت نیروهای مورد نیاز جامعه؛
 - عدم بهره‌گیری از تجارب موفق آموزشی و تربیتی عصر حاضر؛
 - ضعف در پاسخ‌گویی به نیازهای انقلاب اسلامی در سطح ملی و جهانی؛
 - کهنگی و عدم به روزآوری ساختارها، روندها و فرایندها؛
 - پایین بودن نرخ بهره‌وری و اثربخشی.
- نفوذ و تأثیرگذاری هر نوآوری همواره به میزان اهمیت و فرایند تولید آن بستگی دارد. آگاهی از فرایند و مراحل تهیه، تدوین و تصویب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مسیر پذیرش و آماده‌سازی بسترهای اجرایی را آسان می‌سازد. فرایند تولید این برنامه به شرح زیر است:

۱. تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر تحول در نظام

آموزشی کشور.



۵. اسناد و یافته‌های علمی و پژوهشی موجود؛
 ۶. مطالعات تطبیقی و تجربیات بشری؛
 ۷. اسناد قانونی بالادستی؛
 ۸. سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور؛
 ۹. سیاست‌های کلی تحول نظام آموزشی مصوب مجمع تشخیص مصلحت؛
 ۱۰. نقشه جامع علمی کشور.
- کلیدواژه‌ها:** سند، سند تحول، تحول بنیادین، آموزش و پرورش، رویکرد علوم اجتماعی
- محتوی بسته سند ملی آموزش و پرورش عبارت است از:
- الف) بنیان‌های نظری شامل:
۱. فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران؛
 ۲. فلسفه تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران؛
 ۳. رهنامه نظام تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران.
- ب) سند تحول راهبردی در نظام تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران
- تغییرات ساختاری و نظام‌سازی‌های خاصی که به منظور عملیاتی نمودن برنامه تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش طراحی شده‌اند به شرح زیرند:
- استقرار ساختار جدید نظام آموزش ۳+۳+۶.
 - استقرار نظام سنجش صلاحیت‌های عمومی، تخصصی و حرفه‌ای معلمان.
 - استقرار نظام ملی تربیت معلم.
 - استقرار نظام خلاقیت، نوآوری و کارآفرین.
 - استقرار نظام ارزش‌یابی و تضمین کیفیت.
 - استقرار نظام رتبه‌بندی مدارس.
 - استقرار نظام راهنمایی و مشاوره تربیتی.
 - استقرار نظام مدیریت دانش.

۲. تصویب ضرورت طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش و انتخاب مجریان و تدوین‌کنندگان.
 ۳. طراحی مدل مفهومی، انجام پروژه‌های تحقیقاتی (۷۰ مورد)، تدوین نگاشت‌های اولیه.
 ۴. تشکیل کمیته‌های مطالعاتی و کارگروه‌های پژوهشی.
 ۵. مشارکت بیش از ۵۰۰ نفر از صاحب‌نظران و کارشناسان مجرب به مدت پنج سال.
 ۶. مشارکت هزاران نفر از مدیران، معلمان، صاحب‌نظران و اندیشه‌ورزان دانشگاه و حوزه‌های علمیه و سایر مراکز علمی و پژوهشی در نقد و بررسی سند ملی.
 ۷. بررسی بسته سند ملی در ۳۵ جلسه «شورای عالی آموزش و پرورش» و تصویب آن در جلسه ۸۲۰ مورخ ۸۹/۲/۷ سند مشهد مقدس.
 ۸. ارجاع بسته مصوب سند ملی آموزش و پرورش به «شورای عالی انقلاب فرهنگی».
 ۹. نقد و بررسی سند در کمیسیون‌های شورای عالی؛ به ویژه کمیسیون حوزوی.
 ۱۰. بررسی و تصویب سند در کمیسیون تخصصی نوسازی و تحول نظام آموزشی، دی ماه ۱۳۸۹.
 ۱۱. بررسی در ۲۲ جلسه و تصویب در صحن عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۶۹۷ مورخ ۹۰/۷/۵.
 ۱۲. رونمایی از سند تحول بنیادین با حضور ریاست محترم جمهور، مورخ ۹۰/۹/۲۲.
- همچنین از منابع بسیار غنی در تدوین این برنامه استفاده شده است که عبارت‌اند از:
۱. قرآن کریم و منابع روایی و کتب معتبر مرتبط؛
 ۲. سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع)؛
 ۳. رهنمودهای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری؛
 ۴. دیدگاه‌های بزرگان عرصه تعلیم و تربیت؛



- استقرار نظام بالندگی شغلی و شایسته‌سالاری.
- استقرار نظام مکان‌یابی مدارس.

مفاد سند تحول راهبردی شامل هشت محور به این شرح است:

۱. بیانیه ارزش‌ها (۳۰ مورد)
۲. بیانیه مأموریت
۳. چشم‌انداز
۴. هدف‌های کلان (۸ مورد)
۵. راهبردهای کلان (۱۵ مورد)
۶. هدف‌های عملیاتی (۲۳ مورد)
۷. راهکارها (۱۳۱ مورد)

۸. چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش و پرورش
در ادامه به صورت اجمالی مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را بیان می‌کنیم.

فصل اول: بیانیه ارزش‌ها

گزاره‌های ارزشی مندرج در بیانیه ارزش‌ها، بایدها و نبایدهایی اساسی هستند که لازم است تمام اجزا و مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی «۱» با آنها هماهنگ باشند و همه سیاست‌گذاران و کارگزاران نظام ملتزم و پای‌بند به آنها باشند.

این ارزش‌ها براساس آموزه‌های قرآن کریم، سنت پیامبر اکرم (ص) و حضرت اهل بیت (علیهم‌السلام)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، نقشه جامع علمی کشور و سیاست‌های کلی تحول نظام آموزشی تهیه و تدوین شده است و با مبانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش (شامل فلسفه تعلیم و تربیت رسمی عمومی و رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران) سازگار و مستند به مضامین مندرج در آنهاست. گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به اختصار عبارت‌اند از:

۱. آموزه‌های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوه‌ای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه‌زهرا (سلام‌الله‌علیها) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، به ویژه امام زمان (عج).
۲. آموزه‌های بنیادین مهدویت و انتظار که رمز هویت اسلام ناب است.
۳. میراث نظری و عملی حضرت امام خمینی (ره).
۴. تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و

تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای و...

۵. زمینه‌سازی برای کسب شایستگی‌ها با تأکید بر خصوصیات مشترک اسلامی - ایرانی و انقلابی.
۶. هویت شناخت مدار و واقع‌نمایی.
۷. نقش معلم (مربی) به عنوان هدایت‌کننده و اسوه‌ای امین و بصیر.
۸. بصیرت و تعالی در زمینه‌های گوناگون عبادی، اخلاقی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی.
۹. کرامت ذاتی و اکسسابی انسان و کسب فضایل اخلاقی، از جمله ایمان، تقوا، تولی و...
۱۰. تکوین و تعالی جنبه‌های انسانی هویت دانش‌آموزان برای تقویت روابط حق محور و...
۱۱. سلامت جسمانی، نشاط و تقویت اراده.
۱۲. منزلت علم نافع، هدایت‌گر و توانمندساز.
۱۳. پرورش، ارتقا و تعمیق انواع و مراتب عقلانیت.
۱۴. ارتقای جایگاه و نقش تربیتی خانواده و مشارکت

۱۵. نقش تربیتی اماکن مذهبی، نهادهای مردمی، اجتماعی و رسانه‌ها.
۱۶. عدالت تربیتی در ابعاد کمی، همگانی و الزامی و عدالت کیفی با رعایت تفاوت‌های فردی، جنسیتی، فرهنگی و جغرافیایی.
۱۷. جایگاه و نقش تعلیم و تربیتی نهاد رسانه و فناوری‌های ارتباطی و بهره‌گیری هوشمندانه از آن.
۱۸. توجه توأمان به منافع و مصالح فردی و اجتماعی.
۱۹. صیانت از وحدت ملی و انسجام اجتماعی.
۲۰. وطن‌دوستی و افتخار به ارزش‌های اصیل و ماندگار اسلامی - ایرانی.
۲۱. تقویت گرایش به زبان و ادبیات فارسی.
۲۲. استمرار فرهنگ اسلامی - ایرانی.
۲۳. مسئولیت‌پذیری همه‌جانبه و مشارکت اجتماعی.
۲۴. روحیه کارآفرینی و کسب شایستگی‌های عام حرفه‌ای و مهارتی.
۲۵. ارج نهادن به دستاوردهای علمی.
۲۶. نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به عنوان عامل اثرگذار اجتماعی.
۲۷. مدرسه به عنوان کانون تعلیم و تربیت رسمی.
۲۸. تقویت شأن حاکمیتی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در ابعاد سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، پشتیبانی، نظارت و ارزیابی ضمن مشارکت‌پذیری و کاهش تصدی‌گری غیرضرور در بعد اجرا با رعایت اصل عدالت.

۲۹. آینده‌پژوهی و پایش تحولات مؤثر بر تعلیم و تربیت رسمی عمومی به منظور ایفای نقش فعال در مواجهه با چالش‌های پیش رو در عرصه‌های متفاوت.

۳۰. جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت‌های تعلیم و تربیت.

فصل دوم: بیانیه مأموریت

وزارت آموزش و پرورش مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرایند تعلیم و تربیت در همه ساحت‌های تعلیم و تربیت، قوام‌بخش فرهنگ عمومی و تعالی‌بخش جامعه اسلامی براساس نظام معیار اسلامی، با مشارکت خانواده، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی است. این نهاد مأموریت دارد با تأکید بر شایستگی‌های پایه، زمینه دست‌یابی دانش‌آموزان در سنین لازم‌التعلیم را طی ۱۲ پایه (چهار دوره تحصیلی سه ساله) تحصیلی به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی به صورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش فراهم سازد. انجام این مهم، در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی نقش زیرساختی خواهد داشت.

فصل سوم: چشم‌انداز

نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴، با اتکا به قدرت لایزال الهی، مبتنی بر نظام معیار اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی و قوام‌بخش آنها زمینه‌ساز جامعه جهانی عدل مهدوی، برخوردار از توانمندی‌های تربیتی ممتاز در تراز جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه الهام‌بخش و دارای تعامل سازنده و مؤثر با نظام‌های تعلیم و تربیتی در سطح جهان، توانمند در زمینه‌سازی برای شکوفایی فطرت و استعدادها و شکل‌گیری هویت یکپارچه اسلامی، انقلابی و ایرانی دانش‌آموزان با توجه به هویت اختصاصی آنان، کارآمد، اثربخش، یادگیرنده، عدالت‌محور و مشارکت‌جو، برخوردار از مربیان و مدیران مؤمن آراسته به فضائل اخلاق اسلامی، عامل به عمل صالح، تعالی‌جو و تحول‌آفرین، انقلابی، آینده‌نگر، عاقل، متعهد، امین، بصیر و حق‌شناس.

بر پایه این چشم‌انداز، مدرسه جلوه‌ای است از تحقق مراتب حیات طیبه، کانون عرضه خدمات و فرصت‌های تعلیم و تربیتی، زمینه‌ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش‌آموزان و تکوین و تعالی پیوسته هویت آنان براساس نظام معیار اسلامی، در چارچوب فلسفه و رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران که دارای ویژگی‌های زیر است:

● تجلی‌بخش فرهنگ غنی اسلامی و انقلابی در روابط و

مناسبات با خالق، جهان خلقت، خود و دیگران.

● دارای پیوند مؤثر با موضوعات و مسائل جامعه در مقیاس محلی، منطقه‌ای و ملی.

● نقش‌آفرین در انتخاب آگاهانه، عقلانی و مسئولانه.

● دارای ظرفیت پذیرش تفاوت‌های فردی و کشف و هدایت استعدادهای متنوع.

● یادگیرنده، کمال‌جو، خواستار تعالی مستمر فرصت‌های تربیتی.

● خودارزیاب، مسئول و پاسخ‌گو نسبت به نظارت و ارزیابی بیرونی.

● تأمین‌کننده نیازهای فردی و اجتماعی و محیط اخلاقی و علمی.

● برخوردار از مربیان دارای فضائل اخلاقی و شایستگی‌های حرفه‌ای.

● مبتنی بر رویکرد مدیریتی نقدپذیر و مشارکت‌جو.

● متکی بر ارکان تعلیم و تربیت و بهره‌مند از ظرفیت عوامل سهیم و مؤثر و مبتنی بر مشارکت.

● برخوردار از بهره فناوری آموزشی در سطح معیار.

● دارای ظرفیت تصمیم‌سازی برای نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.

● دارای تعامل اثربخش با مساجد و دیگر نهادها و مراکز مذهبی.

● نقطه اتکای دولت و ملت در رشد، تعالی و پیشرفت کشور و کانون تربیت محله.

● برخوردار از قدرت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در حوزه‌های عملیاتی.

فصل چهارم: هدف‌های کلان

۱. تربیت انسانی موحد، مؤمن، معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و عاقل، عدالت‌خواه و صلح‌جو.

۲. ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی و زمینه‌سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی و تکوین تمدن اسلامی - ایرانی.

۳. گسترش و تأمین همه‌جانبه عدالت آموزشی و تربیتی.

۴. برقراری نظام اثربخش و کارآمد مدیریت و مدیریت منابع انسانی.

۵. افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی به ویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.

۶. بهسازی و تحول در نظام برنامه‌ریزی آموزشی و

۱۰. ارتقای جایگاه نظام تعلیم و تربیت کشور به عنوان مهم‌ترین نهاد تربیت نیروی انسانی، مولد سرمایه اجتماعی و اعمال سیاست‌های مصوب و هدایت نظام بر آن، از پیش‌دستانی تا دانشگاه به عنوان امر حاکمیتی با توسعه مشارکت همگانی (هدف کلان ۲، ۴ و ۵).

۱۱. ارتقای معرفت و بصیرت دینی، انقلابی و سیاسی برای رشد و تعالی معنوی و اخلاقی معلمان و دانش‌آموزان و مشارکت برای ارتقای معنوی خانواده (هدف‌های کلان ۱، ۲، ۴ و ۵).

۱۲. بازنگری و بازسازی ساختارها و روبه‌ها در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (هدف‌های کلان ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷).
۱۳. توسعه مستمر شایستگی‌ها و توانمندی‌های اعتقادی، تربیتی، علمی و حرفه‌ای فرهنگیان (هدف‌های کلان ۴، ۵، ۶ و ۷).

۱۴. توسعه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های آموزشی و پرورشی برای حضور فعال و سازنده در صحنه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در راستای تحقق اهداف و مأموریت‌های مندرج در قانون اساسی و سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری و برنامه‌های پنج‌ساله (هدف‌ها ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸).
۱۵. ارتقای جایگاه علم و علم‌آموزی به عنوان عاملی مؤثر در دستیابی به حیات طیبه با تأکید بر حیثیت کاشفیت و مطلوبیت علم (هدف‌های کلان ۱، ۲، ۳، ۴ و ۸).

فصل ششم: هدف‌های عملیاتی و راهکارها

هدف‌های عملیاتی و راهکارهای ذیل آنها، لزوماً از تناظر یک به یک با هدف‌های کلان برخوردار نیستند.

از این رو، برخی هدف‌های عملیاتی و نیز راهکارهای ذیل یک هدف کلان ممکن است با هدف‌های کلان دیگری نیز مرتبط باشند. با توجه به این‌گونه ارتباط‌ها، هر راهکار برای هدفی که ذیل آن آمده است، جنبه اصلی و برای برخی هدف‌های دیگر جنبه مکمل دارد. به هنگام عملیاتی کردن احکام این سند، لازم است در تدوین برنامه‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت این‌گونه پیوستگی‌ها مورد توجه قرار گیرند.

۱. پرورش تربیت‌یافتگانی که به صورت اجمال دارای ویژگی‌های زیر باشند:

- * دین اسلام را حق می‌دانند، آن را به عنوان نظام معیار می‌شناسند و به آن باور دارند.
- * از دانش‌های پایه و عمومی سازگار با نظام معیار اسلامی و همچنین، از توان تفکر، بینش و مهارت‌ها و روحیه مواجهه علمی و خلاق با مسائل فردی، خانوادگی و اجتماعی برخوردارند.
- * دارای حداقل یک مهارت مفید برای تأمین معاش حلال هستند

درسی، مالی و اداری و زیرساخت‌های کالبدی.

۷. ارتقای اثربخشی و افزایش کارایی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.

۸. کسب موقعیت نخست تربیتی در منطقه و جهان اسلام و ارتقای فزاینده جایگاه تعلیم و تربیتی ایران در سطح جهانی.

فصل پنجم: راهبردهای کلان

۱. استقرار نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی براساس مبانی نظری و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی (تمام هدف‌های کلان).

۲. نهادینه کردن نگاه یکپارچه به فرایند تعلیم و تربیت با رویکرد تعالی‌بخشی در تمامی مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (هدف‌های کلان ۱، ۲، ۴، ۵، ۶).

۳. ابتدای فرایند طراحی، تدوین و اجرای اسناد تحول زیرنظام‌ها (شامل برنامه درسی ملی، تربیت معلم و تأمین منابع انسانی، راهبری و مدیریت، تأمین و تخصیص منابع مالی، تأمین فضا، تجهیزات و فناوری پژوهش و ارزش‌یابی) و برنامه‌های کوتاه مدت و میان‌مدت بر مبانی نظری و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و مفاد سند تحول راهبری نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (هدف‌های کلان ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶).

۴. توسعه و نهادینه کردن عدالت آموزشی و تربیتی در مناطق گوناگون کشور و تقویت آموزش و پرورش مناطق مرزی با تأکید بر توانمندسازی معلمان و دانش‌آموزان این مناطق با تمرکز بر کیفیت فرصت‌های تربیتی هماهنگ با نظام معیار اسلامی (هدف کلان ۳، ۴، ۵).

۵. تقویت و نهادینه‌سازی مشارکت اثربخش و مسئولیت‌پذیری مردم، خانواده و نهادهای اقتصادی، مدیریت شهری و روستایی و بنیادهای عام‌المنفعه در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (هدف‌های کلان ۲، ۳، ۴ و ۵).

۶. گسترش و تعمیق فرهنگ پژوهش و ارزش‌یابی، خلاقیت و نوآوری، نظریه‌پردازی و مستندسازی تجربیات علمی - تربیتی بومی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (هدف‌های کلان ۱، ۲، ۴ و ۸).

۷. بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری‌های نوین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی مبتنی بر نظام معیار اسلامی (هدف‌های کلان ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷).

۸. تعامل اثربخش و فعال نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با سایر نهادها و دستگاه‌ها مرتبط، به ویژه نهاد خانواده و رسانه با تأکید بر کاهش مرزهای تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی (هدف‌های کلان ۱، ۲، ۴، ۷).

۹. استقرار نظام مدیریت اثربخش، کارآمد، مسئولیت‌پذیر و پاسخ‌گو و بسترسازی برای استقرار نظام کارآمد منابع و مصارف در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (هدف‌های کلان ۲، ۴، ۶، ۷).



تحقق این هدف در سند تحول، چهار راهکار ارائه شده است.

۱۱. باز مهندسی سیاست‌ها و باز تنظیم اصول حاکم بر برنامه درسی تربیت معلم با تأکید بر کارورزی و انطباق سطح شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان در سطح ملی و جهانی با مقتضیات الگوی برنامه درسی در نظام تعلیم و تربیت و طراحی سیاست‌های مناسب برای ارتقای شیوه‌های جذب تربیت و نگهداشت معلمان و آموزش و پرورش (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، ۱۲ راهکار ارائه شده است).

۱۲. برقراری الگوی جبران خدمات و تأمین رفاه نیروی انسانی در خور منزلت فرهنگیان با توجه به لزوم تمام وقت شدن آنان (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، سه راهکار ارائه شده است).

۱۳. افزایش نقش شوراهای آموزش و پرورش استان، مناطق و مدارس در تقویت فعالیت‌های تربیتی استان، منطقه و مدرسه در چارچوب سیاست‌ها و برنامه‌های ملی (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، دو راهکار ارائه شده است).

۱۴. ایجاد و متناسب‌سازی فضاهای تربیتی با ویژگی‌ها و نیازهای دانش‌آموزان و اقتضات فرهنگ اسلامی - ایران و شرایط اقلیمی، فرهنگی و جغرافیایی (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، سه راهکار ارائه شده است).

۱۵. اصلاح محتوا، ارتقای جایگاه و افزایش کیفیت کارآمدی علوم انسانی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی مبتنی بر مبانی دینی در چارچوب نظام معیار اسلامی (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، شش راهکار ارائه شده است).

۱۶. تنوع‌بخشی به ارائه خدمات آموزشی و فرصت‌های تربیتی متناسب با مصالح جامعه، نیازها و علاقه‌های دانش‌آموزان در راستای شکوفایی استعدادها آنها (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، سه راهکار ارائه شده است).

۱۷. ارتقای کیفیت فرایند تعلیم و تربیت با تکیه بر استفاده هوشمندانه از فناوری‌های نوین (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، چهار راهکار ارائه شده است).

۱۸. تغییر و نوآوری در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با رویکرد تعالی‌بخش، پویا و بالنده (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، پنج راهکار ارائه شده است).

۱۹. استقرار نظام ارزش‌یابی و تضمین کیفیت در تعلیم و تربیت رسمی عمومی (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، چهار راهکار ارائه شده است).

۲۰. تأمین، تخصیص و تنوع‌بخشی به منابع مالی و مدیریت مصارف متناسب با نیازهای کمی و کیفی نظام

* با درک مفاهیم اجتماعی و سیاسی، به قانون احترام می‌گذارند و به قوانین می‌اندیشند.

* با درک مفاهیم اقتصادی، در چارچوب نظام معیار اسلامی به کار و تلاش می‌پردازند.

* مفاهیم بهداشت فردی و اجتماعی و مسائل زیست‌بوم طبیعی را درک می‌کنند.

* با قدرشناسی و درک زیباشناسانه آفرینش الهی و مصنوعات هنرمندانه بشری برای حفظ و تعالی میراث فرهنگی، تمدنی و هنری در سطح ملی و جهانی براساس نظام معیار اسلامی می‌کوشند (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، هفت راهکار ارائه شده است).

۲. تعمیق تربیت و آداب اسلامی، تقویت اعتقاد و التزام به ارزش‌های انقلاب اسلامی (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، هشت راهکار ارائه شده است).

۳. ترویج و تعمیق فرهنگ حیا، عفاف و حجاب متناسب با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، هفت راهکار ارائه شده است).

۴. تقویت بنیان خانواده و کمک به افزایش سطح توانایی‌ها و مهارت‌های خانواده در ایفای نقش تربیتی متناسب با اقتضات جامعه اسلامی (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، شش راهکار ارائه شده است).

۵. تأمین و بسط عدالت در برخورداری از فرصت‌های تعلیم و تربیت با کیفیت مناسب با توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های دختران و پسران و مناطق متفاوت کشور (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، هشت راهکار ارائه شده است).

۶. تنوع بخشی به محیط‌های یادگیری در فرایند تعلیم و تربیت رسمی عمومی (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، شش راهکار ارائه شده است).

۷. افزایش نقش مدرسه به عنوان یکی از کانون‌های پیشرفت محلی، به ویژه در ابعاد فرهنگی - اجتماعی (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، سه راهکار ارائه شده است).

۸. افزایش مشارکت نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، مدرسه، معلمان و دانش‌آموزان در رشد و تعالی کشور در عرصه‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی در سطح محلی و ملی به عنوان نهاد مولد سرمایه انسانی، فرهنگی، اجتماعی و معنوی (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، نه راهکار ارائه شده است).

۹. جلب مشارکت ارکان سهیم و مؤثر و بخش عمومی و غیردولتی در تعلیم و تربیت رسمی عمومی (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، چهار راهکار ارائه شده است).

۱۰. ارتقای منزلت اجتماعی و جایگاه حرفه‌ای منابع انسانی با تأکید بر نقش الگویی و جایگاه معلم (به منظور

تعلیم و تربیت رسمی عمومی (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، هفت راهکار ارائه شده است).

۲۱. بازنگری و بازمهندسی ساختارها، رویه‌ها و روش‌ها (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، ۱۰ راهکار ارائه شده است).

۲۲. ارتقا و بهبود مستمر کیفیت نظام کارشناسی، مدیریت و راهبری آموزشی و تربیتی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، شش راهکار ارائه شده است).

۲۳. توسعه ظرفیت پژوهش و نوآوری، نظریه‌پردازی و مستندسازی تجربیات تربیتی بومی (به منظور تحقق این هدف در سند تحول، چهار راهکار ارائه شده است).

فصل هفتم: چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول

بنیادین آموزش و پرورش

برای تحقق اهداف و برنامه‌های سند ملی آموزش و پرورش در افق چشم‌انداز، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت بر فرایند تحول بنیادین در سه سطح به شرح زیر صورت می‌پذیرد:

* سیاست‌گذاری، نظارت و ارزیابی در سطح کلان؛

* برنامه‌ریزی نظام اجرایی؛

* ترمیم و به روز رسانی سند تحول راهبردی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.

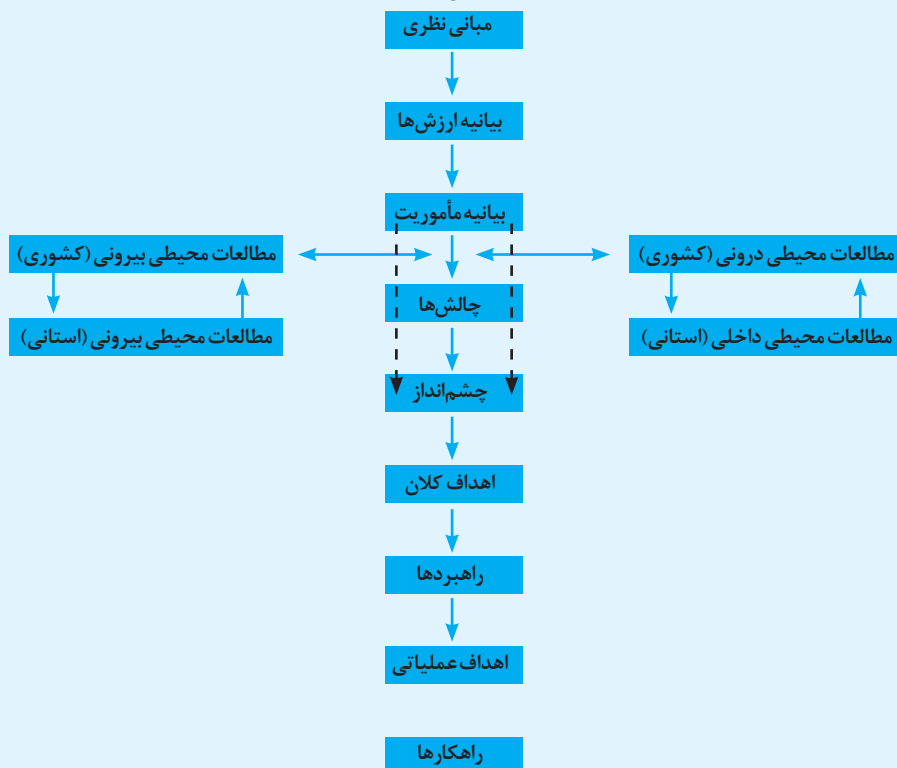
با بررسی تعریف علوم اجتماعی و شاخه‌های آن و با نگاهی به محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به وضوح می‌توان نقش و جایگاه برجسته علوم اجتماعی را در این سند ملاحظه کرد. علوم اجتماعی به گروهی از رشته‌های دانشگاهی گفته می‌شود که به مطالعه جنبه‌های انسانی جهان می‌پردازند. تفاوت علوم اجتماعی با علوم انسانی و هنر این است که در علوم اجتماعی بر به کار بستن روش‌های علمی (در معنایی که در علوم پایه به کار می‌رود) تأکید می‌شود که شامل روش‌های کمی و کیفی است. شاخه‌های علوم اجتماعی عبارت‌اند از: ۱. جمعیت‌شناسی؛ ۲. جامعه‌شناسی، ۳. مردم‌شناسی؛ ۴. علوم سیاسی؛ ۵. زبان‌شناسی؛ ۶. تاریخ اجتماعی؛ ۷. جغرافیای انسانی؛ ۸. باستان‌شناسی؛ ۹. اقتصاد؛ ۱۰. الهیات و فلسفه؛ ۱۱. مدیریت؛ ۱۲. روان‌شناسی؛ ۱۳. ارتباطات و علم.

اکنون به عنوان نمونه، نقش و جایگاه علوم اجتماعی را در موارد زیر بررسی می‌کنیم:

در گزاره‌های ارزشی: نظام تعلیم و تربیت رسمی به عنوان عامل اثرگذار اجتماعی معرفی شده است. همچنین بر مسئولیت‌پذیری همه‌جانبه، مشارکت اجتماعی و داشتن

فرایند تدوین سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی

مراحل تدوین سند تحول



الگوی مفهومی تدوین سند ملی آموزش و پرورش





روحیه جمعی به عنوان مهارت‌های مورد نیاز اجتماعی تأکید شده است. توجه توأمان به منافع و مصالح فردی و اجتماعی مدنظر قرار گرفته و به نقش تربیتی اماکن مذهبی، نهادهای مردمی، اجتماعی و رسانه‌ها اشاره شده است. به ویژه به ارتقای جایگاه و نقش تربیتی خانواده و مشارکت اثربخش آن با نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی پرداخته شده است. تکوین و تعالی جنبه‌های انسانی هویت دانش‌آموزان، بصیرت و تعالی در زمینه‌های گوناگون اجتماعی فرهنگی و زمینه‌سازی کسب شایستگی‌های اسلامی - ایرانی و انقلابی در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی، همه گزاره‌هایی هستند که نقش ویژه علوم اجتماعی را در نظام ارزشی تعلیم و تربیت نشان می‌دهند.

در هدف‌های کلان:

* ارتقای نقش خانواده در رشد و تعالی کشور؛
* تربیت انسانی موحد، مؤمن، معتقد به معاد، آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و عاقل، عدالت‌خواه و صلح‌طلب؛
* افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی به ویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.

در راهبردهای کلان:

● تعامل اثربخش و فعال نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با سایر نهادها و دستگاه‌ها مرتبط به ویژه نهاد خانواده و رسانه با تأکید بر کاهش مرزهای تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی؛
● تقویت و نهادینه‌سازی مشارکت اثربخش و مسئولیت‌پذیری مردم، خانواده و نهادهای اقتصادی، مدیریت شهری و روستایی و بنیادهای عام‌المنفعه در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی؛
● ارتقای معرفت و بصیرت دینی، انقلابی و سیاسی برای رشد و تعالی معنوی و اخلاقی معلمان و دانش‌آموزان و مشارکت برای ارتقای معنوی خانواده.

در هدف‌های عملیاتی و راهکارها:

● پرورش تربیت یافتگانی که قادر به درک مفاهیم اجتماعی و سیاسی هستند و «احترام به قانون» و اندیشه‌ورزی در قوانین از ویژگی‌های آنهاست.
با درک مفاهیم اقتصادی در چارچوب نظام معیار اسلامی، به کار و تلاش می‌پردازند.

مفاهیم بهداشت فردی و اجتماعی و مسائل زیست‌بوم طبیعی را کاملاً درک می‌کنند.

● ترویج و تعمیق فرهنگ حیا، عفاف و حجاب متناسب با قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی؛

● تقویت بنیان خانواده و کمک به افزایش سطح توانایی‌ها و مهارت‌های خانواده در ایفای نقش تربیتی متناسب با اقتضانات جامعه اسلامی؛

● تأمین و بسط عدالت در برخورداری از فرصت‌های تعلیم و تربیت با کیفیت مناسب با توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های دختران و پسران و مناطق گوناگون کشور؛

● افزایش نقش مدرسه به عنوان یکی از کانون‌های پیشرفت محلی، به ویژه در ابعاد فرهنگی و اجتماعی؛

● افزایش مشارکت نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، مدرسه، معلمان و دانش‌آموزان در رشد و تعالی کشور در

عرصه‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی در سطح محلی و ملی به عنوان نهاد مولد سرمایه انسانی، فرهنگی، اجتماعی و معنوی؛

● جلب مشارکت ارکان سهیم و مؤثر بخش عمومی و غیردولتی در تعلیم و تربیت رسمی عمومی؛

● ارتقای منزلت اجتماعی و جایگاه حرفه‌ای منابع انسانی با تأکید بر نقش الگویی و جایگاه معلم؛

● برقراری الگوی جبران خدمات و تأمین رفاه نیروی انسانی در خور منزلت فرهنگیان با توجه به لزوم تمام وقت شدن آنان.

● افزایش نقش شوراهای آموزش و پرورش استان، مناطق و مدارس در تقویت فعالیت‌های تربیتی انسان، منطقه و مدرسه در چارچوب سیاست‌ها و برنامه‌های ملی.

با عنایت به آنچه ذکر شد، از میان هشت هدف کلان سه هدف کاملاً از رویکرد اجتماعی برخوردارند و از ۱۵ راهبرد، سه مورد و از ۳۰ راهکار نیز ۱۰ راهکار ارائه شده در سند تحول بنیادی به حوزه علوم اجتماعی اختصاص دارند. لذا می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین اهداف این سند پرداختن به تغییر و تحولات در عرصه علوم اجتماعی است.

منابع

۱. حسنی، محمد (۱۳۸۵). الگویی برای اشاعه نوآوری در نظام آموزش و پرورش ایران. فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی. شماره ۱۵. سال پنجم.
۲. سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش.
۳. منتظر، غلامعلی (۱۳۸۱). «توسعه مبتنی بر فناوری اطلاعات محور آینده‌نگری در نظام آموزشی کشور». فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. شماره ۲۵.

مقاله

جامعه‌شناسی ایلات و عشایر کهگیلویه و بویراحمد

دکتر احمد کلاه‌مال‌همدانی - مدرس دانشگاه

اشاره

سفرهای پژوهشی - علمی و در عین حال رسانه‌ای را از سال گذشته آغاز کردیم. بازخوردهای مخاطبان، نشان از رضایت آنها داشت. این بار و در فصل جدید با رویکردی نوین به کهگیلویه و بویراحمد رفتیم تا مقالات و گزارش‌های گوناگونی را تهیه کنیم. این مقاله حاصل پژوهشی است که در حین سفر و بعد از آن صورت گرفته و امید آن می‌رود که همچنان اطلاعات کافی درباره ایلات و عشایر و بویژه عشایر گران‌مایه کهگیلویه و بویراحمد ارائه کند.



عکس: پریسا سنندوسی

از دوران کودکی به ما گفته بودند که خدا ناظم جهان است. در دبیرستان آموخته بودیم که خدا را از طریق برهان نظم در جهان، به ویژه جهان طبیعت، باید اثبات کرد. راستش را بخواهید، برایم این حرف خنده‌دار بود: کجای دنیا نظم دارد؟! دنیای انسان‌ها را ببینید که از جنگل هم، جنگل‌تر است. در طبیعت نیز آیا یک رودخانه و سازوکار آن اصلاً شباهتی با رودخانه دیگری دارد تا مدعی شویم در طبیعت نظم وجود دارد؟ یافته‌های علمی ما در آن روزگاران چنین بود. شاید ما بد می‌فهمیدیم.

وقتی بزرگ‌تر شدیم و سیری به اصطلاح در آفاق و انفس کردیم، واقعاً همه چیز را حساب شده دیدیم. اما این انسان است که آن حساب‌شده‌گی را به بی‌سرانجامی می‌کشد و بر نظم جهانی خداوندی طغیان می‌کند. این را گفتم تا وقتی از ضرورت جامعه ایلی در ایران و جهان نوشتیم، به الفاظی مثل عقب مانده، امل، سنتی، ارتجاعی و... متهم شوم. توضیح آن که خداوند هر چه را برای زندگی انسان نیاز است، در اختیار او گذاشته و در آن عدل و موازنه‌ای نهاده است که در عین کثرت رو به وحدت دارد. شما ببینید، در ادبیات ما، در عرفان ما، در معماری و محراب‌ها و گنبدی‌های ما، در طبیعت پیرامونی ما، در زندگی فردی و اجتماعی ما و همه جا و همه چیز همواره کثرت موج می‌زند اما این جهان هم‌چنان باقی است. چرا؟ پاسخ آن است که همه هستی به یک سو حرکت می‌کند و آن «وحدت» است. قرآن می‌گوید: «یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض»: همه آن چه در آسمان‌ها و زمین است، در تسبیح (شناور شدن در اندیشیدن به خدای واحد) است. یعنی هستی رو به یکسوی دارد که ما آن سمت‌وسو را باید کشف کنیم و بیابیم. اکنون حکایت ما نیز چنین است.

نگاهی به ژئومورفولوژی جهان بیفکنیم. در عین آن که فرم‌لندها و شکل‌های متفاوتی را می‌بینیم، اما در مجموع همه آنها رو به یکپارچگی و وحدت دارند. جهان در عین تنوع اقلیم، آب و خاک، و پوشش گیاهی، برای انسان و سعادت او و برای دست‌یابی به خدای متعال سامان داده شده است. اما این انسان ناسپاس در تقسیم‌ی که برای جهان و سرزمین‌ها قائل شده است، این نظم را بی‌نظم می‌سازد و با خودخواهی آن را به هم می‌ریزد.

در یک نگاه اجمالی به ایران به خوبی در می‌یابیم که تنوع اکولوژیک در همه جا هست، حتی اکولوژی اجتماعی، اما این هرگز دلیل نمی‌شود که ما تعادل اکولوژیک را به هم بریزیم. خداوند به درستی و به عدل جهان را آمایش کرده است، اما ما با بی‌تدبیری این آمایش را به هم می‌ریزیم. مایلیم خودی در مقابل تدبیر و علم خداوندی نشان دهیم و

برای خود آمایشی جدید را طراحی می‌کنیم. معلوم است که این آمایش انسانی چون انسانی است، سرشار از خطا، لغزش، استعمار، استعمار و فروپاشیدگی است.

می‌خواهم بگویم جامعه‌شناسی در ایران و جهان جزئی از آمایش الهی است که اگر از جوامع انسانی زدوده شود، تعادل اکولوژیک را از بین می‌برد و جهانی بی‌هویت می‌سازد. هم‌اکنون در دنیا با وجود شهرهای بسیار مدرن، زندگی ایلی و عشایری تداوم دارد. این مردم نظام‌ها و فناوری‌های جدید را به اختیار خود درآورده‌اند تا در جهت آسایش و امنیت خود و جامعه از آن بهره ببرند به هر حال در این نوشتار به دنبال آن هستیم که «جامعه‌شناسی ایلات و عشایر کهگیلویه و بویراحمد» را بررسی کنیم. انگیزه نخستین آن بوده است که گروه شش نفره‌ای از محققان و خبرنگاران مجله «رشد آموزش علوم اجتماعی»، با نگاهی آموزشی - اطلاع‌رسانی به این استان سفر کند تا نگاهی به جامعه‌شناسی اقوام و ایلات در ایران و جهان داشته باشد. در تهیه این گزارش از روش مشاهده مستقیم بهره‌های فراوانی برده شد. در واقع از روش ترکیبی استفاده کردیم و به تناسب مسائل و موضوعات، از انواع روش‌های گردآوری اطلاعات سود بردیم.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی ایلات و عشایر، کهگیلویه و بویراحمد

تعریف جامعه‌شناسی ایلات و عشایر

از میان صدها تعریفی که از جامعه‌شناسی شده است، من به تناسب موضوع این نوشتار، تعریفی را که **مارسل مور** فرانسوی ارائه داده است، می‌پسندم. او می‌گوید: جامعه‌شناسی «علم بررسی پدیده‌های کلی اجتماعی است» و یا: «بررسی جامعه به عنوان یک کل واحد». و اگر بخواهم **جامعه‌شناسی ایلات و عشایر** را بر این مبنا تعریف کنم، از نوشته‌های دکتر **طییبی** بهره می‌گیرم و این چنین می‌نویسم: «جامعه‌شناسی ایلات و عشایر عبارت است از علم بررسی جامعه و اجتماعی از مردم با خصوصیات قومی مشابه و در سرزمینی معین، عضویت آگاهانه افراد براساس رابطه مستحکم خویشاوندی، و دارای اقتصادی محدود، مبتنی بر یک یا دو شیوه تولید (دامی و کشاورزی) و نظام زندگی کوچ یا یکجانشینی با ساخت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ویژه»^۱

اکولوژی قلمروی ایلات کهگیلویه و بویراحمد

استان کهگیلویه و بویراحمد یکی از استان‌های زیبای ایران در دامنه‌های زاگرس است. این استان یکی از اصلی‌ترین مکان‌های زیست عشایر ایران است که شیوه‌های زندگی جذاب آنها و تعامل ارزشمندشان با طبیعت، یکی از





و «لیشتر» با ۵۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا، به ترتیب بلندترین و پست‌ترین ناحیه استان هستند. استان کهگیلویه و بویراحمد به دو قسمت کهگیلویه و بویراحمد تقسیم شده است که نیمی از ایلات در منطقه کهگیلویه و نیمی دیگر در منطقه بویراحمد زندگی می‌کنند. ایلات استان در طول سال به بیلاق و قشلاق می‌پردازند و در جریان کوچ، جلوه‌های ویژه‌ای از زندگی عشایری و کوچ‌نشینی را به نمایش می‌گذارند.

آب و هوای استان کهگیلویه و بویراحمد

کهگیلویه و بویراحمد از نظر آب و هوا به دو قسمت سردسیری و گرمسیری تقسیم می‌شوند. قسمت گرمسیری، منطقه‌ای پست با ارتفاع متوسط حدود ۹۰۰ متر از سطح دریا و قسمت سردسیر منطقه‌ای مرتفع با ارتفاع متوسطی در حدود ۲۱۰۰ متر از سطح دریاست. این منطقه استانی است با چهار فصل طبیعی. آنگاه که جنوب آن از هرم گرمای تابستان بی‌تاب است، در شمالش کوه‌ها هنوز رد برف بر سینه دارند.

پوشش گیاهی استان کهگیلویه و بویراحمد

استان کهگیلویه و بویراحمد از نظر جغرافیایی در ناحیه ایران و تورانی و در بخش کوچکی از جنوب در ناحیه «صحاری - سند» واقع شده است. پوشش گیاهی استان به دلیل نوع آب و هوای گرمسیری و سردسیری متنوع است. ناحیه سردسیری به علت آب فراوان، پوشش گیاهی نسبتاً انبوه، متراکم و جنگلی دارد. در قلمرو گرمسیری پوشش گیاهی غالباً تنک و نیمه انبوه است.

چشم‌اندازهای طبیعی انسان

این استان از جنوب راهی به دریا دارد با ۵۰ کیلومتر تا خلیج فارس و در شمال مملو از چشمه‌سارها و کوه‌های بلند است. وضعیت جغرافیایی استان کهگیلویه و بویراحمد زیبایی‌های طبیعی خاصی به این استان بخشیده است، به گونه‌ای که دریاچه «مور زرد زیلایی»، دریاچه «کوه گل»، تالاب‌ها، رودخانه‌های متعدد، چشمه‌ها، سرآب‌های زیاد و حضور عشایر، زمینه‌های بسیار مساعدی را برای بهره‌برداری‌های گردشگری از این ناحیه فراهم آورده‌اند. حاشیه رودخانه‌ها در پیوند با چشم‌انداز زیبای قله‌ها و ارتفاعات از یک سو، و زیبایی آبشارهای بلند و پرآب مارگون، بهرام بیگی، کنج بنار، یاسوج و ده‌ها چشمه و سرآب از سوی دیگر، این استان را به یکی از زیباترین مناطق طبیعی ایران تبدیل کرده است.

زیباترین و کمیاب‌ترین جلوه‌های گردشگری ایران را رقم زده است. غارها و اشکفت‌های متعدد، دریاچه‌های زیبای طبیعی به همراه رودخانه‌ها و آبشارهای خروشان و پرآب در دل کوهستان‌های بزرگ و مشهوری چون «دنا»، جاذبه‌های طبیعی و ارزش‌های اکوتوریستی منطقه را برجسته کرده است. مهم‌ترین فعالیت اقتصادی مردم استان کهگیلویه و بویراحمد را دام‌پروری تشکیل می‌دهد که از دیرباز در این منطقه رواج داشته است. صنایع این استان نیز به دو دسته صنایع دستی و کارخانه‌ای تقسیم می‌شود که صنایع دستی آن رونق بسزایی دارد و یکی دیگر از جاذبه‌های این استان به شمار می‌آید.

مشخصات جغرافیایی کهگیلویه و بویراحمد

کهگیلویه و بویراحمد منطقه‌ای کوهستانی است و به همین سبب برای زندگی عشایری مناسب است. در این منطقه، وسعت زمین‌های گرمسیری به ۱۸۰۰۰ کیلومتر مربع و وسعت زمین‌های سردسیری به ۱۰۰ کیلومتر مربع می‌رسد. در قسمت جنوب منطقه، زمین‌های سردسیری تا به خارج از محدوده استان کشیده می‌شوند و تا ممسنی امتداد می‌یابند و حدود ۵۰۰ کیلومتر مربع از زمین‌های آن را مورد استفاده قرار می‌دهند. این خود نشانگر آن است که این استان در تبادل با استان‌های هم‌جوار است و محدوده فعلی آن با زندگی ایلیاتی، به دلیل استفاده از مسیرهای کوچ رو در استان‌های دیگر، چندان صحیح نیست و به لحاظ تقسیمات سیاسی می‌تواند بحران‌زا باشد. در طول مسیر مشاهده می‌شود که منطقه گرمسیر و سردسیر چندان با یکدیگر فاصله ندارند و یک سلسله ارتفاعات آنها را از هم جدا می‌سازد، به گونه‌ای که به فاصله چند صد متر ناگهان از منطقه سردسیر به منطقه گرمسیر وارد می‌شویم.

کهگیلویه از قدیم به دو بخش تقسیم می‌شد: شمال شرقی و شرق ناحیه که سردسیر است «پشتکوه» و قسمت جنوب و غرب آن «زیرکوه» نامیده می‌شد. پشتکوه خود دارای سه ناحیه با عناوین: بلاد شاپور، تل خسروی و رون است و زیرکوه پنج ناحیه دارد: باشت، حومه بهبهان، زیدون، کوهمره و لیراوی.

سرزمین عشایری کهگیلویه و بویراحمد در جنوب باختری ایران، بین ۳۰ درجه و ۹ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۳۲ دقیقه پهنای شمالی و ۴۹ درجه و ۵۷ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۴۲ دقیقه درازای خاوری واقع شده است. این استان از شمال با استان چهارمحال و بختیاری، از جنوب با استان‌های فارس و بوشهر، از خاور با استان‌های اصفهان و فارس و از باختر با استان خوزستان همسایه است. قله «دنا» با ۴۴۰۹ متر

محل استقرار دریاچه کوه گل یکی از زیباترین نواحی استان کهگیلویه و بویراحمد است که در فصل بهار و تابستان از انواع گل‌های شقایق، گیاهان وحشی و همچنین آویشن خوش عطر کوهستان مملو می‌شود. آبشار بلند و زیبای «مارگون»، به دلیل قرار گرفتن در داخل تنگه‌ی زیبای مارگون و تعدد رگه‌های آبشاری که به درون دره و مسیر رودخانه می‌ریزند و همچنین به دلیل پوشش جنگلی و درختانی که در اطراف آبشار وجود دارند، از آبشارهای مهم و معروف این استان است. پیرامون این آبشار، علاوه بر جریان رودخانه‌ها و چشمه‌ها، زیبایی طبیعی و دشت‌های مملو از لاله‌ و ژگون و گل‌های رنگارنگ ختمی و دیگر گل‌های وحشی، منظره‌ای بدیع پدید می‌آورند که دیدار از آن را به خاطره‌ای فراموش‌نشدنی تبدیل می‌کند.

اکولوژی اجتماعی

الف سابقه تاریخی استان کهگیلویه و بویراحمد

کهگیلویه از سه کلمه «کوه»، «گیل» و «ویه» ترکیب یافته است. از آنجا که کلمه «او» پسوند مالکیت است، بنابراین معنای این نام «منطقه کوهستانی گیل» است. بیشتر ساکنان کنونی استان کهگیلویه و بویراحمد از تبار «ایل جارکی» هستند که مستوفی در «تاریخ گزیده» از آنها نام می‌برد. ایل جاکی از تبار آریایی بوده و با خود گویشی فارسی تبار از شاخه لری را به این منطقه آورده است.

کهگیلویه در زمان حمله عرب جزو قلمروی پارس و یکی از مناطقی بود که «زمیگان» نامیده می‌شدند. ریاست مردم کهگیلویه در اواخر سده دوم و آغاز سده سوم هجری به عهده فردی به نام روزبه بود. پس از او فرزندش مهرگان و پس از مهرگان برادرش سلمه فرمانروای مردم کهگیلویه شدند. در آن زمان شخصی به نام گیلویه، از جایی به نام «خمایگاه پایین» نزد سلمه آمد و در دستگاه او پایگاه و جایگاهی پیدا کرد. او پس از مرگ سلمه توانست زمام امور را به دست بگیرد و آن چنان بزرگی و ارج یافت که منطقه را به نام او «کوه گیلویه» (کهگیلویه) خواندند. خاندان گیلویه دست کم تا سال ۳۴۶ هجری بر نواحی کهگیلویه فرمانروایی کردند.

ب دوره افشاریه

افشارها از قبایل ترکمان بودند که ظاهراً از قرن ششم هجری قمری به خوزستان آمدند و بعد هم در کهگیلویه نشیمن گزیدند. در دوره صفویه قدرت و نفوذ فراوانی در این سرزمین به دست آورده بودند (رجوع کنید به: کسروی، ۱۳۵۲، ص ۵۲-۴۲). وقتی درویشی قلندر در اوایل سال

۹۸۸ در کهگیلویه خروج کرد و به میان لران این سرزمین پناه برد و خود را اسماعیل میرزای دوم خواند، لره‌ای جاکسی به همراهی گروهی دیگر از عشایر کهگیلویه، به حمایت از این شاه دروغین برخاستند و بر حاکمان افشاری در دهدشت - حاکم‌نشین کهگیلویه- تاختند و حتی چند تن از سران آنها را کشتند.

روایات شفاهی ایلی (تحقیقات میدانی مؤلف) درباره خاستگاه طوایف و تیره‌های بویراحمدی، ریشه‌های ایلی مشخص تری را پیش می‌کشد. براساس روایات موجود، بویراحمدی‌ها از نسل این گروه‌ها هستند. «شبانکاره» از طوایف فارس که در زمان ساسانیان هم بدان‌ها اشاره شده است [د.اسلام، چاپ اول، ذیل، ذیل «شبانکاره»]؛ «شول» از طوایفی که در قرن چهارم در بخشی از لرستان ساکن بودند، ولی در اوایل قرن هفتم اتابکان لرستان آنها را بیرون راندند. گروهی که بنابر قولی شاه‌عباس آنها را از آذربایجان تبعید کرد و در این منطقه اسکان دارد؛ «آغاچ اری» (معروف به آقاجری) از طوایف کهگیلویه که ترکیبی است از عناصر ترک و لر؛ «باوی» از طوایف کهگیلویه که گمان می‌رود عرب تبار باشند [همان جا] و «بختیاری»

اتحادیه ایلی بویراحمد در واقع از ترکیب پنج یا شش طایفه آغاز شد که در دره‌های مجاور پرشکفت واقع در منتهی‌الیه غرب منطقه مرکزی بویراحمد فعلی زندگی می‌کردند. از روایات موجود چنین برمی‌آید که این طوایف برای خاتمه دادن به مناقشات داخلی و دفاع در برابر همسایگان قدرتمندشان و همچنین به قصد تثبیت موجودیت خود در برابر حکومت، با هم متحد شدند و کسی را به ایلخانی منصوب کردند یا به این سمت پذیرفتند. براساس روایاتی دیگر، این اتحادیه تنها در پی دخالت عاملی خارجی تشکیل شد که میان گروه‌های متخاصم نقش واسطه‌ای بی طرف داشت و به تدریج به عنوان ایلخان پذیرفته شد. در این روایات معلوم نمی‌شود که دقیقاً کدام طوایف نسل گروه اولیه بویراحمد را تشکیل می‌دادند و کدام یک از آنها بنیان‌گذاران واقعی یا هسته اولیه این اتحادیه بودند. ولی چنین به نظر می‌آید که این اتحادیه در مراحل ابتدایی تکوین خود، شامل بخش‌های اصلی و اولیه قایدگیوی، گودرزی، جلیلی، طاس احمدی و تامرادی بوده است.

ج دوره زندیه

در طول سال‌های بعد، اتحادیه بویراحمدی، به ویژه بعد از آن که زندیه رهبری اصلی ایل را به رسمت شناختند، از طریق جذب، ادغام و به انقیاد درآوردن دیگر طوایف مجاور توسعه یافت. این اتحادیه در اوایل قرن سیزدهم دست کم



بخش اصلی تمام طوایف مهمی را که امروزه می‌شناسیم، شامل می‌شود، ولی قلمرو آن در مناطق غربی و جنوبی ناحیه فعلی بویراحمد تنها بخش محدودی از قلمرو بعدی آنها را تشکیل می‌داد. با قدرت گرفتن خان‌های بویراحمد سردسیر در اواسط قرن سیزدهم و در نتیجه ضعیف شدن خان‌های نوبی، یکی دیگر از طوایف جاکی کهگیلویه، عرصه بر یک نقل و انتقال گسترده عشایری گشوده شد و قلمرو سردسیری بویراحمد به نحو چشم‌گیری توسعه یافت. بخش‌هایی از طوایف دشت موری از مناطق سنتی خود در شمال غربی دو گنبدان به سوی شمال حرکت کردند و بر اراضی گسترده‌ای در حول و حوش دهدشت و مناطق کوهستانی بویراحمد مرکزی واقع در شرق مسلط شدند. طایفه تامرادی نیز قلمرو سنتی خود را در حاشیه جنوبی بویراحمد ترک کردند و بر منطقه وسیعی که تا آن زمان زیر نفوذ خان‌های نوبی و «برایی» بود، تسلط یافتند و خطه‌ای را تشکیل دادند که امروزه بخش شمالی ناحیه بویراحمد به شمار می‌آید. طوایف آقایی و قایدگیوی نیز از مرکز به سمت جنوب شرقی و شرق حرکت کردند و بر بخشی از قلمرو قشقایی و ممسنی دست انداختند.

سیاسی بویراحمدی ادغام شدند. (تحقیقاتی میدانی مؤلف. در بخش تاریخ از دائره‌المعارف اسلامی و اینترنت استفاده شده است، بنابراین ارجاعات متنی در بخش منابع ذکر شده است.)
 در حال حاضر این استان دارای شش ایل است که مشخصات آن در جدول ۱ آمده است.
 در کهگیلویه و بویراحمد سه گروه بزرگ عشایر «لر» به نام‌های «جاکی» و «باوی» و «آقاجری» زندگی می‌کردند. ایل جاکی به دو قسمت «چهار بنیچه» و «لیراوی» تقسیم می‌شد. چهار بنیچه گروه‌های «بویر احمدی»، «چرامی»، «دشمن زبیری» و «نوئی» بودند که در مشرق این منطقه زندگی می‌کردند. نوئی‌ها کم‌کم در سایر ایلات حل شدند و اکنون دیگر موجودیت ندارند. لیراوی نیز شامل «لیراوی کوه» و «لیراوی دشت» می‌شود که در غرب این منطقه زندگی می‌کنند. امروزه ایلات بهمئی و طیبی در قلمروی لیراوی‌ها سکونت دارند. ایل‌های استان عبارت‌اند از: بویراحمدی (علیا، سفلی و گرمسیر)، چرام، بابویی، دشمن زبیری، طیبی و بهمئی که بیشتر در کهگیلویه به صورت نیمه نمادیزم و نمادیزم به حیات خود ادامه می‌دهند [نیک خلق، ۱۳۹۰: ۶۶].

جدول ۱. ایل‌های استان کهگیلویه و بویراحمد

ردیف	نام ایل	جمعیت ایل	وسعت (کیلومتر مربع)
۱	بویراحمد (بزرگ‌ترین ایل)	۱۴۰۰۰۰	۶۵۰۰
۲	باوی (بابویی)	۲۰۰۰۰	۲۶۰۰
۳	چرام	۱۰۰۰۰	۶۰۰
۴	دشمن زبیری	۲۵۰۰۰	۸۰۰
۵	طیبی	۳۰۰۰۰	۲۲۰۰
۶	بهمئی	۲۱۰۰۰	۳۰۰۰

و بالاخره آن‌که سی‌سختی‌ها نیز گروه‌های قشقایی را از منطقه جنوب کوه دنا بیرون راندند و آن کوه را مرز شمال شرقی بویراحمد قرار دادند.
 در اواخر قرن سیزدهم، بخش بویراحمد سردسیر قلمرو خود را به چهار برابر قلمرو اولیه گسترش داده بود. در خلال این تغییر و تحولات، بسیاری از اجزای طوایف اصلی آن مناطق، مانند نوبی و برایی، در ساختار ایلی و

۱.۱ ایل بویراحمد: این ایل بزرگ‌ترین ایل کهگیلویه است که نیمی از جمعیت استان را تشکیل می‌دهد. حدود ۶۵۰۰۰ کیلومتر مربع، یعنی ۴۲ درصد وسعت منطقه را در بر گرفته و دارای طوایف متعددی است. این مساحت به دو بخش گرمسیری با ۱۶ طایفه اسکان یافته و سردسیری (بویراحمد سفلی با ۷ تیره و ۳۱ طایفه مستقل و بویراحمد علیا با ۶ تیره و ۹ طایفه) تقسیم شده است. حدود ۱۷۰ سال پیش بین

پسران خان ایل (ایلخان) اختلافاتی به وجود آمد و پدر آنان (خان) منطقه را به دو قسمت تقسیم کرد. قسمت گرمسیر یعنی «بلاد شاهپور» را به پسر بزرگش و قسمت سردسیر، یعنی «تل خسرو» و «رون» را به دو پسر دیگرش که از یک مادر بودند، سپرد. بویراحمد سردسیر را سرحد نیز می‌گویند. پس از مرگ خان باز هم اختلاف بین دو پسر خان در بویراحمد سردسیر در گرفت و باز هم شاهد تقسیم آن به دو بخش بویراحمد علیا و سفلی بوده‌ایم.

اکنون براساس تقسیمات سیاسی کشور، در این استان سه منطقه بویراحمد گرمسیر، سفلی و علیا وجود دارد و مردمانی که در آن زندگی می‌کنند دارای روابط خویشاوندی‌اند. رود پر آب و بزرگ «بشار» در این منطقه جاری است. آن قسمت که بالای رود قرار گرفته به «سر رود» مشهور است و آن قسمت که در بویراحمد پایین قرار دارد، «دمرود» نام گرفته است. مرکز استان نیز «یاسوج»^۲ است.

۲. ایل بابویی: این ایل منطقه وسیعی از جنوب استان را به خود اختصاص داده است که به پشتکوه (سردسیر) و زیرکوه (گرمسیر) تقسیم می‌شود. وسعت منطقه در حدود ۲۶۰۰ کیلومتر مربع با جمعیتی در حدود ۳۰ هزار نفر است. ایل بابویی از ۵ تیره و ۱۲ طایفه مستقل تشکیل شده و مرکز آن «باشت» است. شهر دوگنبدان که امروزه «گچساران» نیز نامیده می‌شود، در گذشته (سال ۱۳۲۵) روستایی با حدود ۲۵۰ نفر جمعیت بوده، اما امروزه به دلیل نزدیکی به منطقه گچساران که منطقه بزرگ نفت خیز و دارای چاه‌های فراوان و پالایشگاه مهمی است و به علاوه، بر سر راه این استان به خوزستان و فارس قرار گرفته است، بخش مهمی از استان را به لحاظ اقتصادی تشکیل می‌دهد [نیک خلق، ۱۳۹۰: ۱۶۹]. راهنمای گروه ما می‌گفت ۱۰ درصد از نفت کشور در این استان تولید می‌شود، در حالی که منافع آن در جاهای دیگری مثل تهران صرف می‌شود و مردم هم چنان فقیرند.

۳. ایل بهمنی: این ایل در غرب استان مستقر است و وسعتی حدود ۳۷۲۷ کیلومتر مربع و جمعیتی در حدود ۳۷۳۶۷ دارد. دارای سه تیره و ۱۳ طایفه (هشت طایفه اسکان یافته) است. از این ۸۵ درصد کوچ رو هستند و بقیه اسکان یافته‌اند. با توجه به کوه‌های مرتفع سیاه و سفید در مرکز آن، به دو قسمت «بهمنی احمدی» در نیمه جنوبی و «بهمنی محمدی» در نیمه شمالی تقسیم شده است. کوچ‌نشینان در سیاه چادر زندگی می‌کنند و هر چادر به یک خانواده (بهون) تعلق دارد. چند خانوار یک «مال» را تشکیل می‌دهند. ایل بهمنی در بخشی از خرداد، تیر و مرداد در سرحد که منطقه کوهستانی و سرد است، به سر می‌برند. در اردیبهشت و نیمه از خرداد در سردسیر، یعنی بین سرحد و

گرمسیر زندگی می‌کنند. در ماه‌های آبان، دی، بهمن، اسفند و قسمتی از فروردین ماه نیز در گرمسیر هستند. گویش آنها نوعی لری خاص و مذهب همه آنها شیعه اثنی عشری است [افشار نادری، ۱۳۴۷: ۷-۱۱].

۴. ایل چرام: این ایل در مرکز استان قرار گرفته است. چرام منطقه کوچکی با ۶۰۰ کیلومتر مربع، جمعیتی حدود ۱۰ هزار نفر و شامل ۵ تیره و ۱۳ طایفه است. نیمه از جمعیت کوچ‌رو و نیمه دیگر اسکان یافته‌اند. نیمه غربی منطقه، گرمسیر است و نیمه شرقی آن سردسیر. نواحی «تل گرد» و «طسوج» از محل‌های عمده استقرار این ایل است. چرام پر آب‌ترین و حاصل‌خیزترین منطقه این استان محسوب می‌شود.

۵. ایل دشمن زیاری: این ایل در منطقه مرکزی استان واقع شده است و به دو بخش سردسیری و گرمسیری تقسیم می‌شود. «برفکوه» (برفکون) مرز گرمسیر و سردسیر است. ناحیه سردسیری در شمال و میان کوه‌های مرتفع «جوکار» و «رون» قرار دارد و برفکون نیز در جنوب واقع شده است. دشمن زیاری با وسعت ۸۰۰ کیلومتر مربع و جمعیتی در حدود ۲۵ هزار نفر دارای ۹ طایفه (چهار طایفه مستقل) است. این ایل علاوه بر دام‌داری، کشاورزی نیز می‌کند که کاشت برنج و زراعت آن به خصوص در منطقه گرمسیر، از مهم‌ترین اشتغالات کشاورزی آنهاست. در تابستان به سردسیر می‌روند و از اوایل مهر باز می‌گردند. فاصله میان گرمسیر و سردسیر را در حدود ۱۵ تا ۲۰ روز طی می‌کنند.

۶. ایل طیبی: قلمرو این ایل در غرب استان است. منطقه طیبی با ۲۲۰۰ کیلومتر مربع مساحت و حدود ۳۰ هزار نفر جمعیت، ۲۹ طایفه دارد. این منطقه نیز دارای دو ناحیه سردسیر و گرمسیر است. در بخش گرمسیر ۲۰ هزار نفر و ۲۰ طایفه و در بخش سردسیر ۱۰ هزار نفر با ۶ طایفه به صورت نیمه نمادیزم زندگی می‌کنند؛ یعنی تنها عده‌ای زندگی بیلابقی و قشلاقی را انتخاب کرده‌اند.

ساختار اجتماعی ایل‌های کهگیلویه و بویراحمد

۱. ایل: مجموعه تیره‌هایی که همبستگی آنها ریشه تاریخی دارد و در صدر آن «خان» جای دارد.

۲. تیره: زیرشاخه ایل است و رؤسای تیره‌ها را «کی» می‌نامند. مقام کی موروثی است و کی‌ها از حیثیت بسیاری در میان عشایر برخوردارند. تیره اجتماعی خویشاوندند که به یک نیای مشترک حقیقی یا آرمانی وابسته‌اند و به نام او خود را می‌نامند. این اجتماع (تیره) دارای هم‌بستگی تاریخی، سیاسی و فرهنگی ایلی‌اند و از حق استفاده یا مالکیت مشاع در سردسیر و گرمسیر برخوردارند. آنها در همه حال حافظ منافع اعضای تیره خود هستند.





می‌دهد. اگر این ساخت و فونکسیون متناسب با فرهنگ (اکولوژی اجتماعی) و مقتضیات طبیعی (اکولوژی زیستی) باشد، ایل می‌تواند قدرتمند باشد. اصولاً تا پایان دوره قاجار ساختار اجتماعی ما مبتنی بر سلسله مراتب ایلیاتی بود و اغلب حکومت‌هایی نیز که موفق شدند بر ایران و یکپارچه بودن آن مسلط باشند، سران و بزرگان ایلات بودند.

در دوره پهلوی و کمی پیش از آن، به دلیل وجود این قدرت که ناشی از قدرت خویشاوندی و نسبی و سببی در میان عشایر بود و از آنان مردمان شجاع و رزمنده آفریده بود، به تحریک انگلیسی‌ها **رضاخان میرپنج** به جابه‌جایی عشایر و اسکان آنها دست زد تا با انفصال از محیط طبیعی و اجتماعی خود، هویت قدرتمندشان را از دست بدهند و دیگر نتوانند با حکومت مرکزی درافتند. در واقع، اسکان و انتقال عشایر به دیگر استان‌ها ریشه در ترس از قدرت آنان در عرصه کشور داشت. در تقسیمات کشوری نیز این حالت به خوبی هویداست. عشایر این استان زمانی بخشی از استان فارس را در اختیار داشتند و در جنوب کشور نیز تا خوزستان در حال رفت و آمد بودند و از مراتع این خطه براساس اسناد و مالکیت‌هایی که مشاعی داشتند، بهره‌برداری می‌کردند. اما رضاخان این سیستم را به دستور اربابان صهیونیست و انگلیسی‌اش به هم ریخت، به طوری که هنوز در میان ایلات آرزو و حسرت بازگشت به وطن اصلی را می‌بینیم.

وضعیت فعلی ایلات و عشایر

آن چه که گروه اعزامی مشاهده کرد، شامل موارد زیر است:

● **بافت شهری** جای‌گزین بافت عشایری شده است، هر چند که روی عوارض جغرافیایی خطرناک شهر شکل بگیرد (گسل‌های متعددی که در منطقه پراکنده‌اند و رسوباتی که تحمل بار شهری را ندارد).

این بافت شهری در واقع به نوعی سبب هویت‌زدایی اجتماعی می‌شود و به قولی نسل جدید را از هویت فرهنگی خود به تدریج جدا می‌کند؛ به گونه‌ای که در پایان گذار، به انسان‌هایی بی‌هویت و یا دارای هویت گمگشته خواهیم داشت.

جامعه‌شناسان استان اکثراً معتقدند که منطقه در مرحله «گذار» از زندگی عشایری به زندگی شهری و مدرن است و کم‌کم مدرنیته در آن نفوذ می‌کند. به همین سبب در حال حاضر فرهنگ عشایری استان و فرهنگ شهرنشینی نتوانسته‌اند با یکدیگر کنار بیایند، به گونه‌ای که در میان دختران کم‌سن و سال مظاهر شهری به لحاظ پوشش، مد و آرایش، و آرایش‌های غلیظی در برخی از آنها دیده می‌شود.

● **۳. طایفه:** زیرشاخه تیره است. سرپرست هر طایفه را «کدخدا» می‌نامند. طایفه یک واحد اجتماعی - سیاسی است که لزوماً بر نظام خویشاوندی واحد و نیای مشترک مبتنی نیست. به عبارت دیگر، هر طایفه ممکن است براساس خویشاوندی پدر تباری یا با هم‌بستگی و اتحاد سیاسی، نظامی و اجتماعی با گروه‌های هم‌نژاد (غیر خویشاوند) شکل گرفته باشد. نام طایفه دارای یکی از منشأهای زیر است:

- نام نیای مشترک حقیقی یا دودمانی، در صورتی که تیره‌های یک طایفه دارای نیای مشترک حقیقی یا دودمانی باشند؛ مانند طایفه باون پور از ایلات کلهر.
- نام طایفه مأخوذ از نام محلی و قلمرو آن باشد، مانند طایفه دره‌شوری.
- نام طایفه منشأ سیاسی و نظامی داشته باشد، مانند شاهسون.

● **۴. اولاد:** زیرشاخه طایفه است و مسئول آنان ریش‌سفیدان هستند. بزرگ‌ترین واحد غیررسمی و خویشاوند سببی و نسبی حقیقی عشایر است. از نظر ساخت جامعه عشایری، هر اولاد به منزله ستونی است که خانوارها اجزای آن هستند و پایه اصلی تشکیل ایل یا طایفه است.

● **۵. تش:** زیرشاخه اولاد است. تش مخفف آتش است و به سلسله مراتب دودمانی خانواده‌های آریایی که دور یک اجاق (آتش یا کانون خانه که به آن نمان می‌گفتند) بوده‌اند و مؤمن به یک دین بوده‌اند، بازمی‌گردد. تش در واقع واحد پدر تبار حقیقی است که معمولاً اعضای آن برادرها و عموزاده‌های درجه یک تا سه هستند. تش خانواده گسترده‌ای است که حداقل چهار نسل را در بر می‌گیرد.

● **۶. حونه (مال):** خانواده‌ای کوچنده که می‌توان آن را کوچک‌ترین واحد اقتصادی و اجتماعی عشایر کهگیلویه و بویراحمد دانست.

قشرهای اجتماعی و سلسله مراتب قدرت ایلات استان

● **۱. خوانین:** ایل یک خان بیشتر ندارد، اما همه برادران و اولاد ذکور او را خان می‌نامند. خوانین مظهر قدرت ایل‌اند و احیاناً برای استحکام موقعیت سیاسی خود، با خانواده خوانین ایلات دیگر، و خانواده‌کی‌ها با خانواده‌های رعایا و پایین‌تر ازدواج نمی‌کنند.

● **۲. کی‌ها:** کی‌ها (کلانترها) و رؤسای تیره‌ها موجب بقا یا فناي خان‌ها می‌شوند.

● **۳. رعایا:** این گروه اکثریت ایل را تشکیل می‌دهند. سلسله مراتب قدرت در ایلات از آن روی دارای اهمیت است که گذشته تاریخی، شیوه‌های مشارکت جمعی، و ترکیب انتقال قدرت از یک نسل به نسل دیگر را نشان

جدول ۲. ویژگی‌های ایل‌های استان کهگیلویه و بویراحمد و طایفه‌های آنها

ردیف	نام ایل / طایفه	محل استقرار	دام‌داری	کشاورزی	اسکان	کوچ
۱	باوی (بابویی)					
۱-۱	دولت‌یاری	کهگیلویه	*	*		*
۱-۲	سادات	کهگیلویه	*	*		*
۱-۳	شیخ جلیل	کهگیلویه	*	*		*
۱-۴	عالیشاهی	کهگیلویه	*	*		*
۱-۵	گشین		*	*		*
۲	بویراحمد سفلی					
۲-۱	آقایی	بویراحمد	*	*		*
۲-۲	تامرادی	بویراحمد	*	*		*
۲-۳	دشت بوی	بویراحمد	*	*		*
۲-۴	سادات	بویراحمد	*	*		*
۲-۵	قاید گیوی	لری	*	*		*
۳	بویراحمد علیا					
۳-۱	آقایی	بویراحمد	*	*		*
۳-۲	سادات	بویراحمد	*	*		*
۳-۳	قاید گیوی	بویراحمد	*	*		*
۳-۴	نگین تاجی	بویراحمد	*	*		*
۴	بویراحمد گرمسیر					
۵	بهمئی					
۵-۱	احمدی	بویراحمد	*	*		*
۵-۲	علاء‌الدین	بویراحمد	*	*		*
۵-۳	محمدی	بویراحمد	*	*		*
۶	چرام					
۷	دشمن زیاری					
۷-۱	الیاسی	کهگیلویه	*	*		*
۷-۲	باوردیناری	کهگیلویه	*	*		*
۸	طیبی					
۸-۱	گرمسیر	کهگیلویه	*	*		*
۸-۲	سرحد	کهگیلویه	*	*		*

اما شیوه‌های رفتاری آنها با این سبک زندگی تناسب ندارد و معلوم است که دچار نوعی اضطراب و سرگشتگی‌اند. یعنی هم با فرهنگ اصیل خود بیگانه شده‌اند و هم فرهنگ مسلط و هجومی وارداتی نتوانسته است به آنها هویت مستقلی بدهد. به همین سبب دچار نوعی بیگانگی هویتی‌اند. این امر مسئولیت متولیان فرهنگی استان را بیش از پیش دشوار و حساس می‌سازد که اگر به این امر دقت نکنند، در آینده‌ای نه چندان دور نسلی خواهند داشت که با گذشته خود کاملاً بیگانه است و آینده‌ای مبهم و ناشناخته خواهد داشت.

● ساختار قدرت در منطقه به هم خورده است. گروه تصور می‌کرد که به نوعی خان و بزرگان ایلات باید از قدرت مسلط برخوردار باشند و به نوعی پدر تباری بین آنان رایج باشد. اما نسل جدید آنان اصلاً چنین تصویری ندارد. در نتیجه زندگی ایل‌نشینان به مدرنیته و در نتیجه شکاف نسلی بسیار نزدیک شده است. به گونه‌ای که اکثریت جوانانی که طرف‌گفت‌وگویی ما بودند، با ساختار ایلاتی و دودمانی خود بیگانه بودند. نکته مهم‌تر آن که گرچه سلسله مراتب پیشین به هم ریخته است، اما هنوز نتوانسته‌اند ساختار جدیدی را که متناسب با فرهنگ (اکولوژی اجتماعی) و مقتضیات طبیعی (اکولوژی زیستی) جامعه عشایری باشد، جای‌گزین آن کنند. در واقع در شهر زندگی می‌کنند، اما فرهنگ عشایری را بدان‌جا می‌آورند که هیچ تناسبی با شرایط فعلی ندارد.

● انتظارات و آمال بزرگی که بزرگان در سر داشته‌اند، اکنون جایشان خالی است. حتی آداب و رسوم کهنی که داشته‌اند و بدان افتخار می‌کردند، کم‌کم رنگ می‌بازد و کمتر از آن در میان جامعه سخن به میان آورده می‌شود. البته این بدان معنا نیست که با همان ابزارهای قرون گذشته خود را تطبیق دهند که این به نوعی «ارتجاع فرهنگی» است. سخن این است که با مدرن کردن ابزار به باروری فرهنگ گذشته دست بزنند و حتی در این کار تسریع کنند تا جامعه‌ای با هویت شکل گیرد. روند فعلی به سمت هویت‌زدایی عشایری پیش می‌رود که باز برای متولیان فرهنگی استان به ویژه آموزش و پرورش هشدار دهنده است.

● به نظر می‌رسد که سطح دانش و فرهنگ در میان مسغولان و دست‌اندرکاران دچار نوعی افت است، به گونه‌ای که ما نتوانستیم به انتظاراتی که در مورد فرهیختگان استان ترسیم کرده بودیم، دست یابیم. اما در عین حال، چهره‌هایی بودند که بتوان به عنوان فرهیخته و اندیشمند از آنان یاد کرد. از استانی که آن همه از مواهب الهی برخوردار است

و ظرفیت‌های بسیار قوی در حوزه آب، معدن، کشاورزی و صنعت نفت دارد، انتظار می‌رود که اندیشمندان بزرگی به جامعه ارائه کند. سی و اندی سال از انقلاب اسلامی گذشته است و انتظار می‌رود که مسغولان، به ویژه مسغولان آموزش و پرورش، در این زمینه تدابیر مؤثرتری را در پیش گیرند.

● به گمان ما، هم زیرساخت‌های فکری و هم زیرساخت‌های مادی در این استان قابل حصول هستند و امکانات بسیار زیادی در آن وجود دارد که با مدیریت درست منابع طبیعی و انسانی و به عبارت دیگر، مدیریت محیطی و اجتماعی و به کمک فناوری‌های جدید می‌توان استان را به یک استان نمونه از نظر طبیعی با حفظ هویت و فرهنگ عشایری تبدیل کرد. یعنی بهره‌گیری از مدرن‌ترین ابزار و حفظ هویت انقلابی - اجتماعی عشایر و ایلات استان.

● متأسفانه فقر فرهنگی و اقتصادی زیادی در سطح منطقه دیده شد، به گونه‌ای که برخی از اولیای دانش‌آموزان توان پرداخت هزینه کتاب و لوازم درسی فرزندان خود را نداشتند. بارها از سوی مدیران این نکته گوشزد شد که لازم است مسغولان به لحاظ اقتصادی به این استان توجه بیشتری نشان دهند. استان از منظر ظرفیت‌های بالقوه هم به لحاظ معدن و نفت، هم به لحاظ چشم‌اندازهای طبیعی و میراث فرهنگی، غنی است و شایسته نیست که مردمان آن در فقر به سر ببرند.

پی‌نوشت

۱. اقتباس از «مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر». دکتر طیبی، صفحه‌های ۸-۶ و ۱۳۵-۱۳۱.
۲. می‌گویند یاسوج از دو کلمه «یاس» که همان «گل یاس» باشد و «اُنج» و «یج» به معنای مکان و محل تشکیل شده است. بنابراین یاسوج یعنی محلی که در آن یاس زیادی وجود دارد (باغ یاس).

منابع

۱. افشار نادری، نادر (۱۳۴۷). مونوگرافی ایل بهمنی. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
۲. زنده‌دل، حسن و دستیاران (۱۳۷۹). استان کهگیلویه و بویراحمد، مجموعه راهنمای جامع ایران گردی. نشر ایران گردان. تهران.
۳. طاهری، (کی) عطاءالله (۱۳۸۸). کوچ کوچ، تجربه نیم‌قرن زندگی در کهگیلویه و بویراحمد. انتشارات سخن. تهران. چاپ اول.
۴. طیبی، حشمت‌الله (۱۳۷۴). مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ پنجم.
۵. نیک خلق، علی‌اکبر و نوری عسگری محمد (۱۳۹۰). زمینه جامعه‌شناسی عشایر ایران. انتشارات چاپخش. تهران. چاپ سیزدهم.

منابع بیشتر برای مطالعه

۱. اقتداری، احمد (۱۳۵۹). خوزستان و کهگیلویه و ممسنی. بی‌نا. تهران.
۲. باور، محمد (۱۳۴۴). کهگیلویه و ایلات آن. گچساران.
۳. بهمن بیگی، محمد (۱۳۲۴). عرف و عادت در عشایر فارس. انتشارات آذر. تهران.
۴. لمپتون، میس (۱۳۶۲). تاریخ ایلات ایران. ترجمه علی تبریزی. مجموعه ایلات و عشایر تهران.

گپ وگفتی با سرگروه‌های درسی و معلمان استان کهگیلویه و بویراحمد

بهشت در اردیبهشت

گزارش

محمد دشتی

اشاره

مدیر داخلی، مسئول هنری و گرافیک، عکاس و سه تن از خبرنگاران و گزارشگران مجله «رشد آموزش علوم اجتماعی» در روزهای آغازین اردیبهشت ماه به استان «کهگیلویه و بویراحمد» قدم گذاشتند تا گزارش‌هایی در مورد مسائل معلمان و دانش‌آموزان و برخی موضوعات مرتبط با اهداف و مأموریت‌های این مجله تهیه کنند که شما خواننده آن در پاییز هستید. گزارش پیش رو حاصل بخشی از گپ‌وگفت‌های انجام شده با برخی سرگروه‌های درسی و معلمان این استان است.



مسائل اجتماعی از اوج تا فرود

هوایم‌ای ملخی «شرکت هوایم‌ای آسمان» در فضای نیلگون صبحگاهی تهران اوج می‌گیرد. چرخش تند پروانه‌هایی که حالا در فاصله ۲۱ هزارپایی از زمین، دایره‌ای ناپیدا را پیرامون خود ترسیم کرده‌اند، آسمان را می‌شکافد و پرندۀ آهنین با سروصدایی که مانند یک موسیقی یکنواخت، اوج و فرود چندانی ندارد، به پیش می‌رود. دکتر همدانی، مدیر داخلی مجلهٔ رشد آموزش علوم اجتماعی، نگاهی به همراهان می‌اندازد و لبخند می‌زند.

می‌گویم: «دکتر! به نظر شما برای دیدن واقعیت‌های اجتماعی نیازی به اوج گرفتن هست یا نه؟!»

نگاه می‌کند و متفکرانه می‌گوید: «بله! ولی ابتدا باید در وجود خودمان اوج بگیریم.»

محمود اردوخانی، همراه دیگر گروه هم که متوجه صحبت ما شده است، می‌گوید: «البته جای بحث‌های اجتماعی، در مدارس و بین معلمان و دانش‌آموزان است.»

تلاش در آسمان برای ایجاد فهم مشترک!

مقصد ما «یاسوج» است و خلبان هوایم‌ای اعلام می‌کند که برای رسیدن به مقصد یک ساعت و چهل دقیقه در راه خواهیم بود. **فاطمه خرقانیان** که به عنوان خبرنگار گروه را همراهی می‌کند، کمی نگران است. او سال‌هاست که با مجلات رشد همکاری می‌کند و تاکنون گزارش‌های مفصلی در مورد مسائل استان‌ها و دیگر موضوعات مرتبط با مجلات و سال‌نامه‌های رشد به دست چاپ سپرده است. دکتر همدانی در مورد موضوع سفر و مأموریت گروه می‌گوید: «ما طبق برنامه‌ای که اعلام شده، در خصوص وضعیت کتاب‌های درسی، مسائل و دغدغه‌های استان، و ویژگی‌های خاص و مسائل اجتماعی استان با معلمان، دانش‌آموزان، مدیران، مسئولان استان و حتی مردم گفت‌وگو خواهیم کرد. خانم خرقانیان طوری به من نگاه می‌کند که انگار می‌پرسد، «شما متوجه شدید؟»



می‌گوییم: «اینها که آقای دکتر اشاره کردند، کلیات موضوعات است، قطعاً در این مورد بیشتر با هم صحبت خواهیم کرد».

خانم **سندسی**، گرافیست و مدیر هنری مجله هم همراه ماست. با بیشتر بحث‌ها همراهی می‌کند و امور را با کنجکاوای خاصی زیر نظر دارد.

آسمان آبی همچنان بالای سر ماست و کم‌کم رشته‌کوه‌های سفیدپوش و سر بر آسمان افراشته «دنا» زیر پیمان ظاهر می‌شوند. شاید اگر **سهراب سپهری** مسافر این هواپیما بود، هوس می‌کرد از پنجره هواپیما به بیرون خم شود و اجازه می‌داد «که احساس هوایی بخورد». اینجا بلندترین مکان این منطقه و فرودگاه یاسوج که همه روزه (به جز روزهای دوشنبه و پنجشنبه) پذیرای مسافران تهرانی است، مرتفع‌ترین فرودگاه کشور محسوب می‌شود.

درسی از زندگی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در طبیعت زیبا!

هواپیما به آرامی بر زمین می‌نشیند و ما شاهد هوای خنک و دل‌پذیر صبحگاهی یاسوج هستیم. مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد در میان دایره‌ای از ارتفاعات که پوشیده از برف، جنگل و تعدادی صخره بدون آب و علف هستند، محاصره شده است. هم‌نشینی مسالمت‌آمیز کوه و جنگل و دنا! آیا این درس زندگی نیست که زیبایی دنیا در تنوع اقوام، ملیت‌ها، فرهنگ، جغرافیا و تاریخ گوناگون آن است؟

فعالیت گروه از همان لحظه رسیدن و استقرار گروه در مرکز آموزشی و رفاهی فرهنگیان یاسوج واقع در حاشیه رودخانه معروف «بشار» آغاز می‌شود. **سیدامین ربانی نژاد**، نماینده مجلات رشد در استان، و همکاری در فرودگاه به استقبال آمده‌اند و حالا آقای اردوخانی اصرار دارد که هر چه زودتر کار را آغاز کنیم. من و اعضای گروه نگاهی به دکتر



همدانی می‌اندازیم و با مشاهده لبخند دکتر متوجه می‌شویم که بله! درنگ جایز نیست.

جلسه هماهنگی گروه برای آغاز کار شکل می‌گیرد و دکتر همدانی با حوصله به همه سؤالات پاسخ می‌دهد. پاسخ‌ها به گونه‌ای است که من کمتر و خانم خرقانیان بیشتر سؤال‌ها را تکرار می‌کنیم. تصمیم نهایی این است: «کار را آغاز می‌کنیم.» صحنه گفت‌وگو بهترین جا برای تصمیم‌گیری و ارائه بحث‌هایی است که مخاطب ما به آن علاقه‌مند است و حوزه کاری مجله رشد آموزش علوم اجتماعی را در بر می‌گیرد.

با معلمان دوست باشیم و حرفشان را صمیمانه بشنویم

هنوز صرف غذا به پایان نرسیده است که آقای اردوخانی میز و گروه را ترک می‌کند. لحظه‌ای بعد خوشحال و با انرژی بازمی‌گردد. خبرهای خوبی دارد. سرگروه‌های درس‌های گوناگون، از جمله سرگروه درس علوم اجتماعی در سالن حضور دارند. می‌گوید: «بچه‌ها آماده باشید! قید و بند‌های مصاحبه‌های رسمی و میکروفن و میز را فراموش کنید. اینها همه معلم هستند! هر کدام از اعضای گروه می‌تواند با چند معلم و سرگروه درسی صحبت کند.»

رضا معتمدی، عکاس گروه که علاوه بر عکاسی با عشق و علاقه‌ای که به کار دارد به نوعی دستیار گروه نیز هست و نکته‌سنجی‌ها و لطیفه‌هایش در اوج کار خستگی را از تن گروه به در می‌کند، می‌پرسد: «عکس چی؟ عکس بگیرم یا نه؟»

اما منتظر پاسخ و عکس‌العمل آقای اردوخانی نمی‌ماند. با دوربینش که از قبل آن را آماده کرده است، اولین عکس سفر را از چهره‌های مهربان و صمیمی معلمان یاسوجی می‌گیرد.

در کنار چهار نفر از معلمان و سرگروه‌های درس‌های علوم اجتماعی، ادبیات فارسی، زبان انگلیسی و مشاوره نشست‌ایم.

دکتر در جلسه هماهنگی گروه تأکید کرده است، که با معلمان راحت باشید. اجازه بدهید تا آنها شما را از خودشان احساس کنند. نگذارید صحبت‌ها رسمی و اداری شود. اجازه بدهید هر جا لازم است، مخاطب و طرف صحبت شما بحث را جلو ببرد. صمیمی باشید تا معلمان و دانش‌آموزان به شما اعتماد کنند و حرف بزنند؛ آن هم حرف دلشان را!

کاغذ از کاغذی که حرف حساب نمی‌زند مفیدتر است!

یاد صحبت‌های آقای **زاهدی مطلق**، مسئول سرویس «گزارش و گفت‌وگو»ی مجلات اختصاصی رشد می‌افتم. در جلسه هماهنگی قبل از سفر می‌گوید: «ببینید دوستان، کار



عهده آموزش و پرورش است و اگر در این زمینه می‌لنگیم، به این دلیل است که آموزش و پرورش وظیفه خودش را به درستی انجام نداده است.

**انسان زیور ساخت
توسعه اجتماعی،
فرهنگی، سیاسی
و اقتصادی**

جوامع است،

ولی می‌بینیم

استقبال ما از

فناوری‌های

جدید به گونه‌ای

بوده که سهم

انسان را به

حداقل کاهش

داده است

ادبیات ریز علی خواجهی

حسین فهمیده می‌تواند برای نسل جوان و نوجوان ما الگو و اسوه باشد و سرمشق نسل‌ها و عصرها قرار گیرد و این امر هم از طریق کتاب‌های درسی و نشریات رشد ممکن است. پس نتیجه می‌گیریم که ما در زمینه الگوسازی که امری مطرح در حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی است، رسالت‌های خودمان را انجام نداده‌ایم و از قدرت ادبیات در این زمینه بهره نبرده‌ایم.

معلم‌ها به حاشیه رفته‌اند!

از طرف دیگر، با ورود فناوری‌های جدید که باید آسان‌کننده آموزش و زمینه‌ساز توسعه دانش و علوم باشند، معلم‌ها به حاشیه رفته‌اند! من معتقدم که بعد از حمله مغول، پدیده‌های اجتماعی در جامعه ما عقیم متولد شده‌اند. استقبال ما از فناوری، اینترنت و رایانه سبب شد، پدیده‌های دیداری و شنیداری جدید سینما کنار بروند، روزنامه‌ها با استقبال کمتری روبه‌رو شوند و به همان میزان نقش معلم هم کم‌رنگ شود.

انسان زیور ساخت توسعه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع است، ولی می‌بینیم استقبال ما از فناوری‌های جدید به گونه‌ای بوده که سهم انسان را به حداقل کاهش داده است.

ما انسان‌ها را که سازنده هستند، به حاشیه راندیم و فناوری را که ابزار است، جای‌گزین انسان کردیم. به همین دلیل، امروز درس‌های علوم اجتماعی ما که مهارت آفرین و آداب محور نیستند، مورد استقبال و استفاده دانش‌آموزان

باید اصولی و درست باشد. تهیه گزارش و انجام مصاحبه و گفت‌وگو تعریفی دارد که نباید آنها را فراموش کنیم. به نظر من کاغذ سفیدی که هنوز به یک صفحه مجله و روزنامه تبدیل نشده، از صفحه نشریه‌ای که مطالب بی‌ربط و فاقد منطق لازم را در خود جای داده، بارزتر است. آن کاغذ سفید را می‌توان به کودکی داد تا روی آن نقاشی بکشد، ولی مطلب تولیدشده بی‌محتوا، همین حداقل فایده را هم نخواهد داشت!»

یا علی از تو مدد! دست به کار می‌شویم! هیچ تمهید خاصی برای گفت‌وگوها صورت نگرفته است. کم‌کم احساس ناخوشایند اولیه در وجودمان به حسی از جنس نشستن معلمان در دفتر مدرسه در زنگ تفریح تبدیل می‌شود. اصراری به طرح سؤال نداریم. صحبت از استان سرسبز کهگیلویه و بویراحمد است. معلم مهربانی که سرگروه ادبیات است، می‌گوید: «خوب زمانی به این استان سفر کرده‌اید؛ اینجا در فصل اردیبهشت، بهشت است!»

حرف دل معلمان با رشد آموزش علوم اجتماعی

یخ رابطه‌ها شکسته شده است. از آقای بهمنی، سرگروه درس علوم اجتماعی، می‌پرسم: «معلمان در مورد کتاب‌های علوم اجتماعی و مطالعات اجتماعی چه نظری دارند؟» به روبه‌رو اشاره می‌کند و می‌گوید: «آقای محنایی شما جواب بدهید.»

تعجب می‌کنم، چرا این طوری شد؟! انتظارم زیاد طول نمی‌کشد. ادامه می‌دهد: «آقای محنایی سرگروه درس ادبیات فارسی بزرگ‌تر جمع هستند و باید گفت‌وگو را ایشان آغاز کنند.» و ایشان این‌گونه سخن خود را آغاز می‌کند:

در زمینه هنر و ادبیات در جهان حرف برای گفتن داریم

محنایی: محسن محنایی، دبیر ادبیات هستم. مدرک تحصیلی‌ام فوق‌لیسانس ادبیات فارسی است. من معتقدم که ما در زمینه ادبیات و هنر می‌توانیم در جهان حرف داشته باشیم. وقتی از رییس دانشگاه الازهر مصر سؤال می‌کنند: با آنکه سابقه تاریخی مصر از ایران بیشتر است، چرا ایران از نظر فرهنگی و ادبی در جهان مشهورتر است؟ می‌گوید: «ایرانی‌ها شخصیت‌هایی مثل فردوسی و کتابی مثل شاهنامه دارند که ما نداریم.» شاعر می‌گوید:

هر آنچه روح ایرانی در آن نیست

خوش آهنگ و دل‌انگیز و روان نیست

این شکوه و روح‌انگیزی و دل‌انگیزی در هنر و ادبیات

ایران وجود دارد.

احساس می‌کنم چند سالی است که ادبیات در ایران آنچنان که باید با اقبال عمومی روبه‌رو نیست. این رسالت بر

در این استان دانش‌آموزان با گذشته غنی خود آشنایی ندارند

دانش‌آموزان استان با گذشته غنی خود آشنایی ندارند، چون کتاب‌های درسی ما چنان که شایسته است، به این حوزه مهم نپرداخته‌اند. گوشه گوشه این استان مملو از آثار باستانی و نشانه‌های تاریخی و تمدنی است، ولی افسوس که فرزندان ما به جز فرصت‌های تفریحی و گردشی که آن هم زیاد نیست، سروکاری با این آثار ندارند. حتی گاهی هم به دلیل کم‌توجهی بزرگ‌ترها، به تخریب این آثار ارزشمند دست می‌زنند. پیرامون چشمه‌ها، تفرجگاه‌ها و مراکز دیدنی ما مملو از زباله‌هایی است که در هر بار آمد و رشد مردم انبوه‌تر شده‌اند و چهره این محیط‌های زیبا را زشت و ناپسند کرده‌اند. آیا فرزندان ما در جایی غیر از محیط کلاس و خانه و از طریق غیر از کتاب‌های درسی و مجلات کمک‌آموزشی باید با این اصول آشنا شوند؟ فرزندان ما توان برقراری ارتباط با فرهنگ و زبان معیار نسل‌های گذشته را ندارند و نسل‌های بعدی باید تاوان این گسستگی نسلی را بدهند.

رشد: چه باید کرد؟

محنایی: بچه‌های هر استان باید با فرهنگ غنی استان خود آشنا شوند و همه بچه‌های ایران هم اطلاعات جامعی از کشور خود داشته باشند. برای مثال، استان کردستان یکی از استان‌های غنی ایران است، ولی بچه‌های کردستان از گذشته تاریخی و ریشه‌های فرهنگی خود آن‌طور که شایسته است، بی‌خبرند. سایر استان‌های کشور همین وضعیت را دارند.

فرهنگ کلی ایرانی و اسلامی از همین خرده‌فرهنگ‌ها تشکیل می‌شود و اجتماع این اجزاست که فرهنگ اصیل ما را شکل می‌دهد. به نظر من درس علوم اجتماعی در نقش آفرینی در این زمینه وظیفه مهمی بر عهده دارد. در این بین شاید نقاط ضعف و نامناسبی هم وجود داشته باشند، ولی قطعاً و یقیناً فرهنگ‌های برتر و اصیل‌تر در درازمدت این ضعف‌ها و اشکالات را پوشش می‌دهند و از بین خواهند برد. شاهنامه هزار سال پیش گفته و نوشته شده است و با اینکه سسند هویتی فرهنگ ایرانی است، جوان امروزی ما از آن هیچ نمی‌داند.

یک غفلت تاریخی آموزش و پرورش

من اعتقاد دارم در یک غفلت تاریخی آموزش و پرورش به این موضوع بی‌توجه بوده است و ما و شما که امروز مسئولیت تربیت نسل حاضر را بر عهده داریم، باید تا آنجا که ممکن است این عقب‌ماندگی را جبران کنیم. البته مجامع



و به تبع آن مورد اقبال معلمان قرار نمی‌گیرند. درس علوم اجتماعی و مطالعات اجتماعی باید فرزندان ما را برای ورود به جامعه و بر عهده گرفتن نقش در جامعه آماده کند، ولی با ملاحظه کتاب‌های درسی و صحبت با همکارانمان متوجه می‌شویم که این گونه نیست. همان حکایت حافظه محوری و دروس نظری در این خصوص هم‌چنان ادامه دارد.

رشد: سهم کتاب‌های درسی در آموزش آداب و مهارت‌های زندگی چیست؟

محنایی: من از شما می‌پرسم: شما خودتان تا چه حد مهارت‌های گفت‌وگو و معاشرت را از کتاب‌های درسی آموخته و فرا گرفته‌اید؟ در کدام کلاس درس ما، مهارت ارتباط با دیگران به طور مؤثر یاد داده می‌شود؟

رشد: تحلیل شما از این اوضاع در ارتباط با استان کهگیلویه و بویراحمد چیست؟

محنایی: ما در حوزه ادبیات اجتماعی و فرهنگی، از نظر باورها و فرهنگ شفاهی در استان دارای گنجینه‌ای غنی هستیم. به نظر من ادبیات همه چیز است. در خاطره تاریخی ما، ضرب‌المثل‌ها، قصه‌ها و فرهنگ ریشه‌دار ایرانی ثبت شده است. ما می‌گوییم: «اگر را کاشتند سبز نشد» که همان ضرب‌المثل **مولوی** است که می‌گوید: «در اگر نتوان نشست». ضرب‌المثل‌های فراوانی هستند که از زبان ما وارد زبان فارسی شده است. در حال حاضر هم اگر کسی بخواهد لغت‌نامه بنویسد، برای پیدا کردن لغت‌هایی که ریشه‌های اصیل داشته باشند و به فارسی غنی باستان می‌رسند، باید به این استان مراجعه کند. البته ما در ثبت و ضبط این نشانه‌های شکوه اسلامی و ایرانی غفلت کرده‌ایم و بسیاری از این نشانه‌های اجتماعی و فرهنگی در کوه و دشت و دمن این استان در حال نابودی هستند. اگر این داشته‌ها و گنجینه‌های غنی فرهنگی و اجتماعی از بین بروند، ارتباط فرهنگی و اجتماعی نسل حاضر با نسل‌های گذشته و آینده قطع خواهد شد.

فرهنگی و خانواده‌ها هم در این زمینه مسئولیت‌هایی دارند که در صورت بی‌توجهی آنها، آموزش و پرورش به تنهایی قادر به انجام این کار نیست.

این گسست نسلی و شکاف هویتی باید با دست به دست هم دادن تمامی اجزای مسئول در حوزه‌های تربیتی، اجتماعی و فرهنگی برطرف شود. البته کار فرهنگی و برطرف کردن ضعف‌های اجتماعی به زمان نیاز دارد و باید با برنامه‌ریزی، صبر و متانت انجام شود. نباید به فکر کارهای موقتی باشیم. باید در کارمان مداومت داشته باشیم تا نتیجه بگیریم.

رشد: خب آقای بهمنی! حالا که بزرگ‌ترها صحبت کردند، شما هم نظرتان را بگویید.

بهمنی: از شما و همکاران محترمان که این فرصت را در اختیار ما قرار دارید، متشکرم. مدرک تحصیلی من فوق لیسانس جامعه‌شناسی از دانشگاه اصفهان است و چند سالی سرگروه بوده‌ام. ما در حوزه علوم اجتماعی بحثی زیر عنوان «مهارت‌های زندگی و مهارت‌های اجتماعی» داریم. دانش‌آموزان از دوره‌های ابتدایی و راهنمایی و سپس در دبیرستان، مهارت‌هایی مثل نظم، احساس مسئولیت، همکاری، احترام به حقوق دیگران، قدرت نه گفتن و مهارت‌هایی از این دست را فرا می‌گیرند. به نظر من اگر این مهارت‌ها را به خصوص در دوره راهنمایی فرا بگیرند، خواهند توانست از آنها در طول زندگی فردی و اجتماعی خود و در خدمت به اجتماع بهره بگیرند و عضوی مسئول و مفید برای جامعه خود باشند.



چرا به آن چه می‌گوییم عمل نمی‌کنیم؟

در حال حاضر در خصوص مهارت‌ها و آداب زندگی آموزش‌هایی را به دانش‌آموزان ارائه می‌کنیم، ولی متأسفانه در عمل خیلی مقید به اجرای آنها نیستیم. فرض بفرمایید؛ ما در خصوص نظم و لزوم رعایت نظم و انضباط صحبت می‌کنیم، ولی خودمان در کارهایی که در مقابل چشمان حیرت‌زده دانش‌آموزان انجام می‌دهیم، نظم را رعایت نمی‌کنیم و اعمال و رفتارمان بیشتر بر مدار بی‌نظمی و ترک قانون و مقررات می‌چرخد.

پس موضوع مهم فقط کتاب درسی و دیگر منابع

آموزشی نیست و معلمان و کادر مدیریتی، آموزشی و اجرایی مدرسه و مهم‌تر از آن آدم‌های پیرامون دانش‌آموزان باید به آن چه آموزش داده می‌شود، مقید باشند تا این آموزش‌ها اثر بگذارند. در جامعه‌ای که قبح پرحرفی از بین رفته باشد، تدریس درسی که حرفی را منع می‌کند، دانش‌آموز را با تناقض و تضاد روبه‌رو می‌سازد که: «چرا چیزی می‌گویید که خودتان به آن عمل نمی‌کنید؟!»

دوگانگی و گاهی چندگانگی بین رفتار، عمل و گفتار متولیان خانه، مدرسه و اجتماع، دانش‌آموز را به وادی سرگردانی و حیرانی می‌کشاند و تأثیر بسیاری از آموزش‌ها را از بین می‌برد.

رشد: آیا کتاب‌های علوم اجتماعی فارغ از اینکه به آنها عمل می‌شود و یا نمی‌شود، به لحاظ غنای محتوایی پاسخ‌گوی نیازهای دانش‌آموزان هستند؟

بهمنی: طی سال‌هایی که در گروه‌های آموزشی راهنمایی در خدمت معلمان محترم بوده‌ایم، این عزیزان از میزان ساعتی که به درس‌های علوم اجتماعی اختصاص پیدا کرده است، ناراضی هستند و این مدت زمان را برای این حجم از کتاب درسی مناسب نمی‌دانند. در همین زمینه در سال ۱۳۸۵ قرار بود درسی با عنوان «آداب و رسوم استان‌ها» به درس‌های علوم اجتماعی اضافه کنند که تاکنون چنین اتفاقی نیفتاده است. در واقع، برخی کتاب‌ها با توجه به ساعتی که به درس آنها اختصاص پیدا کرده است، حجم کمی دارند و در برخی درس‌ها این حجم بیشتر از ظرفیت ساعات درسی است و معلم مجبور می‌شود از بعضی مفاهیم با سرعت بگذرد.

رشد: آیا دانش‌آموزان موضوعات مطرح شده در کتاب‌های درسی را با علاقه‌مندی دنبال می‌کنند؟

بهمنی: ما در کلاس‌های علوم اجتماعی تأکید می‌کنیم که دانش‌آموز نباید این درس‌ها را فقط برای کسب نمره و رفتن به کلاس بالاتر بخواند، بلکه باید بکوشد برای زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی خود، آنها را بیاموزد و مهارت‌های لازم را فرا بگیرد.

دوگانگی و گاهی چندگانگی بین رفتار، عمل و گفتار متولیان خانه، مدرسه و اجتماع، دانش‌آموز را به وادی سرگردانی و حیرانی می‌کشاند و تأثیر بسیاری از آموزش‌ها را از بین می‌برد.

گاهی هم تفاوت‌ها و احياناً تضادهایی که بین آموزه‌های مدرسه، خانه و اجتماع وجود دارد، این آموزش‌ها را بی‌اثر می‌کند. دانش‌آموز در کلاس درس یاد می‌گیرد که به قانون احترام بگذارد، ولی در سطح جامعه گروه‌هایی تلاش می‌کنند با زیر پا گذاشتن قانون به خواسته‌های شخصی و خانوادگی خود برسند. حال چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا بچه‌ای که عبور با افتخار پدر را از چراغ قرمز شاهد است، در فردای خود فردی قانون‌گریز نخواهد شد؟ به نظر می‌رسد باید بحث آموزش آداب و مهارت‌های زندگی در تمامی مدرسه‌ها و دوره‌های تحصیلی گسترش یابد و ساعات خاصی نیز به این درس‌ها اختصاص پیدا کند تا هر دانش‌آموزی پس از ترک مدرسه، حداقل چند مهارت ضروری زندگی را آموخته باشد و با آداب و رسوم اجتماعی خود آشنا باشد.



رشد: آقای حسینی شما هم ضمن معرفی خودتان، نظرتان را در زمینه بحث‌هایی که تاکنون مطرح شد، بیان بفرمایید.

حسینی: با تشکر از حضور شما در این استان و بحث‌های خوبی که مطرح شد، بنده سید ذکریا حسینی، دبیر زبان انگلیسی شهر یاسوج و سرگروه این درس در استان هستم. مدرک تحصیلی‌ام لیسانس زبان انگلیسی است و در دوره راهنمایی تدریس می‌کنم.

در جامعه ما، نگاه آموزشی و اجتماعی به درس زبان انگلیسی نگاه درستی نیست. به هر صورت زبان انگلیسی، به عنوان زبان بسیاری از کشورهایی که ما با آنان مراوده داریم، مطرح است و یاد گرفتن آن به دانش‌آموزان کمک می‌کند در آینده که با گسترش فناوری‌های جدید، زبان انگلیسی

نقش بیشتری هم پیدا خواهد کرد، مشکل کمتری در کاربرد آن داشته باشند.

متأسفانه این نگاه و نظر بین دانش‌آموزان وجود دارد که چه ضرورتی است ما زبانی را که زبان کشورهای استعمارگر و سلطه‌جوست، فرا بگیریم. البته شاید بخشی از این حرف ناشی از آن است که می‌خواهند شانه از زیر بار این درس خالی کنند، ولی در هر صورت وجود چنین زمینه و تفکری که ریشه در مسائل اجتماعی و فرهنگی دارد، مانع بزرگی بر سر راه تدریس این درس است. به هر حال، پیشرفت‌های گوناگون در زمینه علم و اهمیت و جایگاهی که زبان انگلیسی در این خصوص دارد، ما را ناچار می‌سازد که برای همراهی و هم‌گامی با کاروان علم و دانش، در آموختن این زبان کوشا باشیم.

از سوی دیگر، ضروری است که در مناطق چندزبانه نوعی آسیب‌شناسی در مورد درس زبان انگلیسی و موانع خاص منطقه‌ای که بر سر راه تدریس و یادگیری این درس وجود دارد، به عمل آید. در استان کهگیلویه و بویراحمد هم به دلیل گویش‌های متفاوتی که وجود دارند، نیازمند این آسیب‌شناسی هستیم. باید تأثیر یادگیری و میزان دانستن زبان فارسی بر یادگیری زبان انگلیسی مورد سنجش قرار گیرد و براساس نتایج به دست آمده، تغییرات لازم در خصوص برنامه‌ریزی و تدریس درس زبان انگلیسی صورت پذیرد.

۱۲ سالگی برای آموختن زبان دوم سن مناسبی نیست

ما در این استان قطعاً نیاز داریم که ابتدا زبان فارسی را به طور کامل و اصولی به دانش‌آموزان بیاموزیم تا آموزش‌های بعدی آنان در خصوص زبان انگلیسی، به خوبی و به سهولت صورت گیرد. دانش‌آموزان ما در حدود هفت‌سالگی وارد مدرسه می‌شوند و آموختن زبان فارسی را آغاز می‌کنند، ولی آموزش زبان انگلیسی از دوره راهنمایی و در حدود ۱۲ سالگی آغاز می‌شود. این سن اساساً برای آموختن زبان دوم مناسب نیست. کما این که شما ملاحظه می‌کنید، در جاهایی که پدر و مادرها آگاهی و دست‌رسی لازم را دارند، فرزندان خود را از همان سنین دبستان برای آموختن زبان دوم به آموزشگاه می‌فرستند. معمولاً این دانش‌آموزان پیشرفت خوبی را هم در زمینه آموختن زبان دوم از خود نشان می‌دهند.

از سوی دیگر، در همین سنین بچه‌ها ملزم هستند که زبان عربی را هم یاد بگیرند و شما ملاحظه می‌کنید که آموزش سه زبان متفاوت به طور هم‌زمان (و در حالی که آموزش یکی از آنها از اولین سال‌های تحصیل آغاز شده است) برای دانش‌آموز مشکل‌ساز می‌شود.

مجله رشد آموزش علوم اجتماعی باید نگاهی عمیق تر به مشکلات داشته باشد

در شرایط کنونی، وجود فاصله‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بین شهرهای توسعه یافته و کمتر توسعه یافته در زمینه یادگیری و آموزش زبان، فاصله‌ای را بین آموخته‌های دانش‌آموزان این مناطق به وجود آورده است. همان‌طور که اشاره کردم، در شهرهای بزرگ امکاناتی وجود دارند که در یادگیری و ماندگاری آموزش زبان انگلیسی مؤثر هستند. البته فقط بحث امکانات اقتصادی و مادی نیست، بلکه نگاه و نگرش پدر و مادرها هم در این زمینه بسیار مؤثر است. در حالی که در شهرهای بزرگ خانواده‌ها خود به دنبال کلاس‌های آموزش زبان هستند، در شهرهای کوچک‌تر، پدرها و مادرها در مقابل خواسته‌های فرزندان خود در این زمینه مقاومت می‌کنند. شما در مجله رشد علوم اجتماعی می‌توانید نگاهی عمیق‌تر به این مشکلات داشته باشید و به آگاهی‌دهی عمومی بپردازید.

فناوری‌های جدید می‌توانند تأثیر زیادی در آموزش بهتر و مؤثرتر زبان انگلیسی داشته باشند

موضوع دیگر بحث روش‌های گوناگون تدریس زبان انگلیسی است. به دلیل اینکه زبان انگلیسی یک زبان بین‌المللی است، استفاده از این فناوری‌ها می‌تواند تأثیر زیادی در آموزش بهتر و مؤثرتر آن داشته باشد. با این حال، در شهرهای کوچک که استفاده از این امکانات کمتر امکان دارد، عملاً فناوری‌های جدید تأثیر زیادی در یادگیری و توسعه زبان انگلیسی ندارند و مردم نتوانسته‌اند از این امکان آن‌گونه که شایسته است، استفاده کنند.

آیا مؤلفان کتاب‌های درسی به واقعیات و تفاوت‌ها توجه دارند؟

در همین زمینه سؤال من این است که «آیا مؤلفان کتاب‌های درسی به این واقعیات و تفاوت‌ها و اختلاف امکانات در تألیف کتاب‌های درسی توجه دارند؟» در جلسات نقد و بررسی کتاب‌های زبان انگلیسی هم همکاران همیشه اظهار داشته‌اند که کتاب‌های موجود بار محتوایی لازم را ندارند. کتابی که ۳۰ سال پیش نوشته شده، با وجود اصلاحات احتمالی‌ای که در آن صورت گرفته است، جواب‌گوی نیازهای امروز دانش‌آموزان نیست. خوب است که شما این مسائل و مشکلات را منعکس کنید.

مسائلی که باعث بی‌انگیزه شدن معلمان می‌شوند در طول سال‌های گذشته، جلسات نقد و بررسی زیادی

در استان‌ها و از جمله این استان با حضور معلمان برگزار شده‌اند، اما متأسفانه به دلایلی که خیلی برای ما روشن نیست، از این نقد و نظرها استفاده چندانی نشده است. دقت داشته باشیم که این بی‌توجهی‌ها باعث افت انگیزه و بی‌انگیزه شدن معلمان می‌شود. وقتی معلمان احساس کنند که جلسات نقد و بررسی فقط برای رفع تکلیف اداری برگزار می‌شوند، انگیزه زیادی برای شرکت فعال در این جلسات نخواهند داشت. ساعات در نظر گرفته شده برای درس زبان انگلیسی هم مناسب نیست. دانش‌آموز، به خصوص در سال دوم، یکبار به حجم انبوهی از اطلاعات و متن درسی مواجه می‌شود که اصلاً آمادگی و توان یادگیری آنها را ندارد. ساعات اختصاص داده شده به تدریس این درس با حجم مطالب آن تناسب ندارد و به زمان بیشتری نیاز است.

از سوی دیگر، تحولات شتابانی در آموزش و پرورش در راه است. از طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش صحبت می‌شود، در حالی که من به عنوان معلم رسمی این نظام، هنوز نمی‌دانم در طرح تحول بنیادین که قرار است به زودی مستقر شود، جایگاه، تکلیف و سهم درس زبان انگلیسی به چه میزان است. آیا در طرحی که از آن با عنوان طرح تحول بنیادین در آموزش و پرورش یاد می‌شود، از نظرات معلمان و کارشناسان زبده حوزه‌های گوناگون درسی، از جمله حوزه زبان انگلیسی، استفاده شده است یا نه؟ آیا به فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های سازنده فرهنگ اسلامی و ایرانی توجه شده است؟ آیا تنوع قومی و نیازهای بومی استان‌ها و ویژگی‌های اجتماعی استان‌ها مورد توجه قرار گرفته است؟ اگر پاسخ مثبت نباشد آیا چنین طرحی می‌تواند تحولی بنیادین در آموزش و پرورش ایجاد کند؟! نکند که بعد از دوره‌ای کوتاه، طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش به تغییر نظام آموزشی تقلیل پیدا کند!

رشد: ما در فرصت جداگانه با مراجعه به دست‌اندرکاران به پرسش‌های شما درباره ماهیت، کیفیت و هویت طرح تحول بنیادین پاسخ خواهیم داد. خب خانم علی‌پور، ضمن معرفی خودتان، لطفاً از آنچه در حوزه مشاوره در مدرسه شما می‌گذرد بگویید.

علی‌پور: **ثریا علی‌پور** و دارای مدرک کارشناسی مشاوره از دانشگاه تهران هستیم. در حال حاضر در منطقه «لوداب» خدمت می‌کنم. موضوع مشاوره در مدرسه‌های ابتدایی و راهنمایی حدود سه سالی است که در مدارس یاسوج جای خود را باز کرده است، اما در منطقه لوداب که حدود دو ساعت با یاسوج فاصله دارد، هنوز آن‌گونه که شایسته است جایی ندارد. انجام کار مشاوره در این مناطق با سختی‌های خاص خود همراه است و نیاز دارد که فرد مشاور از توانایی‌های ارتباطی و اجتماعی بالایی برخوردار باشد.

باید اعتماد بچه‌ها را جلب کنیم تا مؤثر باشیم

اولین گام و کلید نفوذ در دل بچه‌ها، کسب اعتماد و جلب توجه آنهاست. راه این نفوذ هم «راز داری» است. همه بچه‌ها باید مطمئن باشند که صندوقچه قلب مشاور مکان امن و قابل اطمینانی برای رازهای آنهاست. اگر این رازداری اتفاق نیفتد، کار مشاور عملاً به اموری مثل کارهای اداری و ارتباطات مدرسه‌ای تقلیل پیدا می‌کند و مشاور عملاً نمی‌تواند کار زیادی انجام دهد.

رشد: آیا شما خودتان این‌گونه هستید؟

علی‌پور: این را باید از دانش‌آموزان پرسید، اما من چون از اهمیت موضوع آگاهی دارم، می‌کوشم این‌گونه باشم؛ چون قصد دارم از توانایی و دانش خودم برای همراهی و همدلی با بچه‌ها استفاده کنم.

رشد: مشکلات اجتماعی و فرهنگی خاص منطقه شما که بچه‌ها با آنها روبه‌رو هستند، کدامند؟

علی‌پور: از آنجا که بچه‌ها و حتی خانواده‌ها اطلاعات چندانی درباره خدمات و اعتبار مشاوره ندارند، به سختی به مشاور اعتماد می‌کنند. در حقیقت، نبود فرهنگ اجتماعی بهره‌بردن از دانش و آگاهی کسانی که شغلشان باری کردن دیگران است، کار ما را سخت کرده است. دانش‌آموزی که از نزدیک‌ترین کسان خود آسیب دیده و مورد سوء استفاده قرار گرفته است، حق دارد به راحتی به من مشاور و یا هر فرد دیگری که حتی قصد کمک به او را دارد، اعتماد نکند.

نوع و ماهیت مشکلات دانش‌آموزان ابتدایی و راهنمایی متفاوت است

البته نوع و ماهیت مشکلات دانش‌آموزان ابتدایی و راهنمایی متفاوت است. دانش‌آموزان ابتدایی معمولاً زودتر با



معلم و مشاور خود دوست می‌شوند، ولی دانش‌آموزان راهنمایی به دلیل مسائل خاص دوران بلوغ، ویژگی‌ها و احیاناً مشکلات خاص خود را دارند و پاسخ‌های خاص خود را هم می‌طلبند. در میان این دانش‌آموزان، رفتارهای خاصی مانند گرایش به دوستان بیشتر دیده می‌شود و مسائلی مانند کسب هویت، گسست نسلی، گرایش به مد و مسائلی از این دست، چالش‌های خاصی را فراروی آنان، خانواده‌ها، مدرسه و به تبع آن، فراروی مشاوران قرار می‌دهد. اجتماع و آنچه در اجتماع می‌گذرد که به نوعی موضوع مجله رشد آموزش علوم اجتماعی هم هست، روی کار ما خیلی تأثیرگذار است. اگر اجتماع که شامل خانواده و رسانه‌هاست، با آموزش و پرورش و مدرسه همراه و هم‌زمان نباشد، هرچه ما رشته‌ایم، پنبه خواهد شد! من دانش‌آموزم را از مدگرایی منع می‌کنم، ولی تلویزیون ما اشاعه‌دهنده مدهای گوناگون است. چه کسی در این میان مسئول است؟ لطفاً شما این سؤال را دنبال کنید و به آن پاسخ بدهید.

رشد: به نظر شما چرا دانش‌آموزان ما مشکلات هویتی دارند و به گذشته خود و یا آنچه ما تجویز می‌کنیم، کمتر توجه دارند؟ اساساً شما چنین مسئله‌ای را قبول دارید؟

علی‌پور: در اینکه نسل حاضر آن‌گونه که شایسته است، گذشته، تاریخ و فرهنگ تمدنی خود را نمی‌شناسد، شکی نیست، ولی سؤال اصلی این است که ما چه کرده‌ایم که چنین اتفاقی افتاده است؟

به نظر من در درجه اول خانواده‌ها در این زمینه نقش خیلی مؤثری دارند. آنها اگر گذشته و تاریخ خود را خوب بشناسند و قدرت انتقال آن را به فرزندان خود داشته باشند، می‌توانند احساس هویت و شخصیت مستقل را در فرزندان خود تقویت کنند. در این صورت مدرسه زمینه مناسب‌تری برای تقویت این حس هویت و استقلال فرهنگی در اختیار خواهد داشت. در استان ما کودکان فراوانی هستند که تفاوت سنی آنها با پدر و مادرشان زیاد است. همین فاصله سنی و تفاوت نسلی باعث شده است که زبان مشترکی بین آنها وجود نداشته باشد. نوجوان و جوان احساس می‌کند هویتش گم شده است، چون می‌بیند پدر و مادرش به گونه‌ای دیگر فکر و رفتار می‌کنند. گاهی انتظارات جامعه به گونه‌ای است که او از وجود و داشتن چنین پدر و مادری به دلیل رفتار خاص آنها، احساس حقارت می‌کند و خجالت می‌کشد (من دانش‌آموزی ۱۳ ساله دارم که سن پدرش ۷۰ است).

جمع‌بندی صحبت من این است که گرچه معضلات اجتماعی و فرهنگی کار ما را در مدارس خیلی سخت کرده‌اند، اما با علاقهای که به کارمان داریم و با دوستی و محبتی که بین ما و دانش‌آموزان وجود دارد، با مشکلات می‌جنگیم و سعی می‌کنیم، کاری را که مسئولیت آن را پذیرفته‌ایم، به درستی انجام دهیم؛ ان‌شاءالله.

هراسان از این اتاق به آن اتاق می‌دویدم. چندین بار از خانم پرستار شمارهٔ اتاق را پرسیدم ولی اصلاً صدایش را نمی‌شنیدم. پس کجاست؟ چرا پیدایش نمی‌کنم؟ دستی که شانهم را گرفت، باعث شد کمی مکث کنم. مادرش بود. صدایم کرد: خانم رضایی! برگشتم با ناراحتی پرسیدم کجاست؟ چشم‌های پر از اشکش مرا به سوی تخت او راهنمایی کرد. باورم نمی‌شد! چند بار از جلوی این اتاق رد شده بودم، ولی نشناخته بودمش. خدای من! بچه، چه بر سر خود آوردی؟ این چه کاری بود که کردی؟ چشم‌هایم را بسته بود انگار دیگه نمی‌خواست چیزی را ببیند. با تمام دنیا قهر کرده بود. حتی وقتی صدایش کردم، جوابم را نداد. عکس‌العملی هم نشان نداد. تمام روزهایی که شاگرد من بود، به یکباره از جلوی چشمم گذشتند.

سالی که شاگرد من بود، دومین بار بود که کلاس اول را می‌خواند همکارم اول سال از من پرسید: «فلانی تو کلاس تو افتاده؟» گفتم: بله.

گفت: «خدا به دادت برسد! پس امسال حسابی گیر افتادی.»

سر کلاس وقتی درس می‌دادم و سؤالی از بچه‌ها می‌پرسیدم، هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌داد. یا به دور دست‌ها خیره می‌شد و یا سر به زیر می‌انداخت و هیچ حرفی نمی‌زد. از انجام تکالیف نیز سر باز می‌زد. به این نتیجه رسیدم که اگر بخواهم بیش از این از بچه‌های دیگر عقب نیفتد، باید اشکال کار را پیدا کنم. برای این که قفل دهان او را باز کنم، از کلید توجه و محبت استفاده کردم. کوشیدم برایش وقت بیشتری بگذارم؛ تمام زنگ تفریح و حتی ساعت‌های اضافهٔ بعد از مدرسه!

در ضمن تلاش برای آموزش او، با خانواده‌اش نیز ارتباط برقرار کردم و خواستم از نظر سلامت جسمی و روحی نیز بررسی شود. متأسفانه شاگرد من دیرآموز تشخیص داده شد، ولی من دست از تلاش برنداشتم. فکر کردم که حداقل او باید شمارش اعداد را یاد بگیرد. بعد از امتحان روش‌های متفاوت به این نتیجه رسیدم که هیچ‌گونه روش مستقیم آموزشی در مورد او کاربرد ندارد و باید به سراغ روش‌های غیرمستقیم بروم. خوشبختانه این روش جواب داد و من توانستم اعداد را کم‌کم به او آموزش دهم. همین روش را در مورد حروف الفبا نیز به کار بردم و بالاخره توانست کلاس اول را پشت سر بگذارد. آن شاگرد منزوی روزهای نخست، حالا به شاگرد پرتلاشی تبدیل شده بود که سعی می‌کرد از دیگران عقب نماند. آن سال معلمی برای من مفهوم دیگری پیدا کرده بود و تازه فهمیدم، توجه به روحیهٔ دانش‌آموزان در حین آموزش یعنی چه!

سال تحصیلی جدید شروع شد و شاگرد من به پایه بالاتر رفت. معلم آن کلاس خیلی وقت و حوصلهٔ سروکله زدن با شاگرد مرا نداشت. زمزمهٔ دانش‌آموز خنگی که حوصلهٔ کلاس و معلم را سر می‌برد، کم‌کم در هر زنگ تفریح شنیده می‌شد. شاگردم را می‌دیدم که دوباره منزوی و ناراحت در گوشه‌ای از حیاط مدرسه می‌ایستد.

مشغلهٔ سال تحصیلی جدید از یک طرف و ترس از متهم شدن به دخالت در کار معلم پایهٔ دیگر باعث شد که او را رها کنم و حالا او در مقابل من ساکت و آرام بی هیچ شکایتی از رها شدن، روی تخت بیمارستان افتاده بود. دلش آن قدر از توهین‌های بی‌شمار سوخته بود که تصمیم گرفته بود زنده نباشد تا شاید از تحقیرهای مداوم رها شود.

متأسفانه تلاش‌های پزشکی برای حفظ جان او

نتیجه‌بخش نشد. او این سؤال را برای من ایجاد کرد:

«چه کسی مقصر است؟ من که رهایش کردم، معلم

سال بعد و یا کاستی‌های نظام آموزشی؟»

یک تجربه

چه کسی
مقصر است؟

زهرا رضایی

معلم پایهٔ اول دبستان، یاسوج



گفت‌وگویی صمیمی با عطا طاهری، نویسنده کتاب کوچ کوچ

گفت‌وگو برنامه ضرورت حیات کوچ‌روها ریزی

محمود اردو خانی

اشاره

پذیرفت. با گفت‌وگویی ساده ما را به داخل دعوت کردند. در آن خانه به دور از هر نوع وسایل لوکس و تجملاتی دست و پاگیر بود. دورتادور اتاق، پشتی‌های لاک‌رنگ نمایش دل‌نشینی داشتند. آقای طاهری منزل نبودند. با ایشان تماس گرفتند، به ما گفتند مهمانی هستند، اما تا ۱۵ دقیقه دیگر خودشان را می‌رسانند. نمی‌دانستیم منتظر چه تیپ شخصیتی هستیم. تا این‌که پیرمردی بلندقامت، بسیار صمیمی و باوقار و دارای جذابیتی پدرا نه وارد شد. در خانه‌اش، ما او را به جمع خودمان پذیرفتیم. بعد از گپ و گفت و تعارفات صمیمانه، مدیر اجرایی «رشد علوم اجتماعی» مجلات رشد را به ایشان معرفی کردند و اهداف آنها را به طور عمومی و اهداف «رشد علوم اجتماعی» را به طور ویژه برایشان شرح دادند. در ادامه، متوجه شدیم آقای عطا طاهری که در مرز ۸۰ و چند سالگی بود، عمل جراحی قلب داشته‌اند.

آقای طاهری به ما خیرمقدم گفتند و اظهار داشتند: یک زمان تهران بدنام بود، نمی‌دانم خوش‌نامش کرده‌اند یا نه. ایشان عشایر را هم قسمتی از جامعه ایران دانستند که به نام «کوچ‌گر» می‌خواندند و شهری‌ها آنها را خانه به دوش نام گذاشته بودند که با دام حرکت می‌کنند اما حالا ما عشایر خودمان هم شهری شده‌ایم و پایه‌پای شما حرکت می‌کنیم.

کی عطا طاهری، از بزرگان ایلات کهگیلویه و بویراحمد است. پیرمردی جوان‌دل که می‌گوید جز انتقاد کردن به من چیزی نیاموخته‌اند. ماجرای دیدن او را در گزارش گونه‌زیر آورده‌ایم. اما آن چه برایمان جالب بود، دیدگاه‌های او بود که ما را با تاریخ مردم عشایر همبسته‌تر کرد. او زبان آلمانی را به خوبی می‌داند و از نوشته‌هایش که در کتاب کوچ کوچ دیده می‌شود، می‌توان این موضوع را دریافت. او هشتاد و اندی سال دارد و در بسیاری از وقایع و ماجراهای درگیری **رضاخان** و فرزندش با ایلات و عشایر بوده است.

عطا طاهری بازنشسته آموزش و پرورش است. سال‌ها در دوره‌های گوناگون تحصیلی تدریس کرده است و اکنون با فرزندان و نوه‌های خود در یک خانه شهری که حال و هوای عشایری دارد، زندگی می‌کند. با او از هر دری سخنی گفته‌ایم. ملاحظه کنید.

نشانی **عطا طاهری** را از یک معازة لوازم‌التحریر فروشی گرفتیم و با گروه بدون هماهنگی قبلی به محل سکونت ایشان رفتیم؛ خانه‌ای قدیمی و سنتی و مسقف به شیروانی. درب حیاط بسته نبود. با چند بار در زدن اهالی خانه را متوجه حضور خود ساختیم نمی‌دانستیم چه جوابی به ما خواهند داد. اما دل‌مان گواهی می‌داد که این خانه ما را خواهد



○ آقای طاهری، قدری در مورد ایل‌ها و طایفه‌های استان بر ایمان بگویید.

● اینجا در گذشته فقط به نام کهگیلویه بود و شش ایل داشت: ایل بویراحمد؛ ایل بهمینی، ایل باشت بابویی؛ ایل طیبی؛ ایل دشمن زیاری؛ ایل چرام. حدود ۱۰۰ سال پیش، یک ایل بزرگ هم به نام «ایل نویی» داشتیم که در بویراحمد ادغام شد. قسمتی از ایل قشقایی هم در زمستان در کهگیلویه و بویراحمد از خدمات شهری و روستایی استفاده می‌کنند.

○ لطفاً در مورد تشکل ایل‌ها و طبقه‌بندی آنها توضیح دهید.

● هر ایل متشکل است از تیره‌هایی. ابتدا تیره است، بعد طایفه، بعد اولاد یا تشت یا دهه، بعد از آن مال یا آبادی و بعد از آن بوم یا چادر سیاه یا خانه این تشکیلات یک ایل است. در اواخر دوره قاجار، استعمارگر انگلیس برای تسلط بر تفت جنوب شکستن قدرت ایل‌ها که در مقابل حکومت مرکزی می‌ایستادند، رضاشاه را آوردند و ایلات را سرکوب کردند. آنها ایلات را قدرت فئودالی قلمداد می‌کردند و می‌گفتند می‌خواهیم اینها را متمدن و شهرنشین کنیم برای این کار برنامه علمی و صحیح وجود نداشت، لذا با زور و در تنگنا قرار دادن عشایر با نام «تخت قاپو» و مانند، عشایر را در گرمسیر یا سردسیر در خانه‌های تنگ و تاریک و بدون پنجره قرار دادند. دام‌هایشان را از بین بردند و بزرگ‌ترین ضربه انسانی را بر پیکره جامعه انسانی ایرانی وارد کردند.

در آن زمان شهری‌ها هم مجری فرمان‌های حکومت بودند. در زمان پهلوی دوم برای مبارزه با روشن‌فکران و تحصیل کرده‌های شهری و به سبب ترس از قیام آنها، اجازه ندادند عشایر به شهری و شهرنشینی نزدیک شوند. آنها را برای سرکوب روشن‌فکران و تحصیل کرده‌های شهری نگه داشتند. اما عشایر به دلیل آگاهی و فرهنگ بالایی که داشتند، به مقاصد آنها تن ندادند. تا اینکه انقلاب اسلامی پیروز شد. در یک سخنرانی در شیراز به شیرازی‌ها گفتم ما تحصیل کرده و باسواد زیاد داریم، آنها را به کار بگیرد. عشایر و جوانان باسواد ما شهرنشین شدند.

○ جناب طاهری در مورد آداب و سنن عشایر و ایلات بگویید.

● بنده در مورد فولکور و تاریخ ذوق نداشتم یا نمی‌خواستم درباره آنها بنویسیم. فکر کردم چیزهایی را بنویسم که واقعیت داشته باشند. تصمیم گرفتم، آنچه را که قبل از انقلاب در بویراحمد دیدم، بنویسم. کتاب کوچ کوچ را تا زمان سقوط مصدق نوشته بودم که در اثر اشتباهاتی کتاب‌خانه‌ام را بردند. نامه‌ای به امام (ره) نوشتم و ایشان دستور دادند که کتاب‌خانه فوراً برگردانده شود. بعد اما دیگر آن ذوق را نداشتم. رسیده بودم به اصلاحات ارضی و این که چه ضررهایی دارد، اما ماند.

در زمان پهلوی دوم، در محله‌ای که بیش از ۱۰۰ نفر از نخبگان و تحصیل کردگان حضور داشتند. مسائل و عشایری را که در چادرهای سیاه زندگی می‌کردند، گفتم. اما چند نفر مخالف بودند و لذا نگذاشتند موضوع در رسانه‌ها مطرح شود، اما فتوکپی مطالبی را که مطرح کرده بودیم به خودمان دادند.

○ آقای طاهری، به عنوان دارنده کتاب‌خانه‌ای قدیمی که ۵۲ سالگی آن را با جوانان و دانشجویان جشن گرفتید، نظر تان را بفرمایید.

● من از اینکه وظایف عادی‌ام را انجام داده‌ام و اینقدر مورد توجه واقع می‌شود، متعجب می‌شوم. چرا مردم وظایفشان را انجام نمی‌دهند؟!

○ در مورد آموزش و پرورش عشایر و وضعیت فعلی آن بگویید.

● حالا دیگر همه شهری شده‌ایم. از عشایر عده کمی مانده‌اند، آن هم برای اینکه بی‌کار نشوند. فرهنگ و آموزش دیگر یکنواخت شده است. در گذشته لازم بود که در کتاب‌های درسی، امور فرهنگی و منطقه‌ای عشایر بیاید و جزو مسائل خاص بود. اما حالا دیگر فرهنگ همه نزدیک به هم و همه شهری شده‌اند.

○ به نظر شما یکجانشینی عشایر خوب است یا خیر؟
● یکجانشینی زندگی را بهتر می‌کند و زحمت را کمتر. اما

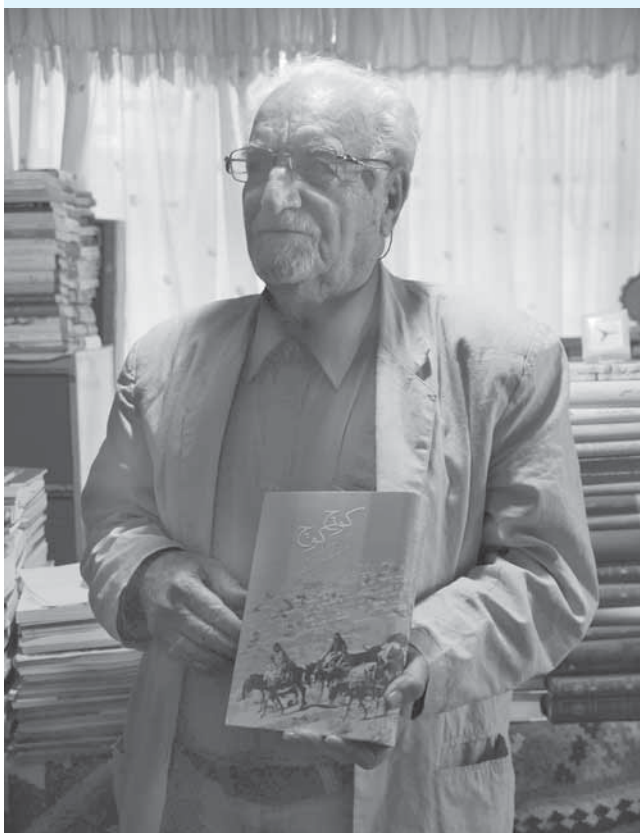
معرفی کتاب

کوچ کوچ

○ نویسنده: عطا طاهری ○ ناشر: سخن

○ سال نشر: ۱۳۸۸ ○ حجم: ۶۶۹

نویسنده کتاب کی، عطا طاهری، خود از فرهیختگانی است که عمری طولانی را در این سرزمین و در میان عشایر گذرانده است. در میان آنان متولد شده و زندگی کرده است و چه در دوره طاقوتیان پهلوی و چه در دوره نظام عدل اسلامی ایران از حقوقشان دفاع کرده است. عطا طاهری جداً قلمی شیوا و روان دارد. در عین حال محتوایی را برگزیده که در هیچ کتابی نمی‌توان نظیر آن را یافت. البته او از سبک جدیدی که در خاطره‌نویسی تاریخی به وجود آمده، بهره گرفته است. توضیح مختصر آنکه تاریخ ایران در واقع تاریخ شاهان، درباریان، حاکمان و والیان بوده است اما در حال حاضر کتاب‌هایی که رنگ و بوی تاریخی دارند، عمدتاً تاریخ مردم و از زبان مردم هستند. کوچ کوچ نیز از جمله این کتاب‌هاست.



برای دگرگونی یک جامعه به برنامه‌ریزی علمی، اجتماعی و انسانی خاص خودش نیاز است، نه اینکه هم انسان‌ها و هم اقتصادشان را از بین ببریم. در استرالیا و اروپا، عشایر دام‌ها را به کوه‌ها می‌برند. چوپانان به وسیله دستگاه‌ها و رایانه درس می‌خوانند و مریض که می‌شوند، از طریق روش‌های مدرن آنها را مداوا می‌کنند، نه مثل رضاشاه که مردم را در زندان می‌کشت.

○ نظر تان را در مورد استفاده از فناوری توسط عشایر در دوره جدید بفرمایید.

● امروز اگر کسی در مورد چیزهای گذشته که درست بوده و هستند و کاربر دارند صحبت کند، می‌گویند در قدیم مانده یا عاشق عقب افتادگی است؛ از تمدن بیزار است. این نوع برخورد و نگرش باعث می‌شود که رفتارهای درست ما از بین بروند. فناوری برای عشایری که شهر را دیده‌اند، باید همراه با قوانین آن باشد. اینکه یک کودک هشت یا ده ساله، به دلیل سرمایه‌دار بودنش پشت فرمان اتومبیل بنشیند، درست نیست. فناوری زحمات را کم کرده است و استفاده از آن در کشت و دام درآمد را بیشتر می‌کند اما استفاده از آن به فرهنگ نیاز دارد. کالا را برون از فرهنگ آن می‌فروشند و کتابچه‌ای هم برای راهنمایی ندارد و اگر دارد به زبان اصلی است. فناوری لازم است و نمی‌توانیم آن را رد کنیم.

○ اما فرهنگ عشایر چه می‌شود؟

● باید توسط دانشگاه و آموزش و پرورش حفظ شود. فناوری اجتناب‌ناپذیر است، اما وقتی صاحب فرهنگ باشی، می‌توان آن را حفظ و نگهداری کنی. در زمان پهلوی‌ها، برای مقابله فرهنگی، برای استان‌ها طنزهایی را رایج کرده بودند، تا با فرهنگ‌ها مقابله کنند. وضع طوری شده بود که اگر یکی از افراد با استعداد ما در سخن‌رانی خود کلمه‌ای را به زبان محلی می‌گفت، احساس می‌کرد گناه کبیره انجام داده است و از ادامه سخن باز می‌ماند.

البته دیگر عشایر زیادی نداریم و همه شهری شده‌اند. عده کمی هستند که با خانواده یا چند نفری زندگی می‌کنند و برای معاش خود مانده‌اند.



یک تجربه

فصل بهار را توضیح دهید، فایده مرغ و خروس را بنویسید!

محسن درفش،
آموزگار پایه سوم ابتدایی،
دلی رچ، منطقه مارگون

روزی سر کلاس در روستا به بچه‌ها گفتم
مشاهدات خود را از اطرافتان بنویسید.
دانش‌آموزی دستش را بلند کرد و گفت:
«ما که در اطرافمان جز مرغ و خروس و
گوسفند چیزی نداریم تا آن را مشاهده
کنیم و بنویسیم.»
همه بچه‌ها به خنده افتادند و حرف او را
تأیید کردند. همین حرف موضوع بحث
کلاس شد و شروع کردم به پرسیدن
سؤال‌هایی مانند اینکه:

- آیا اصلاً با دقت کافی به محیط اطرافمان نگاه می‌کنیم؟
- در اطراف خود چه می‌بینیم و با چه دیدی به آنها نگاه می‌کنیم؟
- آیا هر روز مسیر حرکت خود را کشف می‌کنیم یا فکر می‌کنیم که از یک مسیر تکراری به مقصد می‌رسیم؟
- آیا هنگام طی مسیر، در افکارمان غرق هستیم یا واقعاً به اطراف توجه می‌کنیم؟

و...

بعد از این سؤال‌ها دوباره از آنها خواستم تا مشاهداتشان را از محیط اطرافشان بعد از چند روز بنویسند و به کلاس بیاورند.



که با شعر لری بسیار لطیفی آغاز شده است و حال و هوای مردم ایلی را نشان می‌دهد. این مقدمه نیز در شش صفحه نگارش یافته و با قطعه‌ای پارسی بدین مضمون خاتمه یافته است:

«ته خانه به دوشی، نه هراسی از شبان تار،
نه زنده به گور و نه مور سسیه کوخ‌های
دل آزار
پرواز، پرواز
پروازی با دو بال دانش و آزادی،
کوچ، کوچ، کوچ
...»

کتاب کوچ‌کوچ آینه روشنی است از تاریخ و جامعه‌شناسی مردمی ایلات و عشایر کهگیلویه و بویراحمد. بسیاری از کلمات محلی لری که مخصوص زبان این مردم ایلیاتی است، بدون آنکه خواننده احساس غربت کند، در این کتاب به زیبایی آمده است. تاریخ این مردم و در این دوران ۵۰ سال با نثری زیبا، از زبان معلمی ادیب و فرهیخته که اکنون سن ۸۴ سالگی را پشت سر می‌گذارد، به رشته تحریر در آمده است. این کتاب کسانی را که به تاریخ، ادبیات، جامعه‌شناسی و جغرافیای محیطی این مردم علاقه‌مندند، جداً یاری می‌کند.

کتاب دارای دو بخش و چند پیوست است شامل نامه‌ها، تصویرهای تاریخی و طبیعی استان، تصویر سران و اشخاص، و رساله آلمانی مایور شولتسه هولتسه. شامل فهرست کتاب به خوبی نشان می‌دهد که حتی فهرست‌نگاری آن نیز سبک بدیعی دارد که با زندگی ایلیاتی خو گرفته است.

به همه خوانندگان توصیه می‌کنیم، این کتاب ارزشمند را به عنوان کتابی مرجع و تحقیقی درباره ایلات شش‌گانه کهگیلویه و بویراحمدی در اختیار داشته باشند. همچنین به نویسندگان این کتاب ارزشمند دست مریزاد بگویند و از وی بخواهند که آنچه را او از این سرزمین در دل نهفته است، باز هم به تصویر و تحریر بکشد که حقیقتاً فردا دیر است و خدای ناکرده، افسوس خواهیم خورد که طاهری هم... مباد آن روز!

استاد ایرج افشار در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «طاهری چون مردی ایلی تبار و کوه و کمر گشته و دردشناس منطقه است و همواره از بزرگان و دلسوزان بوده و خوب می‌داند که مردم کوچنده و طبیعت‌خوی چه می‌خواهند و چه می‌گویند و چه در دل دارند. این کتاب آینه روشن و صفحات گویایی از چنان آشنایی‌هاست.»

نویسنده این دلسوزی را در کتاب و در مقدمه آن چنین می‌آورد: «این چه سحر و طلسمی است که ایلی هنوز هم باید از همان بینش و ابزار کهنه، و تجربه و فن کم بُرد و کند برخاسته از شکل و ساخت دیرینه جامعه شبانی در مقابله با تنگناهای دیرین و نوظهور استفاده کند؟ چرا هنوز دل و جان ایلی در کالبدی تکیده و یا ورزیده در هوای دام و علف و کوچ در تپش و هیجان است؟ چرا ایلی، اگر یکی از آن سه رکن زندگی بخش خود را (دام و مرتع و کوچ) از دست دهد، درمانده و خموش و خمود، به کنجی می‌خزد، رنج می‌کشد و دیگر به آسانی روی همت و تکاپوی بهنجاری را ندارد؟ چرا و چراهای بسیار دیگر!»

طاهری ابتدا قصد داشته است، خاطرات خود را از سال ۱۳۰۷ (زمان تولد او) تا سال ۱۳۵۷ (یعنی تولد انقلاب اسلامی) به رشته تحریر درآورد اما دلگیر شده و صرفاً تا سال ۱۳۳۲ (مصادف با کودتای انگلیسی آمریکایی ۲۸ مردادماه) را ترسیم کرده است؛ چرا که در شور و التهاب آغازین روزهای انقلاب اسلامی، کتاب‌خانه او را که تنها کتاب‌خانه استان بود و آن را برای مردم و جوانان این مرز و بوم با رنج‌های فراوانی تهیه کرده بود، به آتش کشیدند. جرم او این بود که وی نسل اندر نسل از «کی»‌های کهگیلویه و بویراحمد بوده و از بزرگان این قوم و ایل به حساب می‌آمده است اما کی عطا از جنس وابستگان نبود و عده‌ای نابخرد او را همچون دیگران دانستند و با زندگی و هستی او بازی کردند.

این کتاب دو مقدمه دارد: یکی از استاد ایرج افشار در چهار صفحه و مقدمه نویسنده

اشاره

سورمه‌ای پوش مشغول بازی هستند. از کنارشان می‌گذریم و وارد دفتر می‌شویم.

هنوز روکش پلاستیکی بسیاری از صندلی‌ها برجاستند و بوی خاص نو بودن را با خود به همراه دارند. شکل ظاهری دفتر مثل اغلب مدارس دولتی تهران است: دیوارهای شلوغ، پر از جملات قصار و اطلاعات و نام‌های دانش‌آموزان برگزیده. البته به استثنای حیاط بزرگ که بسیاری بچه‌های تهرانی از آن محروم‌اند.

کمی طول می‌کشد تا خواسته ما اجابت شود: حضور تعدادی دانش‌آموز برای گفت‌وگو. گویی می‌خواهند دست‌چین کنند بهترین‌ها را! بالاخره دانش‌آموزان ممتاز می‌آیند و خانم مدیر سعی می‌کند حتی نشست‌نشان را نیز مدیریت کند. از همه می‌خواهد چادر بپوشند اما ما می‌خواهیم هر کس با پوشش خودش ظاهر شود. این بار می‌خواهد آنکه پوشش بهتری دارد، در میانه بنشیند؛ گل مجلس، ما نیز مخالفت نمی‌کنیم و او می‌نشیند.

پنج دختر دبیرستانی یاسوجی کنار هم می‌نشینند. همه دانش‌آموز علوم انسانی هستند و در صورت‌هایشان ذکاوت و

تهیه‌کننده این گفت‌وگوی صریح تلاش داشته است تا با قلمی روان به بازگویی مسائل اجتماعی ویژه استان کهگیلویه و بویراحمد بپردازد. افراد گوناگونی در این زمینه سخن گفته‌اند و گزارشگر مجلات رشد آن را انعکاس داده است. مجله لزوماً با دیدگاه‌ها و برداشت‌های مصاحبه‌شوندگان موافق نیست. قضاوت به عهده مخاطبان گذارده شده است تا آنان با کسب دیدگاه‌های دبیران و دانش‌آموزان بتوانند مسائل را بهتر تجزیه و تحلیل نمایند.

شنبه ساعت ۱۱:

هنوز گیج هستیم، گیج آسمانی فیروزه‌ای که کم‌کم داشت باورم می‌شد خاکستری است. گیج از سبزی یکدست کوه‌هایی که دور تادور شهر را احاطه کرده‌اند و با هر نسیمی سبزی مخملیش، سایه‌روشنی در ترنم و طراوت منعکس می‌کند. هنوز گیج این مناظر هستم که وارد حیاط مدرسه می‌شویم؛ حیاطی به نسبت بزرگ. خورشیدی تابان در اواسط آسمان می‌درخشد و روز هنوز به نیمه نرسیده است. یک تور والیبال در میانه حیاط نصب شده است و دختران

گزارش

گپ و گفت با دانش‌آموزان کهگیلویه و بویراحمد

مطالب کتاب گنگی است

فاطمه خرقانیان



شیطنت نوجوانی موج می‌زند و چشم‌هایشان می‌درخشد. می‌پرسم: کدام موضوع کتاب اجتماعی برایتان جذابیت داشت؟»

- **نسرین علی‌پور:** نظام سیاسی.

- **زهرا بازیار:** غرب‌زدگی

- **فائزه علم:** درسی که در مورد سران کشور، رهبر، رییس‌جمهور و شورای نگهبان توضیح می‌دهد و از وظایفشان می‌گوید.

کلیشه‌های حرف می‌زنند و سعی دارند تعاریف کتاب را بازگو کنند اما به نظر می‌آید مباحثی که با مسائل روز ارتباط مستقیم دارند توجهشان را بیشتر جلب کرده‌اند؛ مثل انتخابات. احساس می‌کنند این درس به آنها امکان می‌دهد تا نظراتشان را در قبال مسائل جامعه ابراز کنند. فضا می‌دهد تا از دغدغه‌ها و کاستی‌ها بگویند.

*** کتاب درسی علوم اجتماعی با شما خوب ارتباط برقرار می‌کند؟**

- **بازیار:** به نظر من یادگرفتن جامعه‌شناسی سخت شده است. وقتی به خانه می‌روم، درس به‌طور کامل از ذهنم می‌رود. نمی‌دانم چرا!

- **علم:** مطالب کتاب گنگ است. درک این مفاهیم برایم سخت است.

- **شفیعی:** کتاب مطالب را گنگ بیان کرده است.

ابحث و تضارب آرا بالا می‌گیرد. گویی سال اولی‌ها، با کتاب، ارتباط بهتری برقرار می‌کنند. در این مورد اتفاق آرا وجود دارد. بیشترین مشکل با کتاب دوم ایجاد شده است. معلمان علوم اجتماعی هم بر نظر بچه‌ها صحه می‌گذارند. دبیری می‌گوید: من برای تدریس کتاب سال دوم، هر درس را پنج بار می‌خوانم تا سر کلاس بروم...»

معلم دیگری نیز پیچیدگی مفاهیم کتاب را تأیید می‌کند. مشکل کجاست؟ دانش‌آموز، کتاب یا روش تدریس؟!

علم: درس تاریخ درسی حفظی است و مثل جامعه‌شناسی نیست.

نمره تاریخ من از ۱۹ پایین نمی‌آید اما نمره اجتماعی‌ام ضعیف است. این نشان می‌دهد ذهن من آماده است...

به اعتقاد دانش‌آموزان شیوه تدریس معلم و محتوای کتاب، هر دو سهمی در این گروه آموزشی دارند.

*** اگر یک فرد خارجی زبان جمله‌ای بگوید که**



شما با هیچ یک از کلماتش آشنا نباشید، چه طور آن را درک می کنید؟!

چنین توصیفی از کتاب اجتماعی توسط دانش آموزان، آقای اردو خانی را به گفتن این جمله وامی دارد که: «من احساس می کنم کتاب ارتباط چندانی با شما برقرار نکرده است»

۱. از محتوای کلام بچه ها دریافتیم تدریس معلم، با خواندن از روی متن کتاب تفاوت چندانی ندارد؛ وقتی که می گفتند: «دانشگاه نرفته هم می توان با این شیوه کتاب تدریس کرد!»

بحث را عوض می کنیم و از دغدغه هایشان می پرسیم؛ از معضلات اجتماعی و دلواپسی ها. می خواهیم بدانم خاطر اغلب دختران کهگیلویه از چه آزرده است. پاسخ آنان تنها یک جمله است: «تبعیض».

مازیار: مثل اینکه در جامعه ما هنوز جا نیفتاده که دختران را مثل پسرها آزاد بگذارند، هنوز جا نیفتاده که دخترها هم حق انتخاب دارند...

با شنیدن این جمله، صدای مخالف بند می شود.

علی پور: همین که می گذارند ما خودمان به مدرسه بیاییم و برگردیم، یعنی ما آزاد هستیم...

شفیعی اما می گوید: «در شهر یاسوج به پسرها بیشتر لباس می دهند. نمی گذارند دختر درسش را ادامه دهد. می گویند باید زود از دواج کنی...»

انگار پسرها در این جامعه برای انتخاب همسر آزادند و ابایی از ابراز احساسات خود در خانواده ندارند اما دختران کمتر چنین امکانی می یابند! آقای اردو خانی این موضوع را

ناشی از حجب و حیای ذاتی دختران و جاری در همه جوامع عنوان می کند. علم اما، مخالف است.

در کلام بچه ها، کلماتی نظیر ترس، عدم امنیت و فساد نیز گهگاهی تکرار می شود. این تلقی آنان از وضعیت اجتماعی شهر است. ترس پررنگ دختران از اظهار خویشتن در خانواده به وضوح قابل مشاهده است؛ گویا بسیاری از آنان برای معاشرت با هم سالان و بیرون رفتن از منزل با ممانعت خانواده مواجه اند و این قضیه حتی تا شرکت در فعالیت های گروهی مدرسه نظیر حضور در اردوی گروه های مختلف ادامه می یابد. همچنان که بی مهری های جامعه نسبت به زنان برشمرده می شود، خانم مدیر از بچه ها می خواهد که از شجاعت ها و دلیرهای مردم شهر بگویند؛ بچه ها اما

آخرین گفت و گوها پیرامون آموزش و پرورش رد و بدل می شود. علی پور از همه چیز نسبتاً راضی است و تنها دغدغه اش پنجره های بدون پرده مدرسه است! اما علم می گوید: «چرا مدارس کشور ما نباید مثل کشورهای پیشرفته، سراسر هوشمند و از بهترین امکانات روز بهره مند باشند!»

اکثر بچه ها به عدم تخصیص عادلانه امکانات به مدارس شهرهای کوچک تر نسبت به کلان شهرها، معترض اند.

آن ها شاید ناخود آگاه مدارس شهرشان را با مدارس غیردولتی شهرهای بزرگ مقایسه می کنند!

دوشنبه ساعت ۶

هیچ جای زمین پیدا نبود، مگر آنکه رنگی از سبزی یا سرخ بر آن نقش بسته باشد. چشم تا می دید سبز بود و در این میان موجی از شقایق های سرخ گون از لابه لای چمن زار خودنمایی می کرد. تمام مسیر دو ساعته یاسوج تا شهرستان «دنا» را این چنین پیمودیم. با چشمانی جست و جوگر، دامن

دامن شقایق می چیدیم از طبیعت اعجاز گون این خاک! وارد حیاط «مدرسه فاطمه الزهرا» که شدیم، کوه های بلند سر به فلک کشیده ای را می دیدی که لایه ای از برف سپید را بر پیشانی خود داشتند. آن قدر کوه ها نزدیک به نظر می رسیدند که گویی حائلی میان کوه و مدرسه وجود ندارد؛ مدرسه ای با حیاطی وسیع، درختانی تنومند و قدیمی و همان آسمان صاف و آبی.

باز هم دختران دبیرستانی اما از تمامی رشته ها؛ مدرسه ای شبانه روزی و مجموعه ای از درختان شهری و روستایی. از آموزش و پرورش دنا شروع می کنیم و کاستی هایش.

عمادی: استان ما نخبه زیاد دارد اما توجه کمی به آنها می شود.

حاجی زاده: آموزش محدود به کتاب درس است و دبیر نمی تواند به سؤال خارج از کتاب جواب دهد.



فرخی: شهرستان مدرسه فنی و حرفه‌ای، نمونه و تیزهوشان دخترانه ندارد.

تأکید بچه‌ها استفاده بیشتر از کتاب‌های کمک‌درسی، تشریح دروس بیش از محتوای کتاب، طرح نکات خارج از کتاب برای کنکور و بهره‌گیری از ابزارهای کمک‌آموزشی نظیر پاورپوینت است که به نظر می‌رسد جای آن به‌طور محسوسی در کلاس‌های درس خالی است. عدم توجه به رشته‌های کاردانش و علوم انسانی و سبک انگاری این رشته توسط دبیران نیز از جمله گلايه‌هاست.

بشیری‌نیا: مدرسه ما پاورپوینت دارد اما از آن استفاده نمی‌شود. برای یاد گرفتن رشته تجربی باید تصویر دید...

تصور مبهم بچه‌ها از رشته‌های تحصیلی، نیاز مبرم به مشاوره تحصیلی را به ذهن متبادر می‌سازد؛ موضوعی که خود بدان واقفاند:

منصوری: «من انتظار داشتم مشاور به واسطه کتاب‌های مهارت زندگی، درباره مسائلی نظیر انتخاب رشته با ما گفت‌وگو کند اما ساعت مهارت‌های زندگی به ساعت ورزش شبیه شده بود.»

در این میان بچه‌های روستایی با مشکلات مضاعفی روبه‌رو هستند. کمبود معلم در روستا موجب شده است. معلمان مرتبط به تدریس دروس پایه بپردازند. گاه مطالب به خوبی به دانش‌آموز تفهیم نمی‌شود و یا شیوه تدریس با روش معلمان شهر سختی ندارد و دانش‌آموز را در چار سردرگمی می‌سازد.

بحث که گل می‌کند، بچه‌ها یکی یکی حرف دل می‌زنند.
*** آموزش و پرورش باید به معلمان پیام بدهد، بین دانش‌آموزانی که از قبيله‌های دور می‌آیند فرق نگذارند...**

بعضی از بچه‌ها گفته‌اش را تأیید می‌کنند. همه توجه معلم را طلب می‌کنند و چشمانی که به عدالت نگاهش را میان شاگردان تقسیم کرده باشد. دیگری می‌خواهد که معلم با او «سخن» بگوید. به این معنی که در چارچوب خشک ریاضی و فیزیک پا فرا نهد و به برقراری ارتباطی عاطفی و انسانی بیندیشد.

*** اردوخوانی می‌پرسد: آیا محیط مدرسه موجب تغییر نگرشی در شما شده است؟**

حاجی‌زاده: من قبلاً فکر می‌کردم بچه‌های روستایی خیلی ضعیف هستند اما الان فهمیده‌ام خیلی باهوش‌اند و حتی بیشتر از ما «سی سختی‌ها» درس می‌خوانند.

بشیری‌نیا: رفتار و اخلاقشان خیلی روی ما اثر می‌گذارد. کلمه «خیلی» را با شدت ادا می‌کند و ادامه می‌دهد: «ما را خاکی می‌کنند...»

دانش‌آموزان بر این باورند که رفتارهای دبیران تأثیر مستقیم و بسزایی بر رفتار آنان دارد.

*** راستی زندگی در جامعه‌ای متشکل از عشیره‌ها و قبيله‌ها، چگونه است؟ مهم قرآن که افراد در این اجتماع چه احساسی دارند؟**

تلقی دانش‌آموزان از اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، چنین است:

- معاشرت و ارتباطات فامیلی بسیار پررنگ است.
- افراد صمیمی و همدل هستند، به گونه‌ای که در



سختی‌ها و ناکامی‌های روزگار بیش از سایر جوامع یاری‌گر یکدیگرند.

- مراسم شادی و عزا در این شهر چندین روز متوالی و حتی تا یک ماه به طول می‌انجامد.

- در مجموع، دانش‌آموزان آداب و رسوم حاکم بر جامعه را پذیرفته‌اند. صمیمیت‌ها را نقطه قوت فرهنگی می‌دانند و به قولی «خود را» با شرایط وفق داده‌اند.

از معضلات اجتماعی که می‌پرسم، دست اشاره به سمت و سوی خشونت می‌رود. می‌گویند متأسفانه برخی طوایف به رفتارهای تند و خشن درگیری با یکدیگر و استفاده از ادواتی نظیر قمه، تفنگ و چاقو معتاد شده‌اند. به یاد حرف یک راننده تاکسی می‌افتم که می‌گفت: «این جا مردم در خانه‌هایشان تفنگ دارند. تفنگ از بچه هم مهم‌تر است.

بحث به تبعیض که کشیده می‌شود، می‌خواهم زاویه سخن را عوض کنم. این جا چهارمین مدرسه‌ای بود که بازدید می‌کردیم و در هر مدرسه، هر بار که از معضل اجتماعی پرسیدم، دختران بی‌درنگ به تبعیض اشاره کردند؛

می‌نگریم. صدای اعتراض آنها به فقر و توسعه نیافتگی استان معطوف است.

ضیایی: ما روستاهایی داریم که بچه‌های آن نمی‌دانند آسفالت چیست. حتی شاید ماشین ندیده باشند. بعضی مناطق ما شاید ۱۰۰ سال از تهران عقب‌تر باشند. بچه‌های این استان هیچ‌گونه امکانات ندارند.

صیادی: منطقه ما مراکز گردشگری و تفریحی زیادی دارد اما در کشور شناخته شده نیست؛ چون مدیران غیربومی دارد. مردم برخی از روستاها به شام شیشان محتاج‌اند.

از وضعیت فرهنگی پرسیدم. در عین حالی که از سادگی، صمیمیت و مهمان‌نوازی مردم سخن می‌گویند اما چندان از وضعیت فرهنگی دل‌خوشی ندارند.

حسین‌پور: از نظر فرهنگی زیاد وضع خوب نیست. اینجا هنوز فرهنگ صحیح انتخابات جا نیفتاده است.

می‌گویم: «شما که آمار مشارکتان در انتخابات خیلی بالاست.»

می‌گوید: «هرکسی به قوم خودش رأی می‌دهد، به اصلح کاری ندارد.»

ضیایی ادامه می‌دهد: اینجا اگر کسی در اداره کار کند، فقط هوای هم قوم و قبیله‌ای خودش را دارد، اگر غریبه به او مراجعه کند، شاید کارش را راه بیندازد.»

پارتی‌بازی به عنوان یکی از نابسامانی‌های اجتماعی ذکر می‌شود. مثال‌ها یکی از پی دیگری مطرح می‌شوند. دیپلمه

بدون استثنا. نمی‌دانم تکراری بودن موضوع دل زده‌ام کرده بود و دنبال موضوع جدیدی برای طرح در مجله می‌گشتم، با اندوهی که از شنیدن این غصه‌ها بر دلم می‌نشست، مرا از ورود به این بحث بازمی‌داشت. اما گریزی نبود، بچه‌ها می‌گفتند و ما می‌شنیدیم.

حاجی‌زاده: اینجا مردهایی هستند که همسر و هفت دختر دارند اما می‌رود خانم دیگری می‌گیرند برای پسر دار شدن. **بشیری‌نیا:** هنوز دختر و پسر که ازدواج می‌کنند؛ باید نزد خانواده زندگی کنند و این خیلی مشکل‌ساز است. دختران برای استفاده از کلاس‌های ورزشی، حتی بارها با این جمله مواجه می‌شوند که «این کارها به درد دختر نمی‌خورد».

دختری با چشمان تیله‌ای و چهره‌ای که صمیمیت و صداقت روستایی در آن موج می‌زند- از همان‌ها که دیگران را خاکی می‌کند. از من پرسید: «چرا در شهرها دختران در سن بالای ۲۵ سال ازدواج می‌کنند اما در روستا در سن خیلی پایین و ۱۵-۱۰ سالگی باید ازدواج کنند، چرا؟»

عصر دوشنبه همان روز

فصله مدرسه دخترانه تا «دبیرستان پسرانه شهید بهشتی» اندک است اما دیگر فرصتی برای نظاره نداریم. این بار با سرعت به مدرسه می‌رویم و به مسائل آموزش و پرورش و معضلات اجتماعی استان از زاویه نگاه پسران



سر کار است و فوق لیسانس بی کار. وقتی پارتی داری از همه نظر تأمین. حرف‌ها حول اشتغال می‌گردند.

می‌گویند با هر جریان جدیدی که روی کار می‌آید، تمامی نیروها جابه‌جا می‌شوند؛ حتی یک مدیر ساده مدرسه. داغ دلشان تازه شده است. می‌گویند انگیزه‌های برای درس خواندن ندارند؛ وقتی بی‌کاری، آینده قریب‌الوقوع ادامه تحصیل باشد. افت تحصیلی یک از مشکلات این روزهای آموزش و پرورش کهگیلویه است که دانش‌آموزان عامل اصلی آن را ناامیدی از آینده شغلی می‌دانند. می‌گویند حتی یک کارخانه در شهر نیست تا در صورت ترک تحصیل آنجا مشغول به کار شوند. در حالی که این جمله را بارها و بارها در مدراس دخترانه شنیده‌ام که می‌خواهند درس بخوانند تا شغلی بیابند و از نظر اقتصادی مستقل باشند. نگاه جامعه دانش‌آموزی کهگیلویه به «ادامه تحصیل» نگاه به کسب و کار و اشتغال است. و وای اگر آینده شغلی روشنی پیش رو نباشد...

صیادی: در شهر ما ۱۲ تا از رفیق‌هایم درس را رها کردند، چون دیدند فوق لیسانس بی‌کار است آنچه او می‌گوید با آمار ترک تحصیل‌ها هم‌خوانی ندارد. نمی‌دانم صیادی در شمارش دوستان اغراق کرده است یا آمارهای مدیر کل با واقعیت فاصله دارد. از دیگر مسائلی که گریبان جوانان سی سخت را گرفته، اعتیاد است. صیادی ادامه می‌دهد: «وقتی دانش‌آموزی با مدرسه

یا خانواده به مشکل برمی‌خورد و اعصابش خرد می‌شود، می‌رود سراغ قلیان و سیگار.»

ضیایی: در شهری مثل سی سخت که کوچک است، ما سه قهوه‌خانه داریم که پر هستند.

می‌پرسم: «چند کافی نت دارید؟»

چهار تا

* و چند کتاب‌خانه؟

یک کتاب‌خانه دولتی که کتاب‌هایش مال ۳۰-۲۰ سال قبل است.

تنها حرف ناگفته آموزش و پرورش است. از کمبود امکانات گلایه دارند و نداشتن آزمایشگاه و کتاب‌های کمک‌آموزشی. اما بیش از همه بی‌میلی دبیران آزارشان می‌دهد. دبیر برای رفع تکلیف به کلاس می‌آید.

مشغله‌های ذهنی مانع تدریس مؤثر می‌شوند تمرکز ندارند. این‌ها دریافت بچه‌ها از رفتار دبیران است.

حسین‌پور می‌گوید: «اگر به معلم‌ها از نظر اقتصادی

بیشتر برسند، دغدغه معلم فقط درس دادن خواهد بود. معلمی که تحت فشار است نمی‌تواند تمرکز داشته باشد.»

در تهران وقتی به متن گفت‌وگو می‌نگرم تنها این سؤال‌ها به ذهنم می‌رسد: چرا کهگیلویه، آن طبیعت اعجاز‌آمیز و آبشارهای پرتلاطم، برای کمتر کسی در کشور شناخته شده است؟ آیا برای تغییر ناهنجاری‌های اجتماعی باید هم‌چنان نظاره‌گر بود و تغییر نسل‌ها را انتظار کشید؟

یک تجربه

دانش‌آموزی که معلم را شرمند کرد!

وهاب رزم‌آهنگ، آموزگار پایه دوم - آموزشگاه رضوان دشت آزادی، دهدشت

در یکی از روزهای سرد زمستانی با اعصابی خراب وارد کلاس شدم برخلاف روزهای عادی، سلامی خشک و بی‌روح روی صندلی نشستم. مشکلات شخصی حسابی فکرم را مشغول کرده بود. با عصبانیت داد زدم که مشق‌هایتان را روی میز بگذارید. دنبال بهانه‌ای بودم که خودم را خالی کنم. تکالیف جاوید را دیدم؛ کامل بود. رفتم سراغ **مهران**، مهران هم کامل نوشته بود. **افشین** بدخط نوشته بود. سرش داد زدم که چرا هنگام نوشتن دقت نمی‌کنی. طفلک خیلی ترسید و چیزی نگفت؛ متوجه **حامد** شدم که نگران است. حامد از دانش‌آموزان برتر و منظم کلاس بود. دفتر مشق حامد جلوی چشم نبود. از او پرسیدم دفترت کو. جوابی نداد. به اطرافش نگاهی کرد و ساکت ماند. بر سر حامد داد زدم که دفترت کو. بغض‌گلویش را گرفت. با حالتی گریان گفت: «آقا نوشته‌ام، ولی دفترم نیست.» از کوره در رفتم. به حامد سیلی زدم و او را از کلاس بیرون انداختم. چند دقیقه‌ای سکوت سنگینی کلاس را فرا گرفت. **مجتبی** سکوت را شکست و با لکنت زبانی که داشت گفت: «آآقا، دفتل حامدا» دفتر حامد در کیف مجتبی بود. پسرک بیچاره دفترش را اشتباهی در کیف مجتبی گذاشته بود. به مشق حامد که نگاه کردم، شرمند شدم. مثل همیشه تکالیفش را با خط زیبا و منظم انجام داده بود. یکی از بچه‌ها را دنبالش فرستادم. حیاط مدرسه و بیرون مدرسه را گشت ولی پیدایش نکرد.

روز بعد حامد و پدرش به مدرسه آمدند. حرفی برای گفتن نداشتیم. پدرش به من گفت که دیروز حامد بعد از دعوا با یکی از بچه‌ها از مدرسه فرار کرده است. لطفاً او را ببخشید. حامد را که دیدم، بیشتر شرمند شدم.

از ماجرای دیروز چیزی به پدرش نگفته بود. او را بوسیدم و با خود به کلاس بردم.

بعد از آن روز تصمیم گرفتم که غم‌ها و غصه‌هایم را پشت در کلاس جا بگذارم و وارد کلاس شوم.



در درس «طراحی مسائل و مشکلات آموزش و یادگیری»^۱ از دانشجویان خواسته هر کدام یک دانش‌آموز را که مشکل رفتاری داشته باشد انتخاب کند و با استفاده از روش تحقیق «اقدام‌پژوهی» بکوشد مشکل او را به شکل مطلوبی برطرف سازد. آنها با مراحل اقدام‌پژوهی و چگونگی تحقیق به این روش آشنا نبودند. پس از اینکه مطالب مقدماتی از قبیل تعریف پژوهش، اهمیت آن، انواع پژوهش و... در کلاس ارائه شد، به تعریف اقدام‌پژوهی و نقش آن در اصلاح امور آموزش و بهبود کیفیت تدریس و یادگیری پرداختیم. آنگاه ویژگی‌های موضوع تحقیق در اقدام‌پژوهی را مورد بحث قرار دادیم. در پایان بحث از دانشجویان خواستیم در جلسه بعد هر کدام یک یا چند موضوع را پیشنهاد کنند. خود من هم ماجرای «دکتر جوکوز»^۲ را برایشان نقل کردم تا بیشتر با موضوع آشنا شوند.

جریان از این قرار بود که در سال ۱۳۸۹ در یکی از روستاهای شهرستان یاسوج در پایه پنجم ابتدایی تدریس می‌کردم. در ابتدای سال تحصیلی وقتی از کلاس درس بیرون آمدم، متوجه شدم که فردی پشت در کلاس ایستاده است و با دقت فراوان به صحبت‌های من و دانش‌آموزان گوش می‌دهد. همین که در کلاس را باز کردم، سرش را به طرف من برگرداند و وقتی مرا دید، فرار کرد. دانش‌آموزان با سر و صدای زیاد به من نزدیک شدند و همگی گفتند: «آقا معلم، کسی که فرار کرد، دکتر جوکوز بود. سال گذشته در همین مدرسه درس می‌خواند و معلم هر روز با چوب و لگد او را کتک می‌زد تا از هوش می‌رفت. همین که به هوش می‌آمد معلم به او می‌گفت: تا نباشد چوب تر، فرمان نبرد گاو و خر».

بچه‌ها با صدای بلند این شعر را تکرار می‌کردند. از دانش‌آموزان سؤال کردم: «چرا معلم او را کتک می‌زد؟» گفتند: «چون عقب‌مانده ذهنی است و مغزش کار نمی‌کند».

وضعیت آموزشی و تربیتی او را از مدیر مدرسه و معلم سال قبل او جویا شدم. آنها هم پاسخی شبیه به پاسخ دانش‌آموزان دادند. روز بعد در نمازخانه مدرسه پنهان شدم تا او را بگیرم. پس از چند دقیقه از شروع کار مدرسه، وارد حیاط مدرسه شد و به آرامی به پشت در کلاس آمد. فال گوش خود را به در کلاس نزدیک کرده بود تا حرف‌های ما را بشنود. به آرامی به او نزدیک شدم و دستش را گرفتم تا فرار نکند. او را به کلاس بردم و روی نیمکت نشاندم، اما هر کاری کردم با من صحبت نکرد. سرش را کج نگه می‌داشت و به من نگاه می‌کرد و چیزی نمی‌گفت.

کلاس که تمام شد رفتار او را در محیط مدرسه مشاهده کردم. متوجه شدم نمی‌تواند ارتباط مناسبی با سایر دانش‌آموزان داشته باشد؛ زیرا آنها بر حسب عقب‌مانده به او می‌زدند. گاهی چیزی نمی‌گفت، گاهی هم عصبانی می‌شد و داد و فریاد می‌کرد. تصمیم گرفتم وضعیت تحصیلی سال‌های گذشته او را بررسی کنم. به دفتر مدرسه رفتم و پرونده تحصیلی او را از بایگانی مدرسه بیرون آوردم. طبق کپی شناسنامه‌اش، ۱۶ ساله بود. شش کارنامه مردودی و چهار کارنامه قبولی داشت.

فردی آن روز با ارسال دعوت‌نامه‌ای از ولی او خواستیم به مدرسه بیاید، اما او دعوت ما را نپذیرفت. با هماهنگی مدیر مدرسه به خانه‌شان رفتم و با اصرار زیاد از والدین او خواستم اجازه دهند به مدرسه بیاید. او را

نمونه‌ای از اقدام‌پژوهی

چرا معلم او را کتک زد؟

سیدحسنت‌الله مرتضوی‌زاده - مریم‌الهی‌زاده
مدرسان مراکز تربیت معلم یاسوج
سیاوش قبادپور - دانشجوی کارشناسی ابتدایی



تصویرگر: میثم موسوی

با خودم به کلاس بردم. بعد از چند دقیقه بچه‌ها وارد کلاس شدند، اما او از جایش تکان نمی‌خورد. او را به گوشه‌ای از مدرسه بردم تا به طور محرمانه با هم صحبت کنیم. به روش‌های متفاوتی او را به صحبت کردن وادار کردم. از او پرسیدم: «امسال به مدرسه می‌آیی؟ گفت نه. پرسیدم: چرا؟ گفت: «بچه‌ها مرا مسخره می‌کنند. شما هم همانند معلم سال قبل مرا اذیت می‌کنید»
به او اطمینان دادم که هرگز اذیتش نکنم، بلکه تلاش کنم تا بچه‌های کلاس با وی دوست شوند. گفتم: «از امروز، نام شما آقای حمید حمیدی^۳ است. مطمئن باش کسی تو را مسخره نمی‌کند».

از اینکه با احترام از او نام بردم بسیار خوشحال شد. از او خواستم تا به مدرسه بیاید. خیلی دوست داشت به مدرسه بیاید، ولی چیزی مانع او می‌شد. پرسیدم: اولین بار چه کسی تو را دکتر جوکوز نامید؟ گفت: «معلم کلاس اول دبستان این اسم را روی من گذاشت. از آن سال تاکنون دانش‌آموزان و معلمان دیگر مرا با این نام صدا می‌زنند و مسخره‌ام می‌کنند».

به خانۀ پدر حمید رفتم و از او اجازه خواستم تا حمید به مدرسه بیاید، اما پدرش گفت: «حمید عقب‌مانده ذهنی است. سن و سال او هم زیاد است. معلمان و دانش‌آموزان او را مسخره می‌کنند. نمی‌تواند درس بخواند و چیزی هم یاد نمی‌گیرد».

به او گفتم شاید حمید از نظر ذهنی و جسمی سالم باشد، اما به این وضعیت عادت کرده باشد. به او قول دادم تمام تلاش خودم را به کار گیرم تا حمید را از این وضعیت نجات دهم. نکته قابل تأمل این بود که مدیر مدرسه دانش‌آموزان، والدین و حتی معلم قبلی او نظر مشابهی داشتند. همه آنها معتقد بودند، چون حمید عقب‌مانده ذهنی است، تغییر نمی‌کند.

روز بعد پدرش به مدرسه آمد و پول کتاب‌ها و بیمه حمید را پرداخت. با هماهنگی مدیر مدرسه او را در پایه پنجم دبستان ثبت‌نام کردم^۴. پس از آن با ترس و دلهره به مدرسه می‌آمد. در جلسه اول او را معرفی کردم و به بچه‌ها گفتم که امروز میهمان عزیزى داریم. همه ما باید با او دوست باشیم و با او دوستانه رفتار کنیم.

پس از انجام کارهای مقدماتی و ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان، یک ضرب چهار رقمی در سه رقمی را روی تخته کلاس نوشتم. یکی از دانش‌آموزان را پای تخته آوردم تا حاصل آن را به دست آورد. به دانش‌آموزان گفتم ابتدا گوش دهید سپس یادداشت کنید. همه دانش‌آموزان یادداشت کردند، ولی حمید نتوانست چیزی بنویسد. جای او را عوض کردم. با تبسم از او خواستم مطالب روی تخته را یادداشت کند. احساس کردم یکی از چشم‌های حمید مشکل دارد.

روز بعد از پدر حمید خواهش کردم با هم حمید را نزد چشم‌پزشک ببریم. پدرش گفت من وقت ندارم. خودم حمید را نزد چشم‌پزشک بردم. چشم‌های او را معاینه کرد و گفت: چشم راست حمید خیلی خوب می‌بیند، ولی چشم چپش قبلاً تنبل بوده و چون به موقع به چشم‌پزشک مراجعه نکرده، آن را از دست داده است. فهمیدم علت اصلی مشکل وی، چشم او بوده که از دیگران مخفی می‌کرده است. والدینش هم این مشکل را جدی نگرفته‌اند؛ به همین علت اطرافیان او را عقب‌مانده ذهنی می‌دانستند.

برای اطمینان بیشتر حمید را نزد متخصص اعصاب و روان بردم. وضعیت گذشته وی را با دکتر در میان گذاشتم و از او خواهش کردم به دقت وضعیت هوش وی را بررسی کند. پس از بررسی‌های لازم، متخصص اعصاب و روان با اطمینان کامل اعلام کرد که حمید سالم است. خیلی خوشحال شدم. به او گفتم: «آقا حمید، من مطمئن بودم که مشکلی نداری، ولی می‌خواستم خودت از زبان دکتر اعصاب و روان بشنوی که نه تنها عقب‌مانده ذهنی نیستی، بلکه کاملاً سالم هستی».

از معلم ورزش خواهش کردم بیشتر از گذشته به حمید توجه کند و او را در مسابقات ورزشی شرکت دهد. خودم هم او را به عنوان نماینده کلاس انتخاب کردم. کم‌کم وضعیت حمید تغییر محسوس پیدا کرد، تا جایی که در پایان سال با معدل ۱۷/۸۱ قبول شد. والدین او و حتی مردم روستا وقتی خبر قبولی حمید را شنیدید، بسیار تعجب کردند. همه پی بردند که حمید عقب‌مانده ذهنی نیست.



پی نوشت

۱. رشته آموزش و پرورش ابتدایی تربیت معلم شهید ایزدیناه یاسوج
۲. جوکوز لقب نامناسی بود که معلم به او داده بود؛ یعنی الاغی که جو زیاد می‌خورد.
۳. این نام واقعی نیست. ما برای محرمانه ماندن اطلاعات شخصی آن را انتخاب کرده‌ایم.
۴. براساس بند دوم ماده ۳۶ شرایط سنی ثبت‌نام در مدارس ابتدایی، حداکثر سن ثبت‌نام در دوره ابتدایی در مناطق روستایی و عشایری ۱۶ سال تمام است.



آشنایی با روزهای ملی

۲۰ مهرماه، روز کاهش اثر بلایای طبیعی

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۲ دسامبر ۱۹۸۹، با تصویب قطع‌نامه‌ای، دومین چهارشنبه اکتبر هر سال را «روز جهانی کاهش اثر بلایای طبیعی» نام‌گذاری کرد. لازم به یادآوری است این روز مصادف است با سالروز زلزله عظیم «کانتو» در سال ۱۹۲۳ که شهر توکیو را ویران ساخت. این زلزله موجب شد بیش از ۱۴۰ هزار نفر کشته و بیش از نیمی از بناها ویران شوند یا در آتش بسوزند. در کشور ما هر ساله هفته کاهش اثر بلایای طبیعی گرامی داشته می‌شود و طی آن، برنامه‌هایی که در طول سال برگزار می‌شوند، از جمله برنامه‌های آموزشی و انجام مانورها، به اطلاع عموم می‌رسد.

امروزه در شرایطی که برای اولین بار در تاریخ حیات بشر، بیشترین جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می‌کنند، وقوع حوادث طبیعی به ویژه زلزله در شهرها به چالشی عمده در روند توسعه پایدار تبدیل شده است. طی سال‌های اخیر تقریباً هر روز شاهد اثرات مخرب حوادث طبیعی در جهان هستیم. براساس تازه‌ترین آمار که در خرداد ماه سال ۱۳۹۰ از سوی سازمان‌های بین‌المللی، از جمله «دفتر راهبرد بین‌المللی کاهش مخاطرات سوانح سازمان ملل» (UNISDR) و «مرکز پژوهش‌های بیماری‌های واگیردار در سوانح» (CRED) منتشر شده است، تنها در سال گذشته طی ۳۸۵ سانه طبیعی، بالغ بر ۲۹۷ هزار نفر در سراسر جهان جان باخته‌اند. این آمار از میانگین سالانه وقوع سوانح در دهه اول قرن حاضر فراتر رفته است.

در مجموع، آمار بیانگر آن است که قاره آسیا بیشترین میزان وقوع حوادث طبیعی و تعداد قربانیان را دارد. سرمایه‌گذاری در امر پیشگیری از مخاطرات این حوادث و ارتقای آمادگی در برابر آنها، نه تنها موجب حفظ جان شهروندان در حوادث خواهد شد بلکه به صرفه‌جویی مالی خواهد انجامید. ایجاد فرهنگ پیش‌گیری کار ساده‌ای نیست؛ چرا که هزینه پیشگیری در زمان حال پرداخته می‌شود اما منافع آن در آینده دور قابل دست‌یابی است. پیش‌آگاهی و پیشگیری در همه امور بهتر از مبارزه و درمان است. در بسیاری از موارد، پیشگیری صدمات و خسارت‌های جانی و اقتصادی ناشی از این گونه بلایا را به حداقل ممکن رسانده است. این مهم نیازمند آگاهی و شناخت همه افراد جامعه است. فرهنگ پیشگیری باید در سطح جوامع انسانی بسط و گسترش بیشتری پیدا کند.

زهر اصادقی

اشاره

اکنون دو سالی است که به تناسب تقویم تاریخ در «رشد آموزش علوم اجتماعی» به روزهای ملی پرداخته‌ایم. در این فصل، یعنی فصل پاییز، ما چند مناسبت داریم که به عنوان روزهای تقویمی و ملی خود از آنها یاد می‌کنیم. این روزها عبارت‌اند از:

۵ مهر: شکست حصر آبادان به فرمان حضرت امام

خمینی(ره)، رهبر انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوا.

۷ مهر: سقوط هواپیمای فرماندهان ارشد نظامی

کشور، شهیدان **فلاحی، نامجو، کلاهدوز و جهان‌آرا**.

۹ مهر: روز همدردی با کودکان و نوجوانان فلسطینی.

۱۳ مهر: روز نیروی انتظامی.

۱۸ مهر: روز جهانی پست.

۲۰ مهر: روز کاهش اثر بلایای طبیعی.

۲۶ مهر: سالروز ازدواج حضرت زهرا(س) و

امیرالمؤمنین علی(ع).

۵ آبان: عید قربان.

۸ آبان: شهادت نوجوان ۱۳ ساله، شهید

محمدحسین فهمیده و روز بسیج دانش‌آموزی.

۱۳ آبان: روز تبعید امام خمینی(ره) به ترکیه،

روز دانش‌آموز و شهادت دانش‌آموزان در مقابل دانشگاه

(۱۳۵۷)، روز مبارزه با استکبار و روز تسخیر لانه جاسوسی.

۲۶ آبان: روز آزادسازی سوسنگرد.

۵ آذر: روز عاشورا.

۱۰ آذر: روز شهادت آیت‌الله مدرس.

۱۹ آذر: تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۲۵ آذر: روز پژوهش.



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)
- رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)
- رشد دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره دبستان)
- رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد آموزش ابتدایی
- رشد آموزش راهنمایی تحصیلی
- رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا
- رشد مدیریت مدرسه
- رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه)
- رشد آموزش قرآن
- رشد آموزش معارف اسلامی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر
- رشد آموزش مشاور مدرسه
- رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان
- رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی
- رشد آموزش زیست‌شناسی
- رشد آموزش زمین‌شناسی
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای
- رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

◆ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر تکنولوژی و انتشارات کمک آموزشی.

◆ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

از سوی دیگر، مردم می‌توانند با مشارکت در برنامه‌های مدیریت شهری حول محورهای پیشگیری، آمادگی و مقابله با بحران به طور خاص، و با عضویت در گروه‌های «داوطلب واکنش اضطراری محله‌ها» (دوام) نقش بسیار ارزنده‌ای در خود امدادی و دگر امدادی در حوادث طبیعی ایفا کنند.

بر اساس آمارهای بین‌المللی، در ۲۷ سال گذشته ۶/۳ میلیون نفر بر اثر بلایای طبیعی جان باخته‌اند، بیش از سه میلیارد نفر آسیب دیده‌اند و بیش از ۲۴۰ میلیارد دلار خسارت مالی وارد شده است. آمار نشان می‌دهد که بلایای طبیعی رو به افزایش‌اند. بر پایه یافته‌های آماری، بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۲ شدت بلاها ۱/۴ برابر و نسبت جان‌باختگان ۹/۶ و آسیب‌دیدگان ۲/۵ و خسارت مالی ۳۸ برابر شده است. به طور متوسط هر سال در اثر حوادث طبیعی از هر ۳۱ نفر یک نفر آسیب دیده و از هر ۳۱ هزار نفر یک نفر جان خود را از دست داده است.

انسان به تعبیری موجودی گیرنده، فرستنده و حساب‌کننده قلمداد شده که با هوشمندی خود قادر است بسیاری از وقایع را، که گاه بلیه به نظر می‌رسند، به رحمت مبدل کند یا حداقل از میزان خسارت‌ها بکاهد. بلایای طبیعی اصولاً ماهیتی پیچیده دارند و در شرایط کنونی بسیاری از آنها خارج از کنترل انسان به نظر می‌رسند اما میزان آسیب‌پذیری نتیجه عملکرد عوامل انسانی است. همان‌طور که واقفیم، پیشگیری از حادثه بهتر از واکنش در مقابل حادثه است. لذا ارتقای دانش و آگاهی‌های عمومی خود عامل مهمی در کاهش اثر بلایای طبیعی محسوب می‌شود.

۱۸ مهرماه، روز جهانی پست

پست کهن‌ترین و گسترده‌ترین نوع ابزار ارتباطی بین مردم یک کشور با ساکنان دیگر سرزمین‌ها و مناطق جهان است. جوامع رشدیافته، برای تحقق توسعه خود به شبکه ارتباطی توجه داشته و روی آن برنامه‌ریزی کلان کرده‌اند. هر پستی از انجام ۳۰۰۰ سفر جلوگیری می‌کند و می‌دانیم که هر سفر افزون بر هزینه، پیامدهای دیگری چون اتلاف وقت، فشارهای عصبی و روحی، مشکلات حمل و نقل، اتلاف سوخت، آلودگی هوا و انواع خسارت‌های احتمالی مالی و جانی را نیز به همراه دارد.

از سال ۱۹۶۹، روز ۹ اکتبر (۱۷ مهر) هر سال به عنوان «روز جهانی پست» تعیین شد. اکنون بیش از ۱۷۰ کشور

عضو این اتحادیه هستند. ایران نیز در سال ۱۳۵۶ ه.ش به عنوان بیست و نهمین عضو به این اتحادیه پیوست.

در ایران پست قدمتی بیش از سه هزار سال دارد و برخی صاحب‌نظران ایرانیان را مبتکر ارتباط پستی می‌دانند. به دلیل همین قدمت تاریخی، از فعالیت چاپ‌های قدیم تا پست پیشرفته کنونی، ابزار و آثاری گران‌بها و دیدنی گردآوری شده‌اند که در موزه پست نگهداری می‌شوند.

روز ۹ اکتبر سال ۱۸۷۳، به پیشنهاد هنریخ ون استفان، مدیر کل پست کنفدراسیون آلمان شرقی، قراردادی با عنوان «قرارداد برن» در زمینه تأسیس «اتحادیه کل پست» در «برن» سوئیس، توسط ۲۲ کشور جهان به امضا رسید.

امضاکنندگان براساس توافق به عمل آمده، یک قلمرو پستی را تشکیل دادند که آزادی ترانزیت برای مبادله متقابل مراسلات را در سراسر قلمرو و اتحادیه، تأمین و تضمین می‌کرد. نام این اتحادیه پس از چهار سال با پیوستن کشورهای دیگر، به «اتحادیه جهانی پست» تغییر یافت.

آیات و روایات متناسب

روز جهانی پست

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله): «رَدُّ جَوَابِ الْكِتَابِ حَقٌّ كَرَدَّ السَّلَامِ»: پاسخ دادن به نامه، همانند پاسخ سلام، از حقوق صاحب نامه است. (کنز العمال، ج ۲: ۲۹۲۹۴)

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله): «تَوَاصَلُوا بِالْكِتَابِ وَ إِن شَطَطَ الدَّيَارُ»: با نامه خود را به یکدیگر پیوند دهید؛ اگر چه شهرها از هم دور باشند. (الفردوس، ج ۲: ۵۶)

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله): «مَنْ نَظَرَ فِي كِتَابِ أَخِيهِ بَغَيْرِ إِذْنِهِ فَكَأَنَّمَا يَنْظُرُ فِي التَّارِ»: هر که بدون اجازه به نوشته برادرش نگاه کند، گویی به آتش نگاه می‌کند. (عوالی اللالی، ج ۱: ۱۸۱)

امام صادق (علیه‌السلام): «رَدُّ جَوَابِ الْكِتَابِ وَاجِبٌ كَوَجوبِ رَدِّ السَّلَامِ»: جواب دادن به نامه، هم‌چون جواب سلام، واجب است. (الکافی، ج ۲: ۶۷)

امام صادق (علیه‌السلام): «التَّوَّاصُلُ بَيْنَ الْإِخْوَانِ فِي الْحَضَرِ النَّزَّوُّ وَ التَّوَّاصُلُ فِي السَّفَرِ الْمُكَاتِبَةُ»: ارتباط میان برادران در زمان حضور، دید و بازدید است و در سفر، نامه‌نگاری (میزان‌الحکمه، ج ۱: ۱۷۳۴۰)

منبع: برنامه روزشمار تاریخ، از مرکز پژوهش‌های صداوسیما



تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افسست از دوروش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل

برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.

۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست

سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگهدارید).

♦ نام مجلات در خواستی:

.....
.....
.....

♦ نام و نام خانوادگی:

.....

♦ میزان تحصیلات:

.....

♦ تلفن:

.....

♦ نشانی کامل پستی:

.....

استان: شهرستان: خیابان:

.....

شماره فیش: مبلغ پرداختی:

.....

پلاک: شماره پستی:

.....

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

♦ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

♦ اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶ / ۷۷۳۳۵۱۱۰ / ۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۱۲۰۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۸۰۰۰۰ ریال



گشتی در استان کهگیلویه و بویراحمد

عکاس: رضامعتمد



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

رشد برای رشد



نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی،
ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید سلیمی)
• تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۲۸ • نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

مجلات فصل نامه رشد
ویژه معلمان، مربیان
و مشاوران مدارس

W W W . r o s h d m a g . i r